



کارمضاعف

نشانی پستی دفتر مجله:  
تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۷۸۵  
تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۱۲)  
تلفن مستقیم: روزهای دوشنبه ۸۸۳۰۵۷۷۱  
مدیرمسئول: ۱۰۲/۵ دفتر مجله: ۳۱۲/ امورمشتربین: ۱۱۴  
وب‌گاه: www.roshdmag.ir  
رایانامه: goran@roshdmag.ir  
تلفن امور مشترکین: ۷۳۳۶۶۵۵، ۷۳۳۶۶۵۶  
پیام‌گیر نشریات رشد: ۱۴۸۲-۸۸۳۰  
شمارگان: ۱۳۵۰۰  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



همت مضاعف

مدیرمسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: سید محسن میر باقری  
مدیر داخلی: یونس باقری  
هیئت تحریریه: فریبا انجمنی، یونس باقری،  
سید مهدی سیف، زهرا کاشانی‌ها، مجید معارف،  
سید محسن میر باقری، سید محمد حسین میر باقری  
و مسعود وکیل  
طراح گرافیک: نوید اندرودی  
ویراستار: کبری محمودی

سرمقاله / امام خمینی احیاگر دین و معنویت در عصر حاضر / ۲

گفت و گو / جایگاه قرآن در برنامه درسی ملی ۲ / رمضانعلی ابراهیم زاده/۳

پیامبر اکرم (ص) شاهد بر اعمال همه ی انسان ها / دکتر محسن میر باقری/ ۱۰

امام خمینی و استفتائات قرآنی/ ۱۵

گفت و گو / راز و رمز نام های قرآن/ نصر الله دادار/ ۱۶

موسسه ی فرهنگ جام طهور / سید علاالدین اعلائی/ ۲۰

آثار قرآنی در کتاب خانه ی مجازی/ ۲۳

حوزه یادگیری قرآن و معارف اسلامی در برنامه درسی ملی ۲ / سید امیر رون/ ۲۴

میزان تحقق اهداف درس دینی و قرآن در رفتارهای دانش آموزان منطقه ی ۵ / فرزانه جوادی پور/ ۳۱

تا حوزه و دانشگاه قرآنی نشوند جامعه قرآنی می شود/ آیت الله جوادی آملی/ ۳۶

تفاوت قرآن با حدیث قدسی/ ۳۷

مهارت تدریس/ کوروش حیدری/ ۳۸

اسرار حروف مقطعه/ ۴۱

تقدم و تاخر تزکیه و تعلیم در قرآن/ جلیل جلیل اوغلی/ ۴۲

قرآن کریم را به چند روش می توان تلاوت کرد؟/ ۴۷

راهکارهای ایجاد طراوت در کلاس قرآن/ فهیمه رضایی/ ۴۸

در آمدی بر تدبر در قرآن/ دکتر مجید طالب تاش/ ۵۳

معرفی کتاب/ ۵۸

ذاکرین/ ۶۱

چین در نمایشگاه قرآن/ ۶۲

اسامی و مشخصات موسسات عضو اتحادیه ی تشکل های قرآنی کشور/ ۶۳

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله‌ی رشد آموزش قرآن، نوشته‌ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به‌ویژه معلمان دوره‌های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می‌پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:  
چکیده‌ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. پی نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره‌ی صفحه‌ی مورد استفاده باشد. در متن‌های ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله‌های ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها و تصاویر به، پیوست در حاشیه‌ی مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبنین نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤلیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله‌های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی‌شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله‌های رسیده مجاز است.

# امام خمینے (ره) احیاگر دین و معنویت در عصر حاضر

تاریخ خیزش اسلامی در بیش از یک قرن اخیر، در همه‌ی سرزمین‌های اسلامی با بازگشت اندیشمندان و مصلحان مسلمان به قرآن کریم همراه بوده است. برترین شاخص توحید در حیات اجتماعی و تاریخی انسان، شریعت و دین الهی است. بی‌جهت نیست که قرآن کریم، منکران نبوت و هدایت خاص الهی را به نشناختن قدر و جایگاه خدا توصیف کرده است: «و ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء...» [انعام، ۹۱]: هر چند به دنبال بیش از دو قرن فاصله گرفتن انسان‌ها در حیات اجتماعی و علمی از آموزه‌های اساسی دین و معنویت، از اواسط قرن بیستم، طلیعه‌ی بازگشت به معنویت پدیدار شده است، اما هیچ رخداد اجتماعی را سراغ نداریم که به میزان انقلاب اسلامی، انسان عصر مدرن را به دین و معنویت - اما به روایت یک کتاب آسمانی و آن هم قرآن کریم - بخواند؛ قرآن آخرین کتاب الهی، مصدق همه‌ی کتاب‌های آسمانی و مهیمن بر آنهاست.

شاید مهم‌ترین چالش انقلاب اسلامی با فرهنگ عصر جدید و حافظان علمی و حامیان عملی آن در این است که این انقلاب، همه‌ی انسان‌ها و حتی مسلمانان را به پیروی از مبانی، اصول و آموزه‌هایی دعوت می‌کند که فراتر

از این و آن، هدایت انسان را برعهده دارد؛ و آیا این جز امری از نوع دعوت انبیاست که به دنبال مشیت الهی از شخص پیامبر تا یکایک انسان‌ها را به اطاعت و تبعیت از وحی و کلام خدا فرمان می‌دهد؟ و آیا دین جز این است؟ اگر سخن از احیای دین و احیای برترین کتاب آسمانی به دنبال رخداد انقلاب اسلامی می‌رود، سخن از آن است که امام و رهبر این نهضت، خود را شاگردی تربیت شده در مکتب وحی و مفسران صادق آن می‌داند.

هر چند مراکز و محافل فرهنگی و مذهبی جامعه‌ی ما، پس از انقلاب اسلامی، به قرآن کریم توجه خاصی داشته‌اند و به میزان چشم‌گیری بر حجم و کیفیت این فعالیت‌ها افزوده شده است، اما از این مهم‌تر آن است که قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع معرفت واقعی جهان هستی و سرچشمه‌ی شناخت هستی‌بخش جهان، و شناخت انسان و آغاز و انجام و غایت راستین حیات او، مورد توجه جدی و مجدد همه‌ی محافل علمی قرار گرفته است.

این نیست جز آن‌که پرچم انقلاب اسلامی در دست رادمردی بوده است که وجود خود را در پرتو خورشید همیشه فروزان قرآن، نور و حیات بخشیده است و همان‌طور که انقلاب اسلامی پرتوی از شخصیت انسانی - الهی او بوده، خود او پرتوی از هدایت قرآنی بوده است.

چه زیبا و سزاوار است که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی را با تأسی از بنیان‌گذار آن، اصلاح دائمی همه‌ی اندیشه‌ها، سیاست‌ها و عملکردهای فردی و اجتماعی خویش در زلال چشمه‌ی بی‌پایان قرآن کریم و سنت معصومین پاک بدانیم. در این صورت است که هم تلاش‌های خالصانه‌ی او و شهیدان این راه مقدس را قدر نهاده‌ایم و هم سلامت حرکت در این راه الهی را پاس داشته‌ایم.

و ایام الله دهه‌ی فجر یادآور این شکوه و عظمت چند دهه گذشته است.

سردبیر



گفت و گو: رمضانعلی ابراهیمزاده گرچی

حجت الاسلام ذوعلم مدیر تولید برنامه درسه ملی جمهوری اسلامی ایران  
در گفت و گو با فصلنامه‌ی رشد آموزش قرآن:

## جایگاه قرآن در «برنامه‌ی درسی ملی» فراتراز یک درس دیده شده است (۲)

به تازگی، سند تحول راهبردی در نظام رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز در شورای عالی آموزش پرورش تدوین و تصویب شده است. این سند فرادستی، برای اجرا نیازمند یک رهنامه و یک برنامه است به همین منظور، برنامه‌ی درسی ملی که طی چهار سال تهیه شده است و نگاشت سوم آن نیز رونمایی شده، در واقع، تکلیف محتوا، روش‌ها، ارزش‌یابی و ... را در اجرا معلوم می‌کند. گفته می‌شود، با اجرای برنامه‌ی درسی ملی، تحول مهمی در آموزش و پرورش رخ خواهد داد. برای آشنایی دبیران محترم دینی و قرآن، از این شماره، گفت و گو، مقالات و نوشته‌هایی در این باره در مجله رشد قرآن چاپ خواهد شد. در این شماره، توجه شما را به مصاحبه با حجت الاسلام علی ذوعلم، مدیر تولید برنامه‌ی درسی ملی، جلب می‌کنیم.

● **رویکرد «برنامه‌ی درسی ملی» فطرت‌محوری است. تعریفی که این سند از فطرت دارد، چیست؟**

■ موضوع بحث مربوط به فطرت‌گرایی توحیدی، به نگاه اسلام به انسان باز می‌گردد. اگر تصور کنیم متریبان ما به صورت لوح سفید و به طور کامل در اختیار ما قرار دارند و ما قادر خواهیم بود هر گونه آموزش و تربیتی را به آنان تحمیل کنیم، خلاف مبانی انسان‌شناسی ماست. در فصل اول برنامه‌ی درسی ملی، روی این نوع از انسان‌شناسی بحث مشروح شده و گزاره‌های مهم آن نیز آمده است.

یکی از گزاره‌های مهم این است که متریبان ما برخوردار از فطرت‌اند. فطرت هم مجموعه‌ی توان‌مندی‌ها، شاخص‌ها، علاقه‌ها و گرایش‌های متعالی است که در انسان هست و اگر نظام تربیتی، همسو با شکوفایی فطرت و در جهت پرورش استعداد‌های درونی و خدادادی نباشد، به طور قطع، تربیت مؤثر نخواهد بود. تأثیر چنین رویکردی در برنامه‌ی درسی ملی این است که در بخش بخش این برنامه، دلالت اعتقاد به فطرت را ملاحظه خواهید کرد. برای مثال، در بخش ارزش‌یابی مربوط به گرایش‌های فطری دانش‌آموزان آمده است، خود دانش‌آموزان می‌توانند خود را ارزش‌یابی کنند. بدین دلیل که اگر تمرین خود ارزش‌یابی را از مدرسه آغاز کنیم، این کار به تقویت خودیابی و خودمراقبتی در دوره‌ی بزرگسالی می‌انجامد.

اما اگر از ارزش‌یابی فقط به عنوان اهرم سنجش میزان معلومات دانش‌آموزان استفاده کنیم، فرایندی یکسویه خواهد بود که متأسفانه امروزه هم وجود دارد و همه چیز را در آن محدود می‌کند. اگر فطرت‌گرایی ما را به نگاه جدیدی هدایت کند، این رویکرد، به عنوان جهت‌گیری مشترک و حاکم، به صورت چتری بر برنامه‌ی درسی ملی سایه می‌اندازد، نتایج مهم خواهد داشت و تضمین‌کننده‌ی نگاه دینی به انسان است که ما در مبانی برنامه‌ی درسی ملی بدان پرداخته‌ایم.

● **در این برنامه، آیا بخش پرورشی، حوزه‌ی جدایی است یا در کل نظام تعلیم و تربیت ذوب شده است؟**

■ دیدگاه مشخص در برنامه‌ی درسی ملی این است که آموزش در نظام جمهوری اسلامی ایران، پرورش مآب است؛ به این معنا که اگر ما کار آموزشی را با مفهوم خاص انجام دهیم، در نهایت برای تربیت دانش‌آموزان انجام داده‌ایم. منتهی این تربیت ابعاد علمی، عملی و رفتاری و اخلاقی دارد. سه بُعد تربیت علمی، تربیت عملی و تربیت رفتاری، مبتنی است بر تربیت ایمانی و تربیت ایمانی هم متکی است به تربیت عقلانی.

بنابراین، پنج‌عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق،

عنصرهای اساسی از اهدافی هستند که ما در برنامه‌ی درسی ملی دنبال می‌کنیم. متناسب با این الگوی هدف‌گذاری، آموزش و پرورش نمی‌تواند از هم جدا باشند، ولی جدا نبودن آموزش و پرورش از هم، به این معنی نیست که ما در سطح مدارس نتوانیم تقسیم کار انجام دهیم. بنابراین، بخشی را به عنوان فعالیت‌های پرورشی تلقی می‌کنیم و معتقدیم، فعالیت‌های پرورشی باید از سازمان‌دهی، سازوکارها و نیروی انسانی خاص برخوردار باشد. معنای چنین تفکیکی این نیست که پرورش و تربیت از آموزش جداست، بلکه هر معلمی در هر کاری، می‌تواند ضمن تفکر درباره‌ی عناصر اهداف پنجگانه، برای تحقق آن‌ها نیز بکوشد. بار دیگر تأکید می‌شود، در برنامه‌ی درسی ملی، آموزش و تربیت از هم جدا نیستند، بلکه تقسیم کاری صورت گرفته است. مثالی را طرح کنیم: یکی از یافته‌های ما در برنامه‌ی درسی ملی که تأثیر زیادی روی خروجی‌ها خواهد داشت، این است که ساعت رسمی آموزش را فقط ساعت کلاسی نمی‌دانیم. ساعت رسمی آموزش را دو بخش کرده‌ایم؛ ساعت کلاسی و ساعت غیر کلاسی.

با این توضیح که فضای خارج از کلاس نیز به عنوان فضای جدی و رسمی آموزش و پرورش دیده شده است. فکر کردیم که سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی مربوطه به این بخش از ساعات غیر کلاسی، باید به عهده‌ی بخش پرورشی باشد تا برای تحقق این اهداف، به بخش‌های دیگر کمک کند.

در برنامه‌ی درسی ملی، ۱۱ حوزه یادگیری پیش‌بینی شده است. در هر حوزه به نسبت‌های متفاوت و متناسب با اقتضای هر کدام، فعالیت‌های خارج از کلاس هم تداوم می‌یابد. این فعالیت‌ها نقشی مهم در تحقق اهداف دارند.

● **در نظام آموزشی جاری آموزش و پرورش، قرآن و معارف اسلامی به عنوان یک درس در برنامه آمده و معلم هر دو درس را در کلاس با هم پیش می‌برد. آیا در برنامه‌ی درسی ملی تغییری در کمیت و کیفیت این درس داده خواهد شد؟**

■ در این برنامه، نظام هدف‌گذاری، از معارف دینی به‌ویژه از قرآن استنباط شده است. یعنی ما قرآن را از وضع محدود شده در یک درس دو ساعته‌ی موظف خارج کرده‌ایم. ما قرآن را به عنوان کتاب تربیت می‌شناسیم. باید اهداف خود را از قرآن کریم استخراج کنیم و مبانی نظری خود را از قرآن بگیریم این کار تا حد زیادی در برنامه‌ی درسی ملی انجام شده است. پنج کلیدواژه‌ای که در پرسش‌های قبلی در حوزه‌ی هدف‌گذاری برشمردم، ملهم از قرآن کریم بوده‌اند. این اولین گامی است که

حوزه‌ی یادگیری علوم تجربی، اگر در جایی دلالت‌های قرآنی داریم که می‌تواند بین آن بخش از طبیعت یا خلقت و نگرش کلان دانش‌آموزان ارتباط برقرار کند، باید از آن استفاده کرد. بنابراین، توسعه و تعمیق نگرش قرآنی در همه‌ی حوزه‌های یادگیری، در برنامه‌ی درسی ملی لحاظ شده است. می‌توان گفت، نگاهی که در برنامه‌ی درسی کنونی به قرآن وجود دارد با آنچه در برنامه‌ی درسی ملی مطرح شده، کاملاً متفاوت است. آنچه گفته شد و آنچه را در برنامه‌ی درسی ملی وجود دارد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

در برنامه‌ی درسی ملی، به قرآن فراتر از یک درس توجه شده است، زیرا:

اول: قرآن به عنوان مبنای نظری و هدف‌گذاری در این برنامه لحاظ شد.

دوم: قرآن در همه‌ی حوزه‌های

یادگیری، در حدی که باید و

می‌تواند حضور داشته باشد،

حضور دارد تا بتوان از پیوند

بین آموزه‌های قرآنی و

بسترهایی که در حوزه‌های

یادگیری فراهم می‌شود،

استفاده کرد.

سوم: در حوزه‌ی

یادگیری قرآن و معارف

اسلامی هم، بین قرآن،

معارف و زبان عربی پیوندی به

وجود آمده است. بدین ترتیب،

فکر می‌کنیم این سه درس (قرآن،

دینی و عربی) باید در منظومه‌ی

مرتبط و منسجم، با هم پیوند برقرار کنند

و از یکدیگر پشتیبانی محتوایی بکنند تا بتوانیم به

انتظاراتی که در این عرصه از هدف‌ها داریم، نزدیک شویم.

● برای تهیه و تدوین برنامه‌ی درسی ملی، ناچار از

ارزیابی وضعیت گذشته و جاری بودید. نتیجه‌ی ارزیابی

شما از وضعیت کنونی درس قرآن و معارف اسلامی

چيست؟ حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی

(مواد آموزشی، معلمان، ساعات تدریس و نوع آموزش)

کنونی چند درصد از هدف‌هایی را که در برنامه‌ی جدید

گنجانده‌اید، تأمین می‌کند.

■ آسیب‌هایی که در حال حاضر در حوزه‌ی آموزش قرآن و

برای قرآنی کردن کل برنامه‌ی درسی برداشته شد. هدف این است که خروجی برنامه‌ی درسی قرآنی، انسان تراز قرآنی باشد. فکر می‌کنم دوستان ما تا حد زیادی در تهیه و تدوین این هدف موفق عمل کرده‌اند. امیدواریم در اجرا نیز شرایط تحقق چنین هدفی تأمین شود.

در مورد درس خاص قرآن کریم، یکی از ۱۱ حوزه‌ی یادگیری در برنامه‌ی درسی ملی، حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی است، زیرا بر این اعتقادیم که قرآن باید به‌عنوان یک مقوله‌ی آموزشی مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد و آن‌ها بتوانند با قرآن مانوس شوند. باید بتوانند قرآن را بخوانند و قدرت درک معارف قرآنی را کسب کنند و فراتر از بحث مهارت در خواندن، به قرآن به عنوان یک منبع معرفتی ایمان داشته باشند. زیرا قرآن مهم‌ترین منبع معارف اسلامی است و ما هنگام تحلیل معارف اسلامی، در همه‌جا به قرآن و به اهل بیت حضرت رسول (ص) به‌عنوان مفسر قرآن نیازمندیم. لذا با این نگرش به حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی توجه شده است. در بیانی‌های این حوزه‌ی یادگیری نیز عناصر اساسی موجود در این حوزه مطرح شد.

این‌که سازمان‌دهی دروس این حوزه‌ی یادگیری باید چگونه باشد، در برنامه‌ی درسی ملی موضوع بحث بوده است. باید دوره‌های تحصیلی را به‌صورت متفاوت اما متناسب با سطح رشد دانش‌آموزان و ظرفیت‌های آنان ببینیم، ولی در نهایت، خروجی‌ها در حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی باید در حدی باشند که ضمن انس یافتن با قرآن کریم، بدان باور داشته باشند. باید بتوانند در حدی که در دوره‌ی نظام مدرسه‌ای قابلیت تحقق دارد، در آیات قرآن تدبّر کنند و مفاهیم قرآنی را بفهمند. نکته‌ی مهم‌تر این‌که معارف اسلامی و دیدگاه خود را با تکیه بر قرآن کریم دریافته باشند و بتوانند در زندگی از قرآن بهره‌ی لازم را بگیرند. به فرموده‌ی مقام معظم رهبری، در لنگرگاه‌های اساسی زندگی و در جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های زندگی، از قرآن الهام و کمک بگیرند. ما این انتظار را از خروجی‌های برنامه‌ی درسی ملی داریم.

موضوع بحث دیگر ما این است که باید بتوانیم نگاه قرآنی را در حوزه‌های دیگر یادگیری هم به دانش‌آموزان منتقل کنیم؛ مثلاً در حوزه‌ی تفکر و حکمت. این‌که قرآن به تفکر و حکمت چه نگاهی دارد؟ دانش‌آموزان باید بتوانند با جایگاه حکمت در قرآن در حوزه‌ی یادگیری مربوط ارتباط برقرار کنند. در حوزه‌های دیگر یادگیری مانند زبان و ادبیات فارسی، علوم انسانی و مطالعات اجتماعی نیز این اصل باید رعایت شود. در

معارف اسلامی وجود دارد، چند نوع است و به عوامل گوناگونی برمی‌گردد. یکی بحث برنامه است. یعنی بین برنامه‌ی درس قرآن، برنامه‌ی درس معارف اسلامی و برنامه‌ی درس عربی، ارتباط لازم را به وجود نیاورده‌ایم و از آن غفلت شده است. در حالی که ظرفیت و امکان پیوند بین این سه حوزه با هم، بسیار بیشتر از آن چیزی است که در وضعیت موجود دیده می‌شود.

کم‌توجهی به ارتباط بین یادگیری این حوزه‌های درسی، سبب شده است گاهی دانش‌آموزان یا معلمان احساس کنند برخی از مباحث تکراری هستند. همین مورد آسیب دومی است که فضای کلاس را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آسیب دیگر، وقفه‌ای است که بین نیازهای فکری دانش‌آموزان و مسائل واقعی زندگی آنان با مفاهیم و مضامین دینی وجود دارد.

ما باید بیش از امروز توجه‌شان را بدان معطوف کنیم. خوش‌بختانه در ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، کارهای خوبی انجام گرفته است، ولی کافی نیست.

آسیب بعدی باز می‌گردد به فضا و محیط یادگیری و یاددهی درس قرآن و معارف اسلامی که محیط معمول مدرسه است. اگر در این محیط تنوعی ایجاد شود، انگیزه‌ی دانش‌آموزان و رغبت آنان را برای یادگیری می‌افزاید. مثلاً اگر بتوانیم بخشی از کار آموزش قرآن را در خارج از کلاس مدرسه انجام دهیم، ...

#### ● مثلاً در دارالقرآن ...؟

■ مثلاً در دارالقرآن، منظور من همه‌ی ساعت آموزش این درس نیست. حداقل به صورت انعطاف‌پذیر برای مدارس که چنین امکانی برایشان فراهم است. اگر بتوانیم از درس قرآن برای ایجاد ارتباط با یک محفل قرآنی استفاده کنیم، خیلی مفید است. حتی برای میزان رغبت دانش‌آموزان برای حضور در محفل قرآنی در ارزش‌یابی هم امتیازی در نظر گرفته شود که کمک کند به تأثیر بیشتر آموزش قرآن. منظور این است که ما بتوانیم از ظرفیت‌های موجود در جامعه، به شکل سامان یافته و منضبط بهره بگیریم. البته تجربه‌ی زیادی در این عرصه نداریم.

زیرا خیلی وارد این نوع روابط نشده‌ایم. جاهایی که این کار انجام شده است، به صورت سامان یافته و با برنامه‌ای مشخص و مدیریت کامل و همراه با پشتیبانی مناسب نبوده، امیدواریم برنامه‌ی درسی ملی این فرصت را فراهم کند.

#### ● برگردیم به ادامه‌ی بحث شما در زمینه‌ی آسیب‌شناسی.

■ به پیوند بین درس قرآن و عربی اشاره کردم. در دوره‌ی متوسطه، پیوند بین درس قرآن و دینی خوب است و در دوره‌ی راهنمایی و ابتدایی باید برای ایجاد پیوند کار بیشتری شود.

بخشی دیگر از آسیب‌ها، به مهارت‌های لازم معلمان دینی باز می‌گردد. زیرا تمام مهارت‌ها از جنس مهارت شغلی نیستند، درصدی هم به انگیزه‌ها و دغدغه‌های معلمان مربوط می‌شود. به این مورد، در برخی از مدارس به اندازه‌ی کافی و لازم توجه نمی‌شود. گاهی از معلمانی که همراه با علاقه و توانایی، مهارت آموزشی این درس را دارند، از تدریس دریغ می‌شود و کار به عهده‌ی معلمانی گذاشته می‌شود که به درس‌های دیگر تعلق خاطر دارند. شاید این اقدام به سبب کمبود معلم، کمبود ساعت کاری یا مقتضیات دیگر اجرایی باشد که در هر حال آسیب‌رسان است.

آسیب دیگر با هدف‌گذاری ارتباط می‌یابد. یعنی در اهداف پیش‌بینی شده، جامعیت لحاظ نشده است. با این توضیح که برای مثال در درس دینی فکر می‌کنیم دانش‌آموز مطالب درس دینی را حفظ کند، امتحان بدهد و نمره‌ی لازم را بگیرد، کافی است؛ حال آن‌که ما از آموزش درس دینی، انتظار تغییر رفتاری، نگرشی و تقویت بُعد ایمان و تفکر را در دانش‌آموزان داریم و از همین ابعاد باید به ارزش‌یابی بپردازیم. پس نظام ارزش‌یابی نیز در این دروس به تغییر نیاز دارد.

بحث آسیب‌شناسی وضع موجود مفصل است، ولی کمیته‌های تخصصی هر حوزه‌ی یادگیری در برنامه‌ی درسی، با تمام امکانات آن را بررسی کرده‌اند.

#### ● کمیته‌ی تخصصی با چه عنوانی؟

■ برای هر یک از ۱۱ حوزه‌ی یادگیری، یک کار گروه تخصصی تشکیل دادیم؛ ذیل کمیته‌ی تخصصی محتوا و یادگیری. ذیل حوزه‌ی کمیته‌ی تخصصی محتوا، با ۱۱ کار گروه که هر کار گروه برای یک از حوزه‌های یادگیری بنیانه یادگیری تدوین کرد و مبتنی بر آسیب‌ها، اقتضائات، ظرفیت‌ها و بایستگی‌هایی که دنبال می‌کنیم، آن حوزه را تعریف کرد. می‌دانید که «برنامه‌ی درسی ملی» هر کشور، به منزله‌ی قانون اساسی آن است و در قانون اساسی، کلیات آورده می‌شود. در بخشی که لازم بود روی

**در حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی، بین قرآن، معارف و زبان عربی پیوندی به وجود آمده است تا در یک منظومه‌ی مرتبط و منسجم، از یکدیگر پشتیبانی محتوایی کنند**



اصول و رویکردها تأمل شود، این کار انجام شده است، ولی برای اجرای برنامه‌ی درسی ملی باید راهنمای حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی تدوین شود. در این راهنما، ریزتر و عینی‌تر تعیین تکلیف خواهد شد.

● **درباره مدت زمان آموزش نیز توضیح بفرمایید البته بهتر است توضیح شما متوجهی حوزه‌ی آموزش قرآن و معارف اسلامی باشد.**

■ **یک اصل کلی را در برنامه‌ی درسی ملی رعایت کرده‌اید؛ به طوری که زمان کلاس‌های هیچ‌کدام از حوزه‌های یادگیری کاهش نیابد.**

اما آن‌جا که لازم است از بُعد محتوایی با هم پیوند برقرار و به هم کمک کنند، این کار را کرده‌ایم. در حقیقت، به جای افزایش زمان در برخی از حوزه‌های یادگیری، به غنی‌سازی محتوا پرداختیم و کارکرد ثانویه‌ای را که برخی از حوزه‌ها دارند، در خدمت برخی دیگر از حوزه‌های یادگیری قرار دادیم.

در مورد قرآن همان‌طور که اشاره

کردم، معارف قرآن را می‌توان در جاهایی ر

تمام ۱۱ حوزه‌ی یادگیری، به دانش‌آموزان منتقل کرد. ای بسا اگر با ظرافت و هنرمندانه این کار انجام بشود، تأثیرش از خود کلاس درس قرآن کمتر نباشد. لبّ کلام این‌که ما کوشیده‌ایم، بخشی از ظرفیت بقیه‌ی حوزه‌های یادگیری را در حدّ مقدور و با رعایت توانایی و تعادلی که باید در کل برنامه‌ی یادگیری وجود داشته باشد، در اختیار حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی قرار دهیم.

در نهایت می‌توانم بگویم، در مجموع، آن طرف زمانی که در برنامه‌ی درسی ملی به این حوزه‌ی یادگیری اختصاص داده شده است، نسبت به وضعیت موجود بهتر خواهد بود.

بخشی از هدف را نیز که در فضای مدرسه به مدیریت اختصاصی داده‌ایم، مثل تعاملات با خانواده، تعاملات بین مربی و معلم یا دانش‌آموز، همان تلقی است که به محیط یادگیری مربوط است. البته مشارکت بین دستگاه‌ها با آموزش و پرورش هم آمده است.

در آن‌جا نیز سعی شد زمینه‌هایی فراهم شود که به تحقق

اهداف در حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی کمک کند.

● **امتیاز و نمره‌دهی در تمام حوزه‌های یادگیری مطرح است. با عنایت به بحث شما که به نوعی آموزش قرآن و به تبع آن معارف اسلامی را در تمام سطوح حوزه‌های یادگیری گسترش داده‌اید، آیا تفاوتی در نمره‌دهی برای قرآن و معارف اسلامی در نظر گرفته‌اید؟**

■ **ما یک فصل را به عنوان ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی در برنامه‌ی درسی ملی گنجانده‌ایم که به حوزه یادگیری خاصی مربوط نیست و عمومیت دارد. اصولی را هم که در ارزش‌یابی مطرح کرده‌ایم، هم بر تجارب علمی مبتنی است و هم الهامی است**

که از مبانی نظری و فلسفی خود گرفته‌ایم؛ به همراه تجربه‌هایی که داشتیم. ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی در برنامه‌ی درسی ملی از ارزش‌یابی وضع موجود متفاوت است؛ زیرا:

اولاً حاوی نگاهی جامع است. یعنی ما در این نظام ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، به میزان رشد فکری، عقلانی، ایمانی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان توجه داریم. در همین پارامترهای ارزش‌یابی، برخی از کلیدواژه‌های اهداف اساسی و کلی، با تربیت دینی ارتباط دارند. روشن است که ما تربیت دینی را با تربیت بدنی و تربیت علمی و از این قبیل یکسان نمی‌دانیم، بلکه تربیت دینی را به عنوان مقوله‌ای جامع، شامل همه‌ی عرصه‌های تربیتی می‌شناسیم. تربیت دینی به طور خاص باید مورد اهتمام و توجه جدی قرار بگیرد؛ همان‌که جامعه از ما می‌طلبد و اهداف و آرمان‌هایی که در اسناد بالادستی کشور ثبت شده نیز این اقدام را ضروری می‌کند.

بنابراین، تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مانند تربیت دینی در یک کشور غیراسلامی یا حتی مانند یک کشور اسلامی دیگر نیست و خیلی فراتر از آن و عمیق‌تر دیده می‌شود. به همین دلایل، باید آن را در ارزش‌یابی لحاظ کنیم.

به بیان صریح معتقدیم، همه‌ی حوزه‌های یادگیری نسبت به تحقق اهداف دینی و قرآنی مسئولیت دارند و باید در قبال آن پاسخگو باشند. در ارزش‌یابی نیز این مطلب را قید کرده‌ایم.

در همین پارامترهای ارزش‌یابی، برخی از

کلیدواژه‌های اهداف اساسی و کلی، با تربیت دینی ارتباط دارند.

روشن است که ما تربیت دینی را با تربیت بدنی و تربیت علمی و از این قبیل یکسان نمی‌دانیم، بلکه تربیت دینی را به عنوان مقوله‌ای جامع، شامل همه‌ی عرصه‌های تربیتی می‌شناسیم.

تربیت دینی به طور خاص باید مورد اهتمام و توجه جدی قرار بگیرد؛ همان‌که جامعه از ما می‌طلبد و اهداف و آرمان‌هایی که در اسناد بالادستی کشور ثبت شده نیز این اقدام را ضروری می‌کند.

بنابراین، تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مانند تربیت دینی در یک کشور غیراسلامی یا حتی مانند یک کشور اسلامی دیگر نیست و خیلی فراتر از آن و عمیق‌تر دیده می‌شود. به همین دلایل، باید آن را در ارزش‌یابی لحاظ کنیم.

به بیان صریح معتقدیم، همه‌ی حوزه‌های یادگیری نسبت به تحقق اهداف دینی و قرآنی مسئولیت دارند و باید در قبال آن پاسخگو باشند. در ارزش‌یابی نیز این مطلب را قید کرده‌ایم.

در همین پارامترهای ارزش‌یابی، برخی از

کلیدواژه‌های اهداف اساسی و کلی، با تربیت دینی ارتباط دارند.

روشن است که ما تربیت دینی را با تربیت بدنی و تربیت علمی و از این قبیل یکسان نمی‌دانیم، بلکه تربیت دینی را به عنوان مقوله‌ای جامع، شامل همه‌ی عرصه‌های تربیتی می‌شناسیم.

تربیت دینی به طور خاص باید مورد اهتمام و توجه جدی قرار بگیرد؛ همان‌که جامعه از ما می‌طلبد و اهداف و آرمان‌هایی که در اسناد بالادستی کشور ثبت شده نیز این اقدام را ضروری می‌کند.

بنابراین، تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مانند تربیت دینی در یک کشور غیراسلامی یا حتی مانند یک کشور اسلامی دیگر نیست و خیلی فراتر از آن و عمیق‌تر دیده می‌شود. به همین دلایل، باید آن را در ارزش‌یابی لحاظ کنیم.

به بیان صریح معتقدیم، همه‌ی حوزه‌های یادگیری نسبت به تحقق اهداف دینی و قرآنی مسئولیت دارند و باید در قبال آن پاسخگو باشند. در ارزش‌یابی نیز این مطلب را قید کرده‌ایم.

در همین پارامترهای ارزش‌یابی، برخی از

کلیدواژه‌های اهداف اساسی و کلی، با تربیت دینی ارتباط دارند.

روشن است که ما تربیت دینی را با تربیت بدنی و تربیت علمی و از این قبیل یکسان نمی‌دانیم، بلکه تربیت دینی را به عنوان مقوله‌ای جامع، شامل همه‌ی عرصه‌های تربیتی می‌شناسیم.

تربیت دینی به طور خاص باید مورد اهتمام و توجه جدی قرار بگیرد؛ همان‌که جامعه از ما می‌طلبد و اهداف و آرمان‌هایی که در اسناد بالادستی کشور ثبت شده نیز این اقدام را ضروری می‌کند.

بنابراین، تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مانند تربیت دینی در یک کشور غیراسلامی یا حتی مانند یک کشور اسلامی دیگر نیست و خیلی فراتر از آن و عمیق‌تر دیده می‌شود. به همین دلایل، باید آن را در ارزش‌یابی لحاظ کنیم.

به بیان صریح معتقدیم، همه‌ی حوزه‌های یادگیری نسبت به تحقق اهداف دینی و قرآنی مسئولیت دارند و باید در قبال آن پاسخگو باشند. در ارزش‌یابی نیز این مطلب را قید کرده‌ایم.

در همین پارامترهای ارزش‌یابی، برخی از

کلیدواژه‌های اهداف اساسی و کلی، با تربیت دینی ارتباط دارند.

روشن است که ما تربیت دینی را با تربیت بدنی و تربیت علمی و از این قبیل یکسان نمی‌دانیم، بلکه تربیت دینی را به عنوان مقوله‌ای جامع، شامل همه‌ی عرصه‌های تربیتی می‌شناسیم.

تربیت دینی به طور خاص باید مورد اهتمام و توجه جدی قرار بگیرد؛ همان‌که جامعه از ما می‌طلبد و اهداف و آرمان‌هایی که در اسناد بالادستی کشور ثبت شده نیز این اقدام را ضروری می‌کند.

بنابراین، تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مانند تربیت دینی در یک کشور غیراسلامی یا حتی مانند یک کشور اسلامی دیگر نیست و خیلی فراتر از آن و عمیق‌تر دیده می‌شود. به همین دلایل، باید آن را در ارزش‌یابی لحاظ کنیم.

به بیان صریح معتقدیم، همه‌ی حوزه‌های یادگیری نسبت به تحقق اهداف دینی و قرآنی مسئولیت دارند و باید در قبال آن پاسخگو باشند. در ارزش‌یابی نیز این مطلب را قید کرده‌ایم.

در همین پارامترهای ارزش‌یابی، برخی از

کلیدواژه‌های اهداف اساسی و کلی، با تربیت دینی ارتباط دارند.

روشن است که ما تربیت دینی را با تربیت بدنی و تربیت علمی و از این قبیل یکسان نمی‌دانیم، بلکه تربیت دینی را به عنوان مقوله‌ای جامع، شامل همه‌ی عرصه‌های تربیتی می‌شناسیم.

**ذو علم: در «برنامه‌ی درسی ملی» به قرآن فراتر از یک درس توجه شده است؛ زیرا به عنوان مبنا‌ی نظری و هدف‌گذاری برنامه لحاظ شد. فرصت حضور قرآن در همه‌ی حوزه‌های یادگیری، در حدی که باید و می‌تواند فراهم شده است**





بخش دیگر از بحث ارزش‌یابی، به چارچوب‌ها، قالب‌ها و الگو و روش‌ها برمی‌گردد که در این برنامه ملاحظه خواهید کرد. به اختصار عرض کنم، کوشیده‌ایم آن نگاه تربیت دینی در مقوله‌ی ارزش‌یابی، در حد مقدور حاکم باشد.

● با طرح این پرسش، سؤال‌های اساسی ما نیز به پایان می‌رسد. به صورت تفکیکی، هدف‌هایی را که برای قرآن‌آموزی و آموزش معارف اسلامی در دوره‌های پیش‌دبستانی، دبستانی، راهنمایی و دبیرستان در برنامه‌ی درسی ملی ثبت و ضبط کرده‌اید، تشریح بفرمایید.

■ آنچه در برنامه‌ی درسی ملی در بخش بیانیه‌های یادگیری و اهداف آمده است، به صورت ریزتفکیک نکرده‌ایم. دوردور تلقی ما این است؛

در دوره‌ی پیش‌دبستانی، دانش‌آموزان باید با برخی از قصه‌های قرآنی، برخی از واژه‌های قرآنی و برخی از آیات کوتاه قرآنی آشنا شوند؛ بدون آن که خواندن قرآن برنامه‌ی اصلی‌شان باشد. ولی شنیدن و

حفظ آیات قرآن در حدی که می‌توانند، بدون خواندن، در برنامه آمده است. خوش‌بختانه در برنامه‌ی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش مربوط به پیش‌دبستانی هم این هدف دیده شده است و به همتی که دوستان در چند سال گذشته، در دفتر تألیف کتب درسی، داشتند، در سال ۱۳۸۷ راهنمای فعالیت‌های دوره‌ی پیش‌دبستانی تصویب و ابلاغ و در کتابی چاپ و منتشر شد. بدین ترتیب، مراکز پیش‌دبستانی، اکنون هم موظف‌اند این برنامه را رعایت کنند.

در دوره‌ی دبستان، لازم است دانش‌آموزان ضمن آشنایی با روخوانی و روان‌خوانی قرآن، در این زمینه توانمند شوند. باید با حداقل‌های آموزه‌های دینی، با تکیه به قرآن، آشنا شوند. مثلاً وقتی احکام نماز را به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم، در مواردی مستند قرآنی احکام نیز برای آنان تشریح شود، منظور از اتکا به قرآن این موضوع است.

در دوره‌ی راهنمایی، لازم است دانش‌آموزان علاوه بر روان‌خوانی قرآن، انس با قرآن هم پیدا کنند. به طور طبیعی

انگیزه‌ی قرآن‌خوانی در آن‌ها تقویت شود و بتوانند برخی از آیاتی از قرآن کریم را که در زندگی اجتماعی و ابعاد گوناگون رفتارشان مؤثر است، از حفظ داشته باشند. آشنایی با مفاهیم قرآن در حد مقدور، هدف دیگر آموزش قرآن در این دوره است.

در دوره‌ی متوسطه، به طور طبیعی بحث قرآن فهمی و تدبیر و درک قرآن و بهره‌برداری از قرآن کریم، در حد توان در امور زندگی مطرح می‌شود.

آن‌چه ارائه شد، چشم‌اندازی است که به صورت تفکیکی در آموزش قرآن در دوره‌های متفاوت تحصیلی ترسیم شده است.

به این مورد هم اشاره کنم که روی قالب ارائه‌ی آموزش نیز بحث کردیم. قالب‌ها باید بازسازی و نوسازی شوند. پرسشی مطرح است که مثلاً چرا در دو سه سال اول دبستان، وقت بیشتری به قرآن اختصاص ندهیم؟ بر این باوریم که بچه‌ها باید در همان دو تا سه سال اول دبستان بتوانند در خواندن قرآن مسلط شوند و به جای پخش

آموزش قرآن در تمام شش سال دبستان، این دوره‌ی آموزشی قرآن را در همان دو سه سال آغازین متمرکز کنیم تا در این مدت بچه‌ها قادر شود قرآن را به صورت درست و کامل و مسلط بخوانند. این برنامه در برخی از کشورهای اسلامی اجرا می‌شود. کاری که در پایه‌ی سوم دبستان، در دو سال اخیر انجام شد و بعد اجرای سراسری پیدا کرد. این تجربه هم در این زمینه به ما کمک کرد. این تجربه نشان داد، جمع‌بندی ساعات آموزش قرآن برای بچه‌های دبستانی، اثربخش‌تر و مفیدتر و در یادگیری کارآمدتر است. به‌طور کلی، کارآمدی ساعات آموزشی قرآن، دینی و عربی به روش کنونی، به صورت جدی محل تردید است و در پی آنیم که در این حوزه تجدیدنظری به عمل آوریم. این کار پس از ابلاغ برنامه‌ی درسی ملی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش و هنگام تدوین راهنمای برنامه‌ی حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی، انجام خواهد شد.

■ از فرصتی که در اختیار فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن قرار دادید، متشکریم.





دکتر سید محسن میرباقری

## پیامبر اکرم (ص) شاهد بر اعمال ہمہ انسان ہا

۱۳ بہمن مصادف با ۲۸ صفر سالروز رحلت حضرت رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ (۱۱ ہ.ق)  
۱۶ بہمن مصادف با اول ربیع الاول ہجرت رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ از مکہ بہ مدینہ  
دوم اسفند مصادف با ۱۷ ربیع الاول سال روز ولادت مبارک پیامبر اکرم (ص) (۵۳ سال قبل از ہجرت)

## چکیده

بدون شک جایگاه پیامبر مکرم اسلام (ص) در قرآن کریم، بسیار بالاست. این مقام و جایگاه، چه در دنیا و چه در آخرت، مقام و جایگاهی است که سایر افراد حتی انبیای گذشته نیز نمی‌توانند به آن دست یابند. مقام و جایگاه حضرت رسول (ص) از ابعاد گوناگون قابل بررسی است. یکی از شئون و مقاماتی که قرآن کریم برای نبی مکرم اسلام، حضرت محمد (ص)، قائل شده، این است که حضرت بر همه‌ی انسان‌ها شاهد هستند. در این مقاله، ابتدا در مورد موضوع شهادت و پیرامون آن نکاتی مطرح می‌شود. سپس در موضوع شاهد بودن انبیای الهی بر اعمال امت خودشان، و بعد شاهد بودن ائمه‌ی هدی (ع) نسبت به امت زمان خود مطالبی می‌آوریم. در نهایت، درباره‌ی این که پیامبر اکرم (ص) بر همه‌ی انسان‌ها شاهد هستند، از دیدگاه قرآن کریم و روایت ائمه‌ی هدی (ص)، به‌طور مفصل بحث می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** شاهد، شهادت، حضرت محمد (ص)، ائمه‌ی هدی، امت، قرآن کریم، روایت.

## مقدمه

مسئله‌ی شاهد بودن پیامبر اکرم (ص) بر انسان‌ها، از متن قرآن به خوبی قابل استفاده و استناد است. اما این نکته شایان توجه است که شاهد بودن بر همه‌ی انسان‌ها، مختص نبی مکرم اسلام است. هر یک از انبیای گذشته، فقط به امت خود شهید هستند. برای نمونه، قرآن کریم در مورد **حضرت عیسی (ع)** می‌فرماید: «و ان من اهل الكتاب الا لیومنن به قبل موته و یوم القیامه یكون علیهم شهیداً»<sup>۱</sup> [النساء/ ۱۵۹]. این که چه کسانی و چه چیزهایی را قرآن به‌عنوان شهود معرفی می‌کند و این شهادت مربوط به چه زمانی است، و چرا پیامبران را به‌عنوان شهود حاضر می‌کنند و این شهود، شاهد بر چه هستند، سؤالاتی است که در ادامه به آن‌ها پاسخ داده می‌شود. در نهایت هم به موضوع شهادت پیامبر اکرم (ص) بر همه‌ی انسان‌ها پرداخته می‌شود.

باید بگوییم، ائمه‌ی هدی (ع) نیز بر اعمال امت اسلامی شاهد هستند. این که در روایات آمده است که اعمال شیعیان در دوشنبه و پنجشنبه‌ی هر هفته خدمت امام (ع) عرضه می‌شود، خود مؤید همین مطلب است. و این که شیعیان به شفاعت امامان در قیامت امید دارند، دلیلی است که امامان بر حسابرسی در روز قیامت نظارت دارند.

## شهادت مربوط به چه زمانه است؟

به‌طور کلی در مورد شاهد بودن پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی هدی (ع) باید بگوییم که این شاهد بودن هم در دنیاست و هم در آخرت؛ یعنی آنان همیشه و در همه حال شاهد و ناظر بر انسان‌ها هستند. در دنیا نسبت به اعمال انسان‌ها نظارت دارند و پرونده‌ی اعمال هر یک از افراد امت به حضورشان عرضه می‌شود و نیز نسبت به مقدرات و آنچه خداوند برای افراد تقدیر می‌کند، شاهد و ناظر هستند.

## حضور شاهدان در رقم خوردن مقدرات افراد

اما این نکته که پیامبر (ص) بر مقدرات افراد شاهد است، از آیات قرآن به خوبی قابل استناد است. قرآن کریم درباره‌ی رقم خوردن مقدرات انسان‌ها در شب قدر و نزول قرآن در این شب می‌فرماید: «حم والکتاب المبین انا أنزلناه فی لیله مبارکه انا کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم امرا من عندنا انا کنا مرسلین رحمه من ربک انه هو السميع العلیم»<sup>۲</sup> [الدخان/ ۶-۱۱].

**مسئله‌ی شاهد بودن پیامبر اکرم (ص) بر انسان‌ها، از متن قرآن به خوبی قابل استفاده و استناد است. اما این نکته شایان توجه است که شاهد بودن بر همه‌ی انسان‌ها، مختص نبی مکرم اسلام است**

قرآن کریم در این آیه‌ی شریفه درباره‌ی مقدرات الهی می‌فرماید: «فیها یفرق کل امر حکیم». تمام امور حکیمانه در این شب تفریق می‌شوند. گویا برای هر امری، جداگانه حسابی باز می‌شود و مستقل از سایر امور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر فردی جداگانه مورد توجه است و مقدرات سالانه‌اش با توجه به وضعیت و اعمال او مورد دقت خواهد بود. هم‌چنین، برای هر قومی و هر جمعی که سرنوشتی وابسته داشته باشند، وضع چنین خواهد بود. «وجه تسمیه‌ی شب قدر، تقدیر و احکام امور در شب قدر است و پیامبر (ص) نیز از این مقدرات آگاه است» [طباطبایی، ج ۲۰: ۵۶۱].

طبق آیه‌ی فوق چند نکته قابل توجه است:

● قرآن کریم فرموده است: «فیها یفرق کل امر حکیم». پس هر امری که در شب قدر معین می‌شود، امری حکیمانه و مربوط به امری است که خدای رحمان باید آن را تعیین کند، ولی اعمال بندگان همه حکیمانه نیست. گویا قید «حکیم» بر

است. این آیات بدین شرح‌اند:  
 الف) «الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد  
 أرجلهم بما کانو یکسبون»<sup>۴</sup> [یس/ ۶۵].  
 ب) «حتی اذا ما جاؤوها شهد علیهم سمعهم و ابصارهم و  
 جلودهم بما کانو یعملون»<sup>۵</sup> [فصلت/ ۲۰].  
 ج) «یوم تشهد علیهم ألسنتهم و ایدیهم و أرجلهم بما  
 کانوا یعملون»<sup>۶</sup> [النور/ ۲۴].  
 طبق آن چه از آیات قرآن کریم به دست می‌آید، در روز  
 قیامت اعضا و جوارح آدمی، مانند دست و پا، چشم و گوش و  
 زبان و پوست، همه در دادگاه عدل الهی نسبت به آن چه انجام  
 داده‌اند، شهادت خواهند داد.

### ۲. ملائکه

گروه دیگری که قرآن کریم به‌عنوان شهدا در روز قیامت  
 از آن‌ها یاد می‌کند، ملائکه هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «و  
 جاءت کل نفس معها سائق و شهید»<sup>۷</sup> [ق/ ۲۱].  
 فرشتگان الهی که در طول زندگی همراه انسان بوده‌اند و  
 برخی از آن‌ها حافظ و مراقب‌اند و مأمور ثبت و بایگانی اعمال  
 انسان‌ها هستند، نسبت به اعمال و حساب و کتاب شاهد  
 خواهند بود.

### ۳. زمین

گویا زمین نیز در روز قیامت نسبت به اعمال و  
 حوادثی که روی آن اتفاق افتاده است، شهادت خواهد  
 داد. قرآن می‌فرماید: «یومئذ تحدث أخبارها»<sup>۸</sup>  
 [الزلزله/ ۹].

### ۴. خود انسان

هر فردی از همه بیشتر نسبت به آن چه  
 که انجام داده، آگاه است. همین آگاهی سند

این نکته تأکید می‌کند که اعمال شما را ما تفریق نمی‌کنیم  
 و رقم نمی‌زنیم، بلکه اعمال تکلیفی شما با اراده و تصمیم  
 خود شما شکل می‌گیرند. گویا این نکته در عبارت بعدی با  
 تأکید و صراحت بیشتری مطرح می‌شود و می‌فرماید: «امرا  
 من عندنا» که تقدیر عبارت می‌تواند چنین باشد: «کان هو  
 أمرا من عندنا».

نزول روح القدس و فرشتگان بر حضرت رسول (ص) و پس  
 از آن حضرت، بر امامان است. لذا حضرت رسول (ص) و آن  
 بزرگواران بر مقدرات افراد نیز شاهد و ناظر هستند [عروسی  
 هویزی، ج: ۵، ۶۱۳ و بحرانی، ج: ۵، ۷۰۱].

## حضور شاهدان در صحنه‌ی قیامت برای حساب‌رسی اعمال

در ادامه باید بگوییم که حضرت رسول (ص) و به‌طور کلی  
 شاهدان، در قیامت و در صحنه‌ی حساب‌رسی بر اعمال انسان‌ها  
 نیز حضور دارند و نظارت می‌کنند. حضور شهدا برای شهادت  
 دادن مربوط به مرحله‌ی دوم قیامت است. در مرحله‌ی دوم  
 قیامت، گواهان برای دادن شهادت حاضر می‌شوند. قرآن کریم  
 می‌فرماید: «و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی  
 الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیهِ اُخری فاذا هم قیام ینظرون و  
 اُشرقت الارض بنور ربها و وضع الکتاب و جیء بالتبیین و الشهداء  
 و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون»<sup>۹</sup> [الزمر/ ۶۹-۶۸].

در آیات ۶۸ تا ۷۵ سوره‌ی زمر، مراحل متفاوت قیامت  
 و رانده شدن مردم به سوی بهشت و جهنم به ترتیب بیان  
 می‌شود. در این آیات به‌طور اخص به بیان مرحله‌ی دوم  
 قیامت و حوادث آن پرداخته شده است و بیان می‌شود که در  
 مرحله‌ی دوم قیامت، بعد از آن که همه‌ی انسان‌ها از قبرها به  
 اذن الهی برخاستند، زمین به نور پروردگار روشن شد و کتاب  
 را قرار دادند، نوبت به حضور پیامبران و شهدا می‌رسد و میان  
 مردم به حق و بنا بر عدل الهی حکم خواهد شد و بر احدی  
 ظلم روا نمی‌گردد.

## گواهان و شهود

قرآن کریم این موضوع را که چه چیزها و چه کسانی  
 شهود هستند، در آیات متعددی بیان می‌دارد که در ادامه به  
 بیان یکایک آن‌ها می‌پردازیم.

### ۱. اعضا و جوارح

در آیات متعددی از قرآن کریم، این مطلب که اعضا و  
 جوارح آدمی در روز قیامت شهادت خواهند داد، مطرح شده

طبق آن چه از آیات قرآن کریم  
 به دست می‌آید، در روز قیامت  
 اعضا و جوارح آدمی، مانند دست  
 و پا، چشم و گوش و زبان و  
 پوست، همه در دادگاه عدل الهی  
 نسبت به آن چه انجام داده‌اند،  
 شهادت خواهند داد

خوبی است تا بتواند نسبت به عملکرد خود شهادت بدهد. قرآن کریم می‌فرماید: «و شهدوا علی أنفسهم انهم كانوا کافرین» [الانعام / ۱۳۰].

### ۵. پیامبران و اولیای الهی

پیامبران و اولیای الهی در روز قیامت شاهد و گواه خواهند بود. قرآن کریم می‌فرماید: «وجیء بالنبیین و الشهداء» [الزمر / ۶۸].

نکته‌ای که ذکر آن ضرورت دارد این است که در آیات سوره‌ی زمر که ذکر شد، عبارت «جیء بالنبیین و الشهداء» آمده است. این را می‌رساند که منظور از شهدا، اولیای الهی و انسان‌های مقرب‌ی هستند که در ردیف پیامبران ناظر بر حسابرسی قیامت هستند و در این آیه منظور سایر عوامل مانند اعضا و جوارح نیست؛ به‌خصوص که کلمه‌ی «جیء» آمده است که نه بر اعضا و جوارح تطبیق می‌کند، نه بر زمین و نه در مورد خدای رحمان قابل تطبیق است.

### ۶. خود خدای سبحان

در جای جای قرآن کریم به این نکته اشاره شده که خداوند سبحان بر همه چیز شاهد است. قرآن کریم می‌فرماید: «و الله علی کل شیء شهید» [البروج / ۹].

گفتیم که شاهدان هم در دنیا و هم در آخرت شاهدند. در گام اول، شهود شاهد بر اعمال و مقدرات انسان‌ها هستند و در مرحله‌ی بعد، یعنی در صحنه‌ی قیامت، شاهد بر حسابرسی اعمال انسان‌ها هستند که این اعمال مقدرات و سرنوشت اخروی آن‌ها را رقم می‌زند.

### حضور اولیای الهی به عنوان شاهد

همان‌طور که بیان شد، هریک از انبیای الهی نسبت به امت خودشان شهیدند. یعنی هم شاهد اعمال آن‌ها هستند و هم شاهد بر مقدرات ایشان و سرنوشت آن‌ها. علاوه بر شاهد بودن انبیای الهی نسبت به امت خودشان و پیامبر اکرم (ص) نسبت به همه‌ی مردم، نکته‌ی شایان توجه دیگری نیز وجود دارد. طبق آیات قرآن کریم و روایات متعدد، ائمه‌ی هدی (ع) نیز بر اعمال امت شاهد هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «و كذلك جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً» [البقره / ۱۴۳].

در روایات اهل بیت (ع) منظور از امت میانه، امامان معصوم دانسته شده است: «عن برید العجلی قال سألت ابا عبد الله (ع) فی قول الله عزوجل: و كذلك جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً. فقال نحن الامه الوسطی و نحن شهداء لله علی خلقه و حججه فی ارضه» [کلینی، ج: ۱، ۱۹۰ و عروسی هویزی، ج: ۱، ۱۳۴].

امام صادق (ع) فرمودند: «ما امت وسط هستیم و ما شهدای خدا بر مردم و حجت او در زمین هستیم.»

و از آن‌جا که بنابر اعتقاد شیعه، در هیچ زمانی عالم بدون صاحب و امام نخواهد بود و همیشه یک امام و رهبر الهی هست که سرپرستی امت و مردم را برعهده دارد، در زمان ائمه‌ی هدی (ع)، ایشان نسبت به اعمال امت شاهدند. ائمه‌ی هدی در چند جا بر امت نظارت دارند:

۱. در دنیا نسبت به اعمال و مقدرات آن‌ها؛
  ۲. در قیامت نسبت به رسیدگی به اعمال و شفاعت امت؛
  ۳. در بهشت نسبت به جایگاه شیعیان.
- ائمه‌ی هدی (ع) بر امت اسلامی شهیدند و البته هر امامی نسبت به امت زمان خودش شهید و گواه است و نسبت به ایشان در مواضعی که بیان شد، مقام نظارت و شهادت دارند.

### پیامبر اکرم (ص) شاهد بر همگان

نکته‌ی مهمی که از مفاد قرآن کریم به نظر می‌رسد، این است که پیامبر اکرم (ص) فقط شاهد بر امت اسلام نیست بلکه بر پیامبران و شاهدان همه‌ی امت‌ها نیز شاهد خواهند بود؛ درحالی‌که انبیای گذشته فقط نسبت به امت خود شهید هستند. نبی مکرم اسلام (ص) بر همه‌ی شاهدان شهید خواهند بود و این شهادت در مورد امامان امت اسلامی نیز ثابت است. بدین ترتیب، شاهد بودن پیامبر اکرم (ص) بر همه‌ی انسان‌ها از آیات قرآن به‌خوبی قابل استفاده و استناد است. قرآن کریم می‌فرماید: «فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید

در هیچ زمانی عالم بدون صاحب و امام نخواهد بود و همیشه یک امام و رهبر الهی هست که سرپرستی امت و مردم را برعهده دارد

و جئنابک علی هؤلاء شهیداً»<sup>۱۳</sup> [النساء / ۴۱]. «و یوم نبعت فی کل أمه شهیداً علیهم من أنفسهم و جئنابک شهیداً علی هؤلاء»<sup>۱۴</sup> [النحل / ۸۹].

چنان‌که اشاره شد، خداوند روز قیامت برای هر امتی از میان خود آن‌ها شاهد و ناظری را برمی‌انگیزد و طبیعی است که این شاهد باید همان کسی باشد که در دنیا هم مقام شهادت و نظارت را داشته است. یعنی پیامبر هر امتی به‌عنوان شاهد بر آن امت مبعوث می‌شود و امامان امت اسلامی هر کدام در زمان خود بر امت اسلامی شهیدند.

«... عن زیاد القندی عن سماعه قال: قال ابو عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل: فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید و جئنابک علی هؤلاء شهیداً. قال نزلت فی امه محمد (ص) خاصه فی کل قرن منهم امام منا شاهد علیهم و محمد (ص) فی کل قرن شاهد علینا» [کلینی، ج ۱: ۱۴۶].

امام صادق (ع) در مورد آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی نحل می‌فرماید این خصوصاً در مورد امت حضرت رسول (ص) نازل شده که در هر زمانی امامی از ما بر ایشان شاهد است و محمد (ص) در تمامی قرون بر ما شاهد است.

در منابع اهل تسنن نیز به این موضوع اشاراتی شده است. **قرطبی** می‌گوید: «هم الانبیاء شهداء علی أممهم یوم القیامه بانهم قد بلغوا الرساله و دعوهم الی الایمان فی کل زمان شهید و ان لم یکن نبیا» [قرطبی، ج ۱: ۱۶۴].

## حوزه‌ی شهادت

جای این سؤال است که: «پیامبر اکرم (ص) و سایر شاهدان به چه چیزی شهادت می‌دهند؟»

چنان‌که اشاره کردیم، شهادت اولیای الهی، پیامبران، رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی هدی (ع)، هم در دنیاست و هم در آخرت: در دنیا بر اعمال و مقدرات و در آخرت بر حساب‌رسی و تعیین جایگاه‌ها.

**زمخشری**، ذیل آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی نساء می‌نویسد: «اذا جئنا من کل امه بشهید یشهد علیهم بما فعلوا و هو نبیهم» [زمخشری، ج ۱: ۵۱۲] (بر ایشان شهادت می‌دهد نسبت به آن‌چه انجام داده‌اند، زیرا او پیامبر ایشان است).

با توجه به این‌که پیامبر اکرم (ص) دارای مقام شهادت و نظارت کلی را در قیامت هستند، از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردارند؛ جایگاهی که همه‌ی انبیا و اولیای الهی در برابرش خضوع دارند. این جایگاه عظیم را قرآن کریم به عنوان «مُلک کبیر» نامیده است. توضیح این‌که در قرآن درباره‌ی بهشت، فقط در یک آیه از ملک و سلطنت سخن می‌گوید و آن هم در

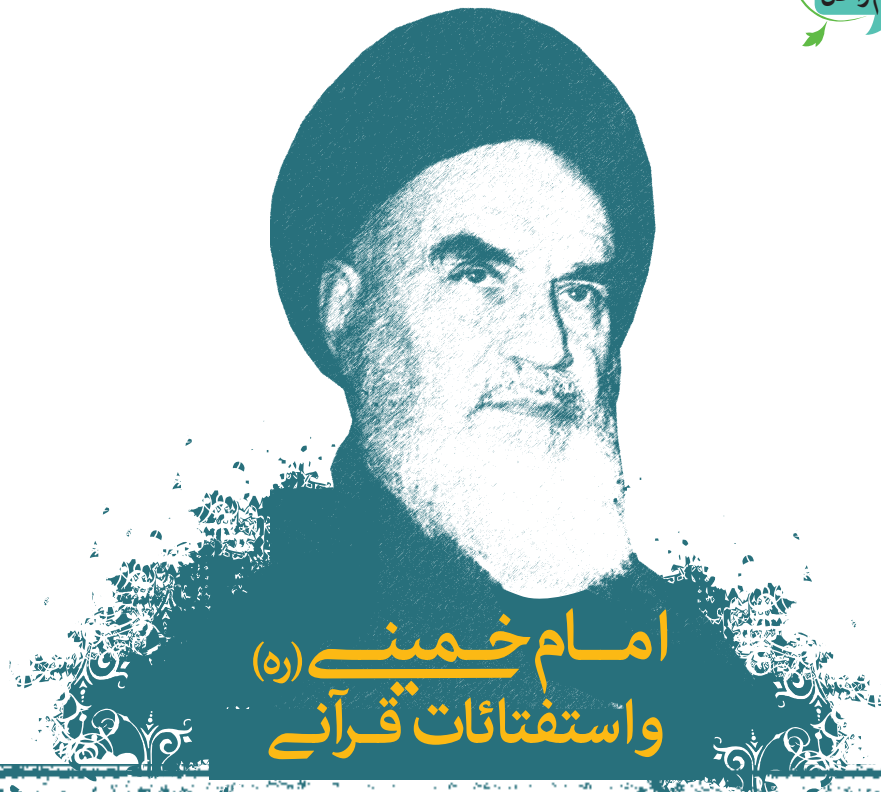
سوره‌ی «دهر» است که به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) اختصاص دارد. در این آیه خطاب به شخص پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «و اذا رأیت ثم رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً»<sup>۱۵</sup> [الدهر / ۲۰].

## پی‌نوشت

۱. و برخی از اهل کتاب که قبل از مرگش به او ایمان آورده بودند و روز قیامت او بر آنان شهید خواهد بود.
۲. حم و قسم به کتاب مبین. ما آن را در شب مبارک نازل کردیم. همانا ما انذارکننده هستیم. در آن هر امر حکیمانه تدبیر شده است؛ امری از جانب ما. همانا ما مرسل هستیم رحمتی از جانب پروردگار که او شنوای داناست.
۳. و در صور دمیده می‌شود و هر آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است، بیهوش می‌افتد؛ مگر آن‌که خدا بخواهد. سپس برای بار دوم در صور دمیده می‌شود و بعد از قبرها برمی‌خیزند و زمین به نور پروردگار روشن می‌شود و کتاب را قرار می‌دهند و پیامبران و شهدا را می‌آورند و میان ایشان به حق حکم می‌شود و به ایشان ظلم نمی‌گردد.
۴. امروز مهر زده می‌شود بر دهان‌هایشان و دست‌ها سخن می‌گویند و پاها به آن‌چه انجام داده‌اند، شهادت می‌دهند.
۵. تا آن‌که آورده شوند برای شهادت علیه ایشان، گوش و چشم و پوست‌هایشان نسبت به آن‌چه کسب کرده‌اند.
۶. روزی که شهادت دهند علیه ایشان زبان‌شان و دست‌هایشان و پاهایشان به آن‌چه انجام داده‌اند.
۷. و آورده می‌شود هر نفسی و همراه او ملائکه و شاهدی است.
۸. آن روزی که او از خبرهایش آگاهی دهد.
۹. و آنان علیه نفس خودشان شهادت دهند که ایشان از کافران هستند.
۱۰. و پیامبران و گواهان آورده شدند.
۱۱. و خداوند بر هر چیزی شهید است.
۱۲. و ما شما را امت میانه قرار دادیم تا بر سایر مردم شاهد باشید و پیامبر بر شما شاهد است.
۱۳. پس چگونه است که برای هر امتی شهیدی است و تو ای پیامبر بر همه‌ی ایشان گواه هستی.
۱۴. و روزی که برانگیزیم از هر امتی شهیدی برایشان از میان خودشان و تو ای پیامبر شهید هستی بر ایشان.
۱۵. و آن‌گاه که می‌بینی، سپس می‌بینی نعیم و سلطنت بزرگی را.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بحرانی، سید هاشم. **البرهان فی تفسیر القرآن**. مؤسسه البعثه.
۳. قرطبی، محمدبن احمد. **جامع الأحکام القرآن**.
۴. کاشانی، محسن فیض کاشانی. **الصافی**. مکتبه الصور.
۵. کلینی. **الکافی**. دارالکتب الاسلامیه.
۶. زمخشری، محمودی. **الکشاف عن حقائق التنزیل**. چاپ بیروت.
۷. عروسی هویزی، علی‌بن جمعه. **نور الثقلین**. مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین. **المیزان فی تفسیر القرآن**. دفتر انتشارات اسلامی.



## امام خمینی (ره) واستفتائات قرآنی

۱. اگر گردن‌بندی منقش به آرم جمهوری اسلامی باشد، آیا می‌توان از آن استفاده کرد، آن را به گردن آویخت و به آن دست زد؟  
**جواب:** استفاده از آن مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط، بدون طهارت آن را مس نکنند.
۲. آیا دور انداختن آیات قرآن و اسمای خداوند تبارک و تعالی، بعد از تغییر شکل مثل پاره کردن یا قطعه قطعه کردن آن، به صورتی که موقع خواندن، معنای آن مشخص نباشد، جایز است یا خیر؟  
**جواب:** اگر بعد از تغییر شکل، آیات قرآن بر آن صدق نکند، اشکال ندارد.
۳. آیا انداختن اسماء جلاله‌ی خداوند در زباله‌دان، بدون قصد اهانت جایز است یا خیر، و در صورتی که انداخته باشند، حکمش چیست؟  
**جواب:** انداختن آن جایز نیست و باید آن را از محل هتک و اهانت خارج کنند.

# راز و رمز نام‌های قرآن

پای صحبت  
حجت‌الاسلام والمسلمین  
دکتر محمّدین بهرام  
محمدیان

گفت‌وگو:  
نصرالله دادار



پدیده‌ها و حوادث را تفسیر می‌کند، بررسی شود تا نتایج مطلوب و واقعی و یا نزدیک به آن، به دست آید. به عبارت دیگر، هر محقق یا اندیشمندی و یا اصولاً هر مکتبی، با توجه به جهان‌بینی و چگونگی جهان‌شناسی خود، معانی و مفاهیم خاصی را دنبال می‌کند و شایسته نیست اصطلاحی را بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فکری و اعتقادی که بدان متکی است، پذیرفت یا تفسیر و تأویل کرد. مثلاً مفهوم واژه‌هایی هم‌چون «آزادی»، «حق» و «عدالت» در طرز تفکر اسلامی، با مفهوم این الفاظ در اندیشه‌های مغایر با اسلام، تفاوت و اختلاف اساسی دارد. اسلام، عدالت اجتماعی را به صورت یک مفهوم تجربیدی و کلی طرح نمی‌کند که پذیرای هر نوع تفسیر و تأویلی باشد و هر کس با توجه به خاستگاه اجتماعی و جهان‌بینی خاص خویش، آن را تفسیر و توجیه کند؛ بلکه مصادیق و حدود و ثغور آن را ترسیم می‌کند. لذا درست نیست که اصطلاحات خاص یک سامانه‌ی فکری را به سامانه‌ی فکری دیگری که در مبانی اعتقادی و فلسفه‌ی قانون‌گذاری با آن اختلاف دارد، منتقل کنیم و یا به جست‌وجوی آن مفاهیم

قرآن چه نام‌های دیگری به جز این نام دارد؟ آیا «کتاب»، «فرقان»، «تنزیل» و... هم از نام‌های دیگر قرآن هستند؟ آیا در این نام‌گذاری‌ها و وضع این عناوین و القاب، راز و رمزی نهفته است و به نکات دقیق و ظریفی توجه شده است؟ آیا خداوند کتابش را به گونه‌ای متفاوت با عرب، نام‌گذاری کرده است؟ آیا ...

پای صحبت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمّدین بهرام محمدیان، رئیس «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» می‌نشینیم و از وی درباره‌ی «نام‌های قرآن و مناسبت‌های آن» سؤال می‌کنیم:

● قبل از آن که به سؤال درباره‌ی «نام‌های قرآن و مناسبت‌های آن» بپردازیم، خوش‌حال خواهیم شد اگر توضیحی درباره‌ی کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات ارائه بفرمایید.

● اصطلاحات و واژه‌هایی که محققان و صاحب‌نظران به کار می‌گیرند، دارای مدالیل و مفاهیمی است که باید همراه با طرز تفکر و اندیشه‌ی خاص آن محقق و صاحب‌نظر که به موجب آن



خاص در آن سامانه‌ی فکری دیگر پردازیم.

برای مسلمانان، نام‌گذاری غیرمسلمانان به جاهلی، همه دلایل این هستند که پیامبر اسلام (ص) به دستور خداوند به شدت به پی‌ریزی و ایجاد امتی مستقل و ممتاز از امت‌های دیگر که غرق در خرافه و جهالت‌های خویش بودند، علاقه داشت.

مثلاً با این‌که معنای دو واژه‌ی «راعنا» و «انظرنا» یکی است، چون واژه‌ی اولی مورد استعمال دیگران بود و از آن معنای دیگری نیز قصد می‌شد، خداوند دستور می‌داد: «یا ایها الذین امنوا لاتقولوا راعنا و قولوا انظرنا»: ای مؤمنان، واژه‌ی «راعنا» را به کار نبرید و به جای آن کلمه‌ی «انظرنا» بگویید [بقره/ ۱۰۴].

● در صحبت‌های قبلی خود به این نکته اشاره داشتید که اسلام در کنار نظام فکری و ارزشی خود، واژه‌های خاص این نظام را نیز همراه آورد. با در نظر گرفتن این موضوع، چگونه نام قرآن برای مجموعه‌ی کلام الهی انتخاب شد؟

● در واقع، مسلمانان نام قرآن را برای کتاب خدا انتخاب نکرده‌اند، بلکه خداوند این کتاب آسمانی را «قرآن» نامیده است. چنان‌که در همان سال‌های نخستین نزول وحی فرمود: «بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ»: آری این قرآن بزرگوار الهی است، نوشته در لوح محفوظ [ب‌روح/ ۲۱ و ۲۲]. و یا: «انه لقران کریم فی کتاب مکنون»: که این قرآنی ارجمند، در نوشته‌های نهفته است [واقعه/ ۷۷ و ۷۸].

### مفهوم واژه‌هایی هم‌چون «آزادی»، «حق» و «عدالت» در طرز تفکر اسلامی با مفهوم این الفاظ در اندیشه‌های مغایر با اسلام تفاوت و اختلاف اساسی دارد

خداوند متعال علاوه بر این توصیف عالی و زیننده در سال‌های نخستین، خطاب به پیامبر (ص) چنین می‌فرماید: «یا ایها المزمّل قم اللیل الا قلیلاً. نصفه اوا نقص منه قلیلاً. او زد علیه و رتل القرآن ترتیلاً»: ای جامه به خود پیچیده، شب را زنده‌دار جز اندکی. نیمی از شب و یا کمتر از آن یا افزون‌تر بر آن. قرآن را شمرده و با درنگ بخوان [مزمّل/ ۱ تا ۴].

این فرمانی است که خداوند خطاب به رسول مکرم خویش صادر می‌کند تا با قرائت قرآن، آماده‌ی ابلاغ امر مهم رسالت شود، و رسالت مسئولیتی بس عظیم است که آمادگی می‌خواهد. از آن پس، این نام بارها در قرآن به کار رفته است. کلمه‌ی قرآن

یقیناً، جست‌وجو کردن مفهوم «تقوا» با آن بار ارزشی، در اندیشه‌ی سرمایه‌داری غرب، یا مفهوم «اقتصاد آزاد» و رقابت بین افراد در یک نظام اقتصاد برنامه‌ای دولتی، و یا «دموکراسی» با تکیه‌گاه‌های اومانیستی و لیبرالیستی در اندیشه‌ی اسلامی، از اشتباهات است. باید متذکر این نکته شوم که تفاوت‌ها در این مقام، خیلی عمیق‌تر و پرشکافت‌تر از تفاوت معنایی و مفاهیم در عرف خاص و عام است. شاید به همین دلیل خداوند متعال از همان اول نزول وحی، در مورد مجموعه‌ی وحی خویش، اصطلاحات خاصی را به کار برده که پیش از آن سابقه نداشته است.

● این تفاوت فقط در حوزه‌ی معناست یا در مورد مجموعه‌ی لغات به کار رفته در قرآن نیز صادق است؟

در پاسخ به این سؤال سخنی از جاحظ را که سیوطی در «الاتقان» آورده است، نقل می‌کنم: «خداوند کتابش را به گونه‌ای متفاوت با عرب نام‌گذاری کرده است. مثلاً عرب بر مجموعه سخنان خود نام دیوان می‌نهاد، در حالی که خداوند آن را کتاب نامید. به جای قصیده، هر بخش از آن کتاب را سوره و به جای بیت، آیه نام‌گذاری کرد». اگر خداوند متعال قرآن را دیوان و سوره را قصیده و آیه را بیت و اواخر آیات را قافیه می‌نامید، تعبیر جاهلی تحقق می‌یافت و قرآن کریم در سیر استعمالات و عرف و عادات رایج جاهلیت می‌افتاد.

اما با وجود آن‌که نزول این کتاب با عنوان «قرآناً عربیاً» و با زبان «عربی مبین» است، ولی در اصطلاحات و به‌کارگیری واژه‌ها و الفاظ، راه و روشی را می‌پیماید که متناسب با جهان‌بینی و مفاهیمی است که خود آورده و حامل ارزش‌هایی است که خود بدان‌ها ارج می‌گذارد. سبب و انگیزه‌ی این کار علاوه بر آن‌چه ذکر کردیم، می‌تواند دلایل زیر نیز باشد:

● اول آن‌که واژه‌ها و اصطلاحات جاهلی، یقیناً از تحمل معنایی جدید اسلامی قاصر و عاجز بود و نمی‌توانست بار ارزشی و معنوی خاص و مورد نظر اندیشه‌ی اسلامی را حمل کند. لذا وضع جدیدی را در الفاظ لازم می‌نمود که واضع آن شریعت اسلامی بود.

● دیگر این‌که اسلام به عنوان شریعت الهی، نوید دهنده‌ی فرهنگ و تمدن نوین و جدیدی بود که می‌خواست آن را بر پایه‌ی مفاهیم و ارزش‌های اصیل جهان‌بینی توحیدی بنیان نهد. بنابراین از همان اوان در شکل و ساختار ظاهری آن نیز می‌خواست رنگ و صبغه‌ای متمایز و جدا از بیگانه داشته باشد. انتقال قبله از مسجدالاقصی به کعبه، قرار دادن اعیاد مخصوص

واژه‌ها و اصطلاحات جاهله، یقیناً از تحمل معانی جدید اسلامه قاصرو عاجز بودند و نمی‌توانستند بار ارزشه و معنی خاص و مورد نظر اندیشه‌ی اسلامه را حمل کنند. لذا وضع جدیدی در الفاظ لازم می‌نمود که واضع آن شریعت اسلامه بود

می‌دانند. از آن جمله‌اند: اشعری (متوفی به سال ۳۲۴ ه.ق) که معتقد است، لفظ قرآن از «قرن» مشتق است. عرب چون چیزی را به چند دیگر ضمیمه کند، گوید: قرنت الشیء بالشیء». هم‌چنان که جمع میان «حج و عمره» را حج قرآن گویند.

دیگری قرآء (متوفی به سال ۲۰۷ ه.ق) است که گوید: قرآن از قرائن «جمع»، «قرنیه» گرفته شده است؛ زیرا آیاتش همانند یکدیگرند.

شافعی متوفی به سال ۲۰۴ ه.ق) نیز می‌گوید: کلمه‌ی «القرآن» با الف و لام تعریف، نه مشتق است و نه مهموز، بلکه علم ارتجالی است و بدون آن که سابقه استعمال در زبان عربی داشته باشد، خداوند سخنان خود را که بر پیامبر اسلام (ص) نازل فرموده، «قرآن» نامیده است.

● «کتاب» هم از نام‌های متواتر کلام الهی است. این واژه به چه معنایی است و آیا در همه‌ی موارد کاربرد کلمه‌ی «کتاب»، منظور قرآن کریم است؟

● کلمه‌ی کتاب در قرآن حدود ۲۵۰ مرتبه به کار رفته است که در اکثر موارد، منظور از آن قرآن است. کتاب در اصل لغت به معنی گردآوردن حروف و ترسیم الفاظ است و هر نوشته‌ای را از این جهت کتاب می‌نامند. قرآن را نیز بدین علت کتاب نامیده‌اند که در آن آیات، قصص و احکام گردآمده است. به عنوان نمونه این‌آیه را ملاحظه فرمایید که کلمه‌ی «کتاب» در آن آمده و مراد از آن «قرآن» است: «الر، تلك آیات الكتاب و قرآن مبین» [حجر/ ۱]. ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که قرآن در میان منابع فقه اسلام، به عنوان «کتاب» نامیده می‌شود؛ چنان که گویند: منابع فقه اسلام عبارت است از: کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل.

● «فرقان» نیز از اسامی قرآن است. در مورد وجه تسمیه این واژه نیز توضیح دهید.

● کلمه‌ی فرقان هفت بار در قرآن به کار رفته است که گاهی، تورات منظور بوده است و گاهی نیز مراد از آن قرآن است. نخستین بار در سوره‌ی فرقان، بیست و پنجمین سوره‌ی

افزون بر ۶۰ بار (در حالات متفاوت نحوی) در خصوص این کتاب آمده است.

● دانشمندان اسلامی در مورد ریشه‌ی کلمه‌ی قرآن و تناسب به‌کارگیری آن به عنوان نام مجموعه کلام الهی چه نظریاتی دارند؟

● علمای اسلامی در باب ریشه و اشتقاق کلمه‌ی «قرآن» نظریات گوناگون دارند، اما به طور کلی نظریات دانشمندان در این باره بر دو پایه‌ی اساسی است: اول این که آیا ریشه‌ی اصلی این کلمه مهموز (همزه‌دار) است یا نه؟ دسته‌ای از علما معتقدند که در ریشه‌ی این کلمه، همزه وجود دارد و عده‌ای دیگر آن را «صحیح» و بدون همزه دانسته‌اند. هر چند آنانی هم که ریشه‌ی آن را مهموز می‌دانند، باز در معنی آن اتفاق نظر ندارند. زیرا این کلمه در معانی متعددی به کار رفته است.

از جمله اقوالی که در باب «مهموز بودن لفظ قرآن» آمده، این نظرات است: اول، قولی از عبدالله بن عباس (متوفی به سال ۶۸ ه.ق) نقل شده است که «قرآن» بر وزن «رجحان» از «قرائت» مصدر «قرء - یقرأ» به معنای خواندن آمده است. علاوه بر وی، لحنیانی و چند تن دیگر می‌گویند: «کلمه‌ی «قرآن» مصدر مهموزی است بر وزن «رجحان و غفران»، مشتق از «قرء»، یعنی «خواند» و «کتابی که خوانده می‌شود، به این اسم نامیده می‌شود. چنان که مفعول را به نام مصدرش می‌خوانند. مثلاً مکتوب که «نوشته شده است»، «کتاب» خوانده می‌شود. در این جا هم «مقروء» که به معنای «خوانده شده است»، قرآن نامیده شده است.

قول دیگری از قتاده (متوفی به سال ۱۱۸ ه.ق) است که نقل کرده‌اند او می‌گوید: «قرآن» مصدر و یا صفتی است برای «قرء» از باب اول و سوم ثلاثی مجرد، به معنی «جمع کردن». او شاهد می‌آورد، وقتی عرب چیزی را گرد آورد و پاره‌ای بر پاره‌ی دیگر می‌افزاید، می‌گوید: «قرات الشیء قرأنا»، یعنی چیزی بر آن افزودم.

از ادبیات دیگر، زجاج تقریباً این نظر را پذیرفته و می‌گوید: کلمه‌ی قرآن مهموز است بر وزن فعلان و غفران، مشتق از «القرء» به معنی جمع. چنان که «قرء الماء فی الحوض»، یعنی آب در حوض جمع شد.

اما مناسبت این معنا را با «قرآن» گفته‌اند این است که حروف، کلمات، آیات و سوره‌ها همه در آن جمع آمده‌اند، یا این که حقایق و احکام و معارف و تعالیم عالی‌یه دینی که در کتب پیشین پراکنده بودند، در این یک مجموعه فراهم آمده و به هم پیوسته‌اند.

عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران، لفظ قرآن را بدون همزه

**خداوند کتابش را به نام «ذکر» نامیده است تا بندگان بدانند که باید همیشه آن را به یاد داشته باشند و بدان عمل کنند. خداوند به وسیله‌ی آن، احکام و فرایض خود را به بندگان یادآور می‌شود**

کلمه از واژه‌های اصیل عربی است که در موارد متعددی در قرآن استفاده شده و در بعضی موارد، مُراد از آن قرآن است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون». و همانا ما هستیم که ذکر (قرآن) را فرستاده‌ایم و خود نگه‌دار آن هستیم [حجر/ ۹]. یا این‌که در مقام دیگر می‌فرماید: «هذا ذکر مبارک: این قرآن ذکر مبارک است [انبیاء/ ۵۰]». خداوند کتابش را به این نام نامید تا بندگان بدانند که باید همیشه آن را به یاد داشته باشند و بدان عمل کنند. خداوند به وسیله‌ی آن، احکام و فرایض خود را به بندگان یادآور می‌شود.

**● آیا کلام الهی قرآن به نام‌های دیگری نیز خوانده شده است و اگر چنین است، سر نهفته در پس این نام‌ها چیست؟**

● نام‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، رایج‌ترین و مشهورترین نام‌های قرآن هستند. ولی گروهی از دانشمندان اسلامی، در مقام شمردن نام و نشانه‌های قرآن دچار مبالغه شده‌اند تا جایی که **زرکشی** در کتاب «البرهان» به نقل از **قاضی شیدله**، ۵۵ نام برای قرآن شماره می‌کند. البته این سخن درست به نظر نمی‌رسد، چرا که وی نام‌گذاری را با توصیف و اسم را با صفت آمیخته است و بیشتر کلماتی که به عنوان نام‌های قرآن ذکر کرده، اوصاف کتاب خداوند هستند که در آیات قرآن در مورد خود قرآن به کار رفته‌اند. ولی صدق استعمال این اوصاف درباره‌ی قرآن، نمی‌تواند دلیل این باشد که آن‌ها اسامی قرآن هستند.

آن‌چه که قاضی شیدله در باب اسامی قرآن شمرده است، از این قرار است: کتاب، مبین، قرآن، کریم، کلام، نور، هدی، رحمت، فرقان، شفاء، موعظه، ذکر، مبارک، علی، حکمت، حکیم، مصدق، مهیمن، حبل، صراط مستقیم، قیم، قول، فصل، بناء عظیم، احسن الحدیث، مثانی، متشابه، تنزیل، روح، وحی، عربی، بصائر، بیان، حق، علم، تذکره، عروه الوثقی، عجب، صدق، عدل، امر، منادی، بشر، مجید، بشیر، نذیر، عزیز، بلاغ، قصص، صحف، مکرمه، مرفوعه و مطهره.

چنان‌چه ذکر شد، همه‌ی این کلمات اسامی قرآن نیستند، بلکه بیشتر آن‌ها اوصاف این کتاب آسمانی هستند. به هر صورت، قرآن به هر نامی که نامیده شود. عبارت است از سخن اعجاز‌آمیز پروردگار متعال و بلندمرتبه که بر قلب پاک رسول مکرّم خود - که درود و صلوات نامتنهایش بر او و خاندان پاکش باد - نازل شده و در مصاحف نگاشته شده و با سلسله‌ی سند متواتر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده و به دست ما رسیده است. تلاوتش عبادت است و آیاتش پر حلاوت و شنیدنش روح‌بخش است و جان‌افزا.

قرآن که حدود سال ششم بعثت نازل شده، به معنی قرآن به کار رفته است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا» [فرقان/ ۱]. آخرین بار هم در اوایل سوره‌ی آل عمران به همین معنی وحی آمده است، این نام از همان آغاز اسلام رایج بوده، چنان‌که در روز «بدر» از **علی بن ابی طالب** (ع) نقل شده است که در میدان نبرد این چنین می‌خوانده است:

فجاء بفرقان من الله منزل مبینه آیاته لذوی العقل وجه تسمیه‌ی قرآن را به نام این چنین گفته‌اند: ریشه‌ی این کلمه معنی «تفرقه و جدا کردن» را دربردارد و چون قرآن، فارق میان حق و باطل است و آن دو را از هم جدا و مشخص می‌سازد، فرقان نامیده شده است. برخی دیگر را عقیده بر آن است که قرآن از این جهت به فرقان نامیده شد که این کتاب آسمانی «انسان را به نجات و موفقیت نائل می‌سازد و آیه‌ی «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا» [انفال/ ۲۹] نیز مؤید همین معنی است؛ زیرا کلمه‌ی فرقان در این آیه به معنی «نجات دادن» است.

**● «تنزیل» نیز نامی دیگر است که به نظر می‌رسد در کلام الهی، در اشاره به قرآن کریم به کار برده شده است، این واژه بیانگر چه معنایی است؟**

● کلمه «تنزیل» هم نامی از نام‌های قرآن است. این کلمه چندین بار در قرآن به کار رفته و از کلمات عربی اصیل است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وانه لتنزیل رب العالمین» [شعرا/ ۱۹۲]. کلمه‌ی تنزیل بیانگر این است که قرآن وحی خداوند است که به پیغمبر اسلام می‌رسد و از نزد خدایش تنزیل پیدا می‌کند و بر قلب مبارک پیامبر اسلام (ص) فرود می‌آید. بعضی دیگر از کلمه‌ی تنزیل، نزول تدریجی قرآن بر پیامبر اکرم (ص) را استفاده کرده‌اند.

**● آیا «ذکر» هم به عنوان نام قرآن در آیات آن به کار رفته است؟**

● بله، «ذکر» هم یکی دیگر از نام‌های قرآن کریم است. این

# مؤسسه‌ی فرهنگ جام طهور

پایگاه اینترنتی طهور  
:([www.tahoor.com](http://www.tahoor.com))

طهور نوعی پایگاه جامع اینترنتی در زمینه‌ی معارف اسلام است. بخشی از اهداف آن عبارت‌اند از: فراهم‌سازی امکان دست‌یابی سریع و آسان به معارف دینی، همراه با دسته‌بندی‌های منطقی، استفاده‌ی بهینه از محتوای موجود در معارف اسلام، ارائه‌ی نظریات اندیشمندان شیعی در حوزه‌های گوناگون. پایگاه اینترنتی طهور خود مشتمل بر چندین پایگاه اینترنتی است که هر یک به صورت تخصصی و با بهره‌گیری از نیروهای پژوهشی - حوزوی و دانشگاهی، درصدد تأمین اهداف آن هستند. این بخش‌ها عبارت‌اند از کتاب‌خانه‌ی طهور، دایره‌المعارف طهور، اعلام طهور، کتاب‌شناسی طهور، ترجمه‌ی قرآن طهور، تفسیر فارسی طهور، بخش کاربران طهور و پادکست طهور. بخش پادکست، از منظری دراماتیک به صحنه‌های خاصی از تاریخ اسلام می‌نگرد و روایتی دیگرگونه و کمتر شنیده را به گوش کاربران می‌رساند.

سید علاء الدین اعلائی  
دبیر دینی و قرآن مدارس تهران



موسسات قرآنی

کتاب‌خانه‌ی طهور  
:([www.tahoor.kotob.com](http://www.tahoor.kotob.com))

هدف کتاب‌خانه‌ی طهور ایجاد انگیزه‌ی مطالعه و کسب آگاهی‌های متنوع و دسترسی سریع کاربران برای بهره‌گرفتن از متون اسلامی است. بر این اساس برنامه‌ی کتاب‌خانه‌ی طهور، استخراج محتوای آثار دانشمندان اسلامی مانند **علامه طباطبائی، علامه تهرانی و شهید مطهری** به صورت فیش‌های مستقل با طبقه‌بندی موضوعی و لینک مطالب مرتبط، همراه با امکان جست‌وجوی ساده و پیشرفته است. با این کار، شبکه‌ای به هم پیوسته از معارف دینی، به همراه پیشنهادهایی درخصوص مطالعه‌ی مطالب جانبی ایجاد شده است. از مهم‌ترین فواید کتاب‌خانه‌ی طهور، خارج ساختن محتواهای متنوع از قالب یک یا چند کتاب و تبدیل آن به فیش‌ها و مقاله‌های کوتاه و خواندنی است تا کاربران بتوانند مجموعه‌ای از مطالب مفید را مطالعه کنند. کاربران همچنین می‌توانند با بهره‌گرفتن از لینک‌های پایان هر فیش - که مطالب مرتبط به آن فیش را نشان می‌دهد - با مجموعه‌ای متنوع از اطلاعات روبه‌رو شوند. لازم به ذکر است که این پروژه در مراحل بعدی گستردگی قابل توجهی پیدا می‌کند و شامل اندیشمندان دیگر نیز می‌شود.

مؤسسه‌ی  
فرهنگ‌ی جام طهور

مؤسسه‌ی فرهنگی جام طهور مؤسسه‌ای غیرانتفاعی و غیروابسته به نهادهای دولتی است که می‌کوشد معارف دین اسلام را به شیوه‌ای جذاب، مستند و اصولی، به مخاطبان ارائه دهد. در این راستا، با استخراج آموزه‌های متنوع دینی در حوزه‌های گوناگون به عرضی آن‌ها متناسب با نیاز مخاطبان می‌پردازد. بخش‌های این مؤسسه عبارت‌اند از:

- پایگاه اینترنتی طهور
- پایگاه اینترنتی پنج روز
- نشر جام طهور
- سایت کاربران



## دایره‌المعارف طهور (www.tahoordanesh.com):

در این بخش، دایره‌المعارفی جامع و بزرگ در شاخه‌های مختلف اعتقادی، اخلاق، احکام، فرهنگ و علوم انسانی، همراه با لینک مطالب مرتبط، در اختیار کاربران قرار گرفته است. مطالب این بخش به صورت مدخل‌های مستقل، تحقیق و طبقه‌بندی شده‌اند که در آینده به شکل مجموعه‌ای جامع و متمرکز در حوزه‌ی معارف دینی درخواهد آمد. امکان جست‌وجوی موضوعات کلی و جزئی در زمینه‌های گوناگون به منظور بهره‌گرفتن از آن در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های علمی، از دیگر فواید مراجعه به دایره‌المعارف طهور است. با این کار، متونی که در گوشه و کنار وجود دارد، بار دیگر استفاده می‌شود و محتوای آن به شکلی دقیق در معرض مشاهده و نقد خوانندگان قرار می‌گیرد. تکمیل تدریجی و همه‌جانبه‌ی دایره‌المعارف طهور، در آینده‌ای نه چندان دور، این سایت را به عنوان نوعی سایت مرجع با ویژگی‌های منحصر به فرد مطرح می‌سازد؛ به گونه‌ای که کاربران از مراجعه به منابع و سایت‌های دیگر بی‌نیاز خواهند شد.

## اعلام طهور (www.alaam.tahoor.com):

اعلام طهور مجموعه‌ای است طبقه‌بندی شده، شامل معرفی شخصیت‌ها، زمان‌ها، مکان‌ها، حوادث تاریخی، اقوام و قبایل، فرقه‌ها و مکاتب فکری. هدف بخش اعلام، معرفی همه‌ی شخصیت‌ها و نام‌های مهم اسلامی - تاریخی است. استفاده از منابع معتبر و دقت در تهیه‌ی مطالب، از ویژگی‌های این بخش محسوب می‌شود. اعلام طهور در آینده به یکی از پایگاه‌های مرجع و مادر تبدیل خواهد شد و کاربران می‌توانند به صورت متمرکز، توضیحات مربوط به اعلام - اعم از افراد و غیرافراد - را در این پایگاه مشاهده کنند. مقایسه‌ی میان شخصیت‌های مثبت و منفی و پیدا کردن احاطه‌ی لازم برای ارزیابی، از فواید مهم مراجعه به این سایت است. لازم به ذکر است، بعضی از موضوعات و محورهای این بخش، برای نخستین بار در فضای مجازی اینترنت معرفی می‌شوند.

## کتاب‌شناسی طهور (www.book.tahoor.com):

در این بخش، اطلاعات مفید و جامعی از کتاب‌های مهم در زمینه‌های علوم قرآن و تفسیر، حدیث، فقه و اصول، تاریخ، جغرافیا، هنر، علوم و فرهنگ، عرفان و... به خواننده ارائه می‌شود. این اطلاعات شامل موضوع و تعریف کتاب، شخصیت نویسنده، ساختاربندی کتاب، نظرات

کارشناسان درباره‌ی کتاب، عکس کتاب و اطلاعات جانبی دیگر است. مشاهده‌ی هم‌زمان دیگر آثار نویسنده‌ی کتاب، زندگی‌نامه‌ی او و نیز مشاهده‌ی توصیفی هر کتاب، کاربران را با حوزه‌های تخصصی کتاب‌های گوناگون آشنا می‌سازد. کتاب‌شناسی طهور می‌تواند مرجعی برای کاربران علاقه‌مند به آشنایی توصیفی با کتاب‌های متنوع باشد.

## ترجمه‌ی قرآن طهور (www.tahoorquran.com):

در بخش ترجمه‌ی قرآن، تلاش محققان و مترجمان طهور بر این است که با توجه به مبانی صحیح در ارتباط با ترجمه‌ی قرآن و با توجه به مستندات تفسیری اعم از روایی و غیرروایی، به‌خصوص تفسیرالمیزان و با توجه به مبانی مهم ادبی (خواه در زبان فارسی یا عربی) بتوانند، ترجمه‌ای متناسب با شئون مختلف قرآن ارائه دهند و به دور از هرگونه ابهام، تعقید، لفظ بازی، پیچیده‌گویی و... قرآن را به صورتی روان، جذاب، قابل فهم و منطقی ترجمه کنند. لازم به ذکر است که این ترجمه به صورت گروهی انجام گرفته و از این نظر نیز کاری نو در ترجمه‌ی قرآن محسوب می‌شود.

## تفسیر فارسی طهور (www.tahoortafsir.COM):

بخشی از فعالیت‌های طهور بر تدوین تفسیر فارسی قرآن متمرکز شده و در مرحله‌ی نخست، تفسیرالمیزان تألیف علامه طباطبایی، به عنوان مرجع کار برگزیده شده است. محور عمده‌ی کار در این



قسمت، چهار بخش است:

● **تفسیر ترتیبی:** در این بخش، تفسیر آیات قرآن از سوره‌ی حمد شروع و به سوره‌ی ناس ختم می‌شود؛ با این تفاوت که در این تفسیر، مطالب غیرضروری - به این معنا که برای عموم کاربران ضرورتی ندارد - حذف شده است.

● **نکات تفسیری:** در این بخش، به فراخور حال کاربران، برای هر صفحه از صفحات قرآن کریم، یعنی ۶۰۴ صفحه‌ی قرآن به خط عثمان طه، چند نکته از تفسیرالمیزان استخراج شده است تا کاربران بتوانند چشم‌اندازی از مجموعه‌ی تفسیرالمیزان داشته باشند.

● **واژه‌شناسی قرآنی:** در بخش واژه‌شناسی قرآنی، تمام واژه‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم در قرآن به کار رفته‌اند، همراه با ریشه‌یابی واژه‌ها، در دسترس کاربران قرار گرفته‌اند.

● **تفسیر موضوعی:** در این بخش، کاربر موضوعات قرآنی را به صورت متمرکز با دسته‌بندی‌های لازم مشاهده می‌کند. هم‌چنین می‌تواند به فهرستی بسیار دقیق از محتوای تفسیرالمیزان دسترسی داشته باشد.

### سایت پنج روز (www.5rooz.com)

پنج روز، سایت «سبک زندگی» است. سایتی که به موضوعات متداول و کاملاً عادی زندگی می‌پردازد؛ موضوعاتی که گاه چنان معمول و دم‌دستی‌اند که به دید نمی‌آیند؛ مثل: «کادو»، «خواب»، «رفیق»، «شغل»، «همسایه» و «غذا». بسیاری از چیزها که به دید نمی‌آیند، اما در زندگی هر روزه - بلکه هر ساعت و دقیقه‌مان - تأثیر دارند.

پنج روز می‌کوشد دفترچه‌ی راهنمایی از گفتارهای قرآنی و اولیای دین را در جامه‌ی هنرمندانه و با بیانی متفاوت، خلاق و البته کاربردی، به سمع‌شنوندگان برساند. در تهیه‌ی این دفترچه‌ی راهنما، علاوه بر تعالیم اسلام، گنجینه‌ی کهن تمثیلات ادب فارسی، ادبیات نمایشی جهانی و قالب‌های مدرن و جذاب، برنامه‌سازی (مکتوب و شنیداری) خواهند شد. مقالات، یادداشت‌ها و پادکست‌ها، بارزترین بخش‌های پنج‌روزند.

### نشر جامع ظهور

سفارش، تهیه و تنظیم مجموعه‌های پژوهشی تحقیقی، در حوزه‌های علوم دینی و انسانی، برای سطوح گوناگون در زمینه‌های متنوع و مورد نیاز جامعه، براساس تحقیقات محققان مؤسسه‌ی جام ظهور و آماده‌سازی برای ارائه به بازار نشر، از اولویت‌های این بخش هستند.

### سایت کاربران (www.my.tahoor.com)

ایجاد ارتباط مستمر و بالنده در فضایی علمی و سالم با کاربران، پاسخ‌گویی به نیازها و درخواست‌های مرتبط با محتوای سایت ظهور، و ارائه‌ی سرویس‌های ویژه‌ی دائم و مقطعی به کاربران ثبت‌نام شده و نیز آمادگی برای دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای آن‌ها، از برنامه‌های اصولی و با اهمیت در این بخش محسوب می‌شود.



www.iraket.com

## آثار قرآنی در کتابخانه مجازی

بیش از ۱۴۵ عنوان کتاب در حوزه‌ی آثار تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن کریم، در کتابخانه‌ی مجازی ایراکت قرار داده شد.

رییس کتابخانه‌ی مجازی ایراکت با اعلام این خبر گفت: «در این کتابخانه، آثاری چون ترجمه‌ی انگلیسی و عربی هشت کتاب شامل جلد یک و سی‌ام «تفسیر بیان» جلد‌های ۲۶ و ۲۷ «تفسیر جوان»، روش انس با قرآن، قرآن‌شناسی جوان و فرهنگ‌نامه‌ی قرآنی جوان قرار دارد.» رسول پیرهادی ادامه داد: «ترویج و گسترش فرهنگ قرآنی، یکی از اهداف کتابخانه‌ی ایراکت است که در رایزنی با ناشران بخش‌های گوناگون، درصدد توسعه‌ی این فضا هستیم.»

وی با اشاره به برخی دیگر از آثار موجود در این کتابخانه، اظهار داشت: «کتاب‌های راز خوش‌بختی، روش چکیده‌نویسی موضوعی تفسیر قرآن، لغت‌شناسی و مفاهیم قرآن کریم، فقر و ثروت از دیدگاه قرآن، باستان‌شناسی، رنگ‌شناسی و موسیقی قرآنی نیز در این فهرست قرار دارند.»

پیرهادی با بیان این‌که کاربران در صورت عضویت می‌توانند به صورت آن‌لاین کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود را مطالعه کنند، گفت: «امکانی برای اعضای کتابخانه فراهم شده است تا هر هفته، سه کتاب را رایگان ذخیره کنند.»

وی تصریح کرد: «این کتاب‌ها به مدت ۱۰ روز روی رایانه‌ی افراد فعال است و پس از آن به صورت خودکار غیرفعال می‌شود.» کتابخانه‌ی مجازی ایراکت در نشانی اینترنتی [www.iraket.com](http://www.iraket.com) قرار دارد.



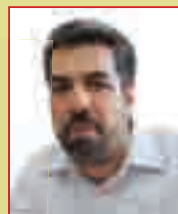
# حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی در برنامه‌ی درسی ملی (۲)

کلید واژه‌ها: برنامه، برنامه‌ی درسی ملی، قرآن کریم، آموزش، حوزه‌ی یادگیری.

## مقدمه

طریق محتواست که نظام آموزشی و پرورشی به‌طور مستقیم با هویت متریبان مرتبط می‌شود و آثار مورد نظر را در نگرش، دانش، رفتار، انگیزه‌ها و شخصیت آنان برجا می‌گذارد. لذا با رعایت اصول عام حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی (بند ۵ مقاله‌ی شماره‌ی قبل)، اصول مورد تأکید در انتخاب و سازمان‌دهی محتوا براساس مبانی به شرح زیرند. این اصول معیارهایی هستند که علاوه بر انتخاب محتوا در سطح برنامه‌ی درسی ملی، معیارهای اساسی انتخاب و سازمان‌دهی محتوای سطوح بعدی برنامه‌ریزی را نیز مشخص می‌سازند.

در شماره‌ی قبل، به اختصار ضمن ارائه‌ی تعریف و چشم‌انداز برنامه‌ی درسی ملی، به مبانی فلسفی و علمی، اصول حاکم بر برنامه، سطوح اهداف و الگوی هدف‌گذاری در این برنامه اشاره شد. در این شماره کوشیده‌ایم، اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوا، صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک، و بیانیه‌ی یادگیری حوزه‌ی قرآن و معارف اسلامی را تبیین کنیم. محتوای برنامه‌ی درسی و تربیتی، بین عناصر و مؤلفه‌های نظام آموزشی، از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. از



سید امیر رون

سید امیر رون، از دست‌اندرکاران تولید برنامه‌ی درسی ملی می‌باشد. از وی درخواست کردیم حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی را در برنامه‌ی درسی ملی، برای خوانندگان مجله تبیین او نیز با استقبالی شایسته‌ی ستایش، این کار را انجام دادند. بخش نخست مقاله ایشان در شماره قبل تقدیم شما شد و اینک بخش دوم در پیش روی شماست.



## الف) اصول انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزشی و پرورشی

### ۱. درونه‌سازی

انتخاب و سازمان‌دهی محتوای آموزشی و پرورشی برنامه‌ی درسی ملی و برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری، باید فرصت کسب تجربیات جدیدی را که موقعیت‌متری را نسبت به موقعیت قبلی بهبود و توسعه می‌دهد، فراهم سازد. تجربیات تدارک دیده شده، باید در عرصه‌ی علم، عمل و اخلاق به صورت یکپارچه و بهم پیوسته ارائه شوند تا زمینه‌ی کسب معرفت و در نتیجه شکل‌گیری دو صلاحیت مبنایی، یعنی تفکر و تعقل، و ایمان را فراهم کند.

### ۲. ارتباط چندوجهی و یادگیری یکپارچه

انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به گونه‌ای باشد که متریبان را برای ارتباطات چهارگانه‌ی با خود، خدا، خلق و خلقت، حول محور ارتباط با خدا، و حتی‌الامکان در اشکال متفاوت تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم، کار و عمل و تلاش، و اخلاق، به صورت یکپارچه رشد دهد. لذا سازمان‌دهی محتوا در حوزه‌های یادگیری، باید ضمن لحاظ قلمرو هر حوزه، امکان یکپارچگی یادگیری را فراهم سازد.

### ۳. اولویت صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک

صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک که در قالب عناصر پنج‌گانه‌ی اهداف کلی طبقه‌بندی می‌شوند، باید در سازمان‌دهی محتوای برنامه‌ی درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری حضور و بروز داشته باشند و چگونگی تحقق آن‌ها در مراحل گذر و دوره‌ها به‌وضوح مشخص شوند.

### ۴. تنوع و تعدد منابع، روش‌ها و فرصت‌های یادگیری

از آن‌جا که ظرفیت وجودی متریبان با یکدیگر متفاوت است و هر یک در فرایند کسب و توسعه‌ی ظرفیت‌های وجودی، به شیوه‌ی متفاوت (سبک‌های یادگیری و شناختی و...) عمل می‌کند، در انتخاب و سازمان‌دهی محتوای برنامه‌های درسی و تربیتی، باید فرصت‌های متنوعی برای متریبان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت به منظور به‌کارگیری راهبردهای آموزش و ارزش‌یابی، و منابع تعدد و متنوع یادگیری (مواد و رسانه‌های آموزشی، فضا و اشخاص) فراهم شود. این تنوع باید تفاوت‌های جنسیتی و اجتماعی را نیز لحاظ کند.

### ۵. اهمیت

در انتخاب و سازمان‌دهی محتوا، باید ایده‌های کلیدی و فرایندهای اساسی هر حوزه را مورد توجه قرار داد. درجه‌ی اهمیت مفاهیم، اصول، تعمیم‌های اساسی، نظریه‌ها، فرایندها،



جزییات تدارک دیده شده، باید در عرصه‌ی علم، عمل و اخلاق به صورت یکپارچه و بهم پیوسته ارائه شوند تا زمینه‌ی کسب معرفت و در نتیجه شکل‌گیری دو صلاحیت مبنایی، یعنی تفکر و تعقل، و ایمان را فراهم کند.

## ۱۰. آستانه‌ی ارتقای قابلیت اجرا

در انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به زمان رسمی آموزش و تربیت، منابع، ظرفیت‌های حرفه‌ای کارکنان، و قوانین و مقررات در حد آستانه‌ی ارتقای آن‌ها توجه داشت.

## ۱۱. درهم‌تنیدگی

محتوای برنامه‌های درسی و تربیتی از سه بخش اساسی

درهم‌تنیده‌ی زیر تشکیل می‌شود:

۱. یادگیری‌های مشترک؛

۲. مفاهیم، اصطلاحات، حقایق، نظریات، مهارت‌ها، روش‌ها و فرایندهای خاص یک حوزه‌ی یادگیری و موضوع درسی؛

۳. مفاهیم، اصطلاحات، حقایق، نظریات، مهارت‌ها، روش‌ها و فرایندهای بین رشته‌ای که در دو یا چند حوزه‌ی یادگیری و موضوع درسی قابل طرح‌اند.

از این‌رو، حوزه‌های یادگیری، علاوه بر پوشش‌دهی به یادگیری‌های مشترک و خاص در کارکرد اولیه‌ی خود، از طریق ارتباط افقی با برخی از حوزه‌ها به‌عنوان کارکرد ثانویه به تقویت، تعمیق و یکپارچگی یادگیری کمک می‌کنند.

## (ب) صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک

صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک، آن‌دسته از یادگیری‌هایی هستند که همه‌ی خروجی‌های آموزش و پرورش بتوانند به گونه‌ای به آن‌ها دست یابند. لذا در همه‌ی حوزه‌های یادگیری حضور دارند و بین آن‌ها پیوند برقرار می‌سازند. به‌علاوه، در همه‌ی عناصر برنامه نمود و بروز پیدا می‌کنند. این صلاحیت‌ها و یادگیری‌ها براساس عناصر پنج‌گانه‌ی الگو هدف‌گذاری به شرح زیرند:

مهارت‌ها، ارزش‌ها و نسبت و وزنی که به آن‌ها داده می‌شود، باید به اندازه‌ی نقشی باشد که در رسیدن به اهداف کلی برنامه‌ی درسی برعهده دارند. در انتخاب و سازمان‌دهی ایده‌ها و فرایندهای هر حوزه، فراهم آوردن فرصت‌هایی برای باز کشف و کشف علوم، و فناوری برای متریبان ضروری است.

## ۶. اعتبار

از آن‌جا که دستاوردهای دانش بشری به سرعت تحول پیدا می‌کنند و حوزه‌های جدیدی از دانش شکل می‌گیرند، محتوا باید در سایه‌ی مبانی و استفاده از منابع معتبر، متریبان را در کسب دانش اصیل و به‌روز رسانی دانش خود کمک کند. از این‌رو، ضروری است اعتبار محتوا هنگام انتخاب و نیز در فواصل زمانی معین مورد واریسی قرار بگیرد.

## ۷. علاقه

محتوای برنامه‌ی درسی باید به علائق متریبان توجه داشته باشد به گونه‌ای که به خلق و توسعه‌ی علائق جدید و مطلوب در آن‌ها منجر شود. در ضمن باید با شناسایی ظرفیت‌های وجودی متریبان، زمینه‌ی تصمیم‌گیری برای حال و آینده فراهم شود.

## ۸. سودمندی

تعیین سودمندی محتوا به نگاه فلسفی و ترجیحات برنامه بستگی دارد. لذا سودمندی محتوا باید با لحاظ نیازهای آنی، آتی، حیاتی و متعالی متریبی و براساس مبانی و ارزش‌های برنامه مورد توجه تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد.

## ۹. قابلیت یادگیری

انتخاب و سازمان‌دهی محتوا باید به گونه‌ای انجام شود که یادگیری آن برای متریبان با توانایی‌های ذهنی و سبک‌های شناختی و یادگیری متفاوت امکان‌پذیر باشد.

عناصر	صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
تفکر و تعقل	تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی، پرسشگری، کاوشگری، هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت بر اساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت براساس نظام معیار (تعقل)، تأمل در خود، خودارزش‌یابی
ایمان و باور	نگرش توحیدی، کرامت و قدرت اراده و انتخاب انسان، ارزشمندی تفکر و تعقل، ارزشمندی مخلوقات، هدفمندی خلقت، ارزشمندی علم و علم‌جویی، ارزشمندی نهاد خانواده، وطن‌دوستی
علم	کشف جهان به عنوان فعل خداوند، خودآگاهی، فرهنگ و هویت
کار و عمل و مجاهدت	یادگیری مستمر، خودمدیریتی، مشارکت، هم‌بازی، مهارت کار با دیگران، مهارت‌های ارتباطی، مهارت رهبری، مطالعه و پژوهش، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تولید محصول
اخلاق و آداب	حفظ و پالایش انگیزه‌ها(نیت)، خودپایایی و خودپایایی، اعتماد به‌نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه‌ای، پشتکار، نظم و قانون‌مداری، صدق، صبر، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، حسن خلق، احسان و رأفت



## ج) حوزه‌های یادگیری

حوزه‌های یادگیری بستر اصلی برای تسهیل فرایند تعلیم و تربیت، به منظور دستیابی به اهداف برنامه‌ی درسی ملی هستند. هر یک از حوزه‌های یادگیری یازده‌گانه، گستره و محدوده‌ی دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با یادگیری متریبان آمادگی تا پایان دوره‌ی متوسطه را توصیف می‌کنند.

### ۱. عناوین حوزه‌های یادگیری:

- تفکر و حکمت،
- قرآن و معارف اسلامی،
- زبان و ادبیات فارسی،
- فرهنگ و هنر،
- کار و فناوری،
- سلامت و تربیت بدنی،
- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی،
- ریاضیات،
- علوم تجربی،
- زبان‌های خارجی،
- آداب و مهارت‌های زندگی.

### ۲. بیانیه‌های حوزه‌های یادگیری

بیانیه‌های حوزه‌های یادگیری، تعریف حوزه، ضرورت و کارکرد آن، قلمرو و ابعاد حوزه، جهت‌گیری کلی سازمان‌دهی محتوا و آموزش حوزه، و نسبت آن با یادگیری‌های مشترک و سایر حوزه‌های یادگیری را بیان می‌دارند. در ادامه، با توجه به اهداف این مجله، حوزه‌های یادگیری قرآن و معارف اسلامی ارائه شده است. چنانچه فرهنگیان محترم علاقه‌مند به کسب اطلاعات بیشتری باشند، می‌توانند به سایت اینترنتی «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» مراجعه کنند.

## د) حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی

دین اسلام، راه هدایت انسان‌ها به سوی کمال و رستگاری است که از جانب خدای متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده و شامل اعتقادات، اخلاق، احکام و تمامی نظاماتی است که انسان‌ها برای رسیدن به مقصد متعالی خود بدان نیاز دارند. منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم، سنت و سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام و جانشینان معصوم آن بزرگوار - صلوات‌الله‌علیهم - و عقل است. آموزش‌های مترتب بر این حوزه در برنامه‌ی درسی ملی شامل سه حوزه‌ی محتوایی قرآن کریم، معارف اسلامی، و عربی می‌شود.

### ۱. ضرورت و کارکرد حوزه:

مهم‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی به‌طور اعم و نظام آموزشی به‌طور اخص، تربیت دینی - به معنای عمیق و گسترده‌ی آن - است. دین مقدس اسلام برنامه‌ی جامع تربیتی انسان برای عبودیت و تقرب الی‌الله است. تعمیق معرفت و ایمان متریبان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی به‌شمار می‌رود.

حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه‌ی جامع تربیتی انسان است تا به متریبان، میزانی از آگاهی درباره‌ی اسلام را بدهد که بتوانند بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند. فرد را توانمند سازد که به‌گونه‌ای فعال، جامعه را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند. همچنین به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه، مشارکت مؤثر داشته باشد.

قرآن کریم، به عنوان منبع وحی الهی و منبع اصلی اعتقادات، اخلاق و احکام است. توانایی خواندن همراه با درک معنا، تدبیر در قرآن و انس با آن، سبب ورود هر فرد مسلمان به دریای معارف اسلامی می‌شود. از این‌رو، از صدر اسلام تا کنون در جامعه‌ی اسلامی، تعلیم کتاب الهی از جایگاه منحصر به‌فردی برخوردار بوده است. به تبع آن، یادگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن، اهمیت خاصی دارد. آموزش این زبان سبب می‌شود که فرد بتواند به‌طور مستقیم با کتاب الهی خود ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره‌بردارد. همچنین، آموزش این زبان سبب می‌شود که متریبان بتوانند از معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند.

### ۲. قلمرو حوزه

حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی، بخشی از رسالت یاد شده را در مجموعه‌ی برنامه‌های درسی برعهده دارد و شامل سه حوزه‌ی محتوایی آموزش قرآن کریم، معارف اسلامی و آموزش عربی می‌شود. حدّ یادگیری در این دروس به شرح زیر است:

#### ۲-۱. آموزش قرآن کریم

محدوده‌ی این آموزش، مهارت‌های لازم برای دستیابی به سواد قرآنی و بهره‌مندی مستمر و دائمی از کتاب خدا و شامل توانایی‌های زیر است:

- توانایی خواندن صحیح و روان قرآن کریم؛

● توانایی درک معنای عبارات ساده و پرکاربرد قرآن کریم؛

● توانایی نسبی در تدبر در آیات قرآن کریم، به منظور درک ساده و اولیه‌ی دقیق و ظرایف مفاهیم آیات، بدون آموزش تخصصی علوم قرآنی؛

● انس مستمر و دائمی با قرآن کریم، به نحوی که متریبان، اهل خواندن و تفکر در قرآن باشند و این امر را لازمه‌ی تربیت دینی و اعتلای هویت الهی خویش بدانند.

## ۲-۲. معارف اسلامی

محدوده‌ی این آموزش، آن است که متریبان دین را به‌عنوان راهنمای عمل و برنامه‌ی زندگی بشناسند و براساس آن، برنامه‌ریزی و عمل کنند. این معارف شامل سه‌بخش زیر هستند:

● اعتقادات، در حد شناخت عقلانی اصلی‌ترین موضوعات اعتقادی، شامل توحید، معاد، نبوت و امامت، ولایت فقیه، نظام خلقت و مسائل مربوط به آن‌ها، بدون طرح جزئیات تخصصی هر موضوع؛

● اخلاق، در حد شناخت مسائل و موضوعات اصلی اخلاقی و التزام به آن که در تکوین شخصیت انسان نقش محوری دارند، با توجه به مسئله‌ها و چالش‌های اخلاقی روز؛

● احکام، در حدی که هر فرد مکلف به‌طور معمول در زندگی فردی و اجتماعی خود بدان نیاز دارند و در صورت عدم اطلاع قبلی از آن‌ها، در انجام وظایف شرعی دچار مشکل می‌شود.

آموزش معارف اسلامی با بهره‌گرفتن از قرآن کریم و سیره‌ی معصومین بزرگوار انجام می‌شود. هم‌چنین دست‌یابی متریبان به آگاهی و نگرش جامع و کارآمد نسبت به مبانی و چارچوب‌های محوری اسلام ناب محمدی(ص)، توانمندی آنان در مطالعه و پژوهش دینی برای ارتقای سطح معرفت و ایمان دینی خود، و آموزش شعائر و مراسم اسلامی که لازمه‌ی تعمیق معارف اسلامی و پایبندی به آن‌هاست، همواره مورد نظر خواهد بود.

## ۲-۳. عربی

آشنایی با زبان عربی به میزانی که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم و کلام معصومین کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.

این سه حوزه‌ی محتوایی، ارتباط وثیقی با یکدیگر

دارند و برنامه‌ریزی آن‌ها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش‌های مشترک و نیز مطالب تکمیل و تأیید‌کننده‌ی یکدیگر، استفاده‌ی

مطلوب به عمل آید.

نتایج یادگیری متریبان در حوزه‌ی قرآن و معارف اسلامی در پایان دوره‌های تحصیلی عبارت‌اند از:

● آمادگی برای دین‌داری و عمل به وظایف دینی مبتنی بر ایمان توأم با معرفت و شناخت؛

● احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن؛

● تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامعه در شرایط مختلف اجتماعی؛

● احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان.

این حوزه در دوره‌ی متوسطه دارای یک رشته با سطح نیمه‌تخصصی است که تحت عنوان علوم و معارف اسلامی مطرح می‌شود. کسانی که وارد این رشته می‌شوند، یا آماده‌ی ورود به دوره‌های عالی در حوزه‌ی علمیه و دانشگاه‌ها در این حوزه می‌شوند و یا نیازهای اولیه‌ی جامعه را در این رشته برآورده می‌سازند.

شایان ذکر است که عناوین دروس و موضوعات زیر مجموعه‌ی این حوزه‌ی یادگیری، از میان عناوین و موضوعات کنونی و عناوینی از قبیل اخلاق، آشنایی با عرفان اسلامی، نهج‌البلاغه، مطالعات تطبیقی ادیان، قرآن‌پژوهی، نقد فرقه‌های نو پدید و... بر حسب دوره‌ی تحصیلی، تفاوت‌های فردی متریبان از جمله جنسیت، تفاوت‌های محیطی و... در راهنمای برنامه‌ی درسی این حوزه انتخاب و تعیین می‌شوند.

## ۳. جهت‌گیری‌های کلّی در سازمان‌دهی محتوا و آموزش

### حوزه

فرایند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه‌ی انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد، فرایند شناخت فکورانه، ایمان آگاهانه و عمل ارادی است. عملی ارزشمند است که حاصل ایمان به دین باشد؛ ایمانی که مبتنی بر معرفت و شناخت و حاصل تفکر و تعقل فرد باشد.

لذا در این حوزه،

روش‌های

**فرایند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه‌ی انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد، فرایند شناخت فکورانه، ایمان آگاهانه و عمل ارادی است**

استدلال منطقی، جدال احسن، مطالعه، موعظه و تذکر و تأمل با خویش جایگاهی ویژه‌ای دارد و حاصل آن، ارتقای ایمان و عمل صالح است.

برخی اصول مورد تأکید در حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی به شرح زیرند:

● محور قرار گرفتن قرآن کریم، سنت، سیره و معارف معصومین (علیهم‌السلام) در ابعاد و سطوح گوناگون برنامه‌ریزی؛  
● ترسیم سیمای معقول و زیبایی دین و ارائه‌ی تصویری همه‌جانبه از آن به‌طوری که ابعاد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی انسان را پاسخ‌گو باشد و هیچ بخشی از حیات انسانی را فروگذار نکند؛

● تأکید بر گفتمان دینی حاکم بر انقلاب اسلامی که در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، معمار بزرگ نظام اسلامی و رهبر معظم انقلاب تبلور یافته است؛

● پرورش روحیه‌ی تفکر و تعقل در متربیان؛

● استفاده از زمینه‌های فطری و روحیه‌ی حقیقت‌طلبی متربیان، همراه با توجه به نیازهای روز ایشان.

سازمان‌دهی محتوای این حوزه در سطوح اول و دوم دوره‌ی ابتدایی، حتی الامکان به‌صورت تلفیقی است. در دوره‌ی راهنمایی سه درس آموزش قرآن، عربی، و تعلیم و تربیت دینی به‌صورت مجزا و هماهنگ و در دوره‌ی متوسطه، جز در رشته‌ی علوم و معارف اسلامی، دروس قرآن و تعلیم و تربیت دینی به‌صورت تلفیقی و درس عربی به‌صورت مجزا ارائه می‌شود. رشته‌ی علوم و معارف اسلامی نیز درس‌های اختصاصی در حوزه‌ی معارف اسلامی هستند.

#### ۴. نسبت حوزه با یادگیری‌های مشترک و سایر حوزه‌ی

##### یادگیری

ایمان مبتنی بر تفکر، اساس اعمال دینی است و هیچ عمل دینی بی‌حضور این دو معنا و مفهوم ندارد. تفکر، مطالعه و پژوهش اساس معرفت دینی را تشکیل می‌دهد.

بسیاری از مهارت‌ها و ارزش‌های

مشترک حوزه‌های

یادگیری ذاتاً دینی‌اند. رعایت ارزش‌های اخلاقی، حاصل ایمان مبتنی بر تفکر است و ایمان مبتنی بر تفکر، کارکرد اصلی این حوزه به‌شمار می‌آید. مهارت‌های فناوری و محاسباتی، ابزاری است در خدمت یادگیری مطلوب، و نیز در خدمت تبلیغ و اشاعه‌ی معارف و ارزش‌های اسلامی.

خودپایی، خودپالایی، خودسازی و کار و تلاش و مجاهدت در عرصه‌های ارتباط با خلق و خلقت، ذیل ارتباط با خداوند متعال و نگاه مسئولانه به این عرصه‌ها، حاصل ایمان و معرفت است که به تربیت متربیان فعال و خدمت‌گزار جامعه‌ی اسلامی منتهی می‌شود.

همه‌ی حوزه‌های یادگیری، در خدمت هدف غایی تربیت قرار دارند و معارف اسلام ناب محمدی (ص) به مثابه متغیر اصلی است که سایر حوزه‌ها نسبت خود را با آن تنظیم می‌کنند. آموزه‌های دینی مشوّق و چراغ راهنمای متربیان در کسب و ارتقا، ارزشمند دانستن و به‌کارگیری علم در حوزه‌های گوناگون هستند. تعلیم و تعلم در راستای درک عمیق‌تر نظام آفرینش و زمینه‌ی رشد و تعالی فرد و جامعه برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، خود عمل دینی و کاری مقدس شمرده می‌شود. جهت‌دهی به‌کار و فناوری، متناسب با اهداف زندگی دینی و فرهنگ اسلامی، در حوزه‌ی کار و فناوری مورد تأکید است.

حوزه‌ی تفکر و حکمت در متن دین قرار دارد و لازمه‌ی دین‌داری است. مبانی، اصول، شیوه‌ها، اشارات، ملاحظات قرآن کریم، و سنت و سیره‌ی معصومین - علیهم‌السلام - مبانی تفکر و حکمت است. آداب و مهارت‌های زندگی جزئی از دین و از آن تفکیک‌ناپذیر، و مبانی، اصول و شیوه‌های آموزش آن متخذ از آموزه‌ها و توصیه‌های اسلامی‌اند. در حوزه‌ی سلامت و تربیت بدنی نیز در مورد صحت بدن و حفظ بهداشت تأکیدات زیادی در آموزه‌های دینی شده است. فرهنگ در تعامل با دین و دین‌داری شکل می‌گیرد. هنر، زبان و ادبیات فارسی ملهم از حوزه‌ی معارف دینی نضج می‌یابند و محمل آموزه‌های دینی بوده و هستند. به‌علاوه، نقش بسزایی در نشر دین دارند. زبان عربی وجه مشترک این حوزه و حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی است. ارتباط مناسب این دو حوزه در زمینه‌ی آموزش معنای لغات، صرف و نحو، امور بلاغی و... می‌تواند به تعمیق یادگیری قرائت و درک قرآن کریم و زبان فارسی منجر شود. مبانی اسلامی در تدوین و ارائه‌ی نظریه‌ها، مبانی، اصول، روش‌ها، آثار و ویژگی‌های موضوعات حوزه‌ی یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی نقش بسزایی دارد.

همه‌ی حوزه‌های یادگیری، در خدمت هدف غایی تربیت قرار دارند و معارف اسلام ناب محمدی (ص) به مثابه متغیر اصلی است که سایر حوزه‌ها نسبت خود را با آن تنظیم می‌کنند

## خوش تر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

معنی کرد. ناپلئون برگشت، شب را باز غرق در تفکر بود. روز سوم نیز مترجم به درخواست ناپلئون، چند آیه از قرآن را برایش خواند و ترجمه کرد.

از کتابخانه که بیرون آمدند، ناپلئون پرسید این کتاب به کدام ملت مربوط است؟ مترجم گفت: «مربوط به مسلمانان است و اینان معتقدند که این قرآن از آسمان به پیامبر عظیم الشان آن‌ها نازل شده است.»

ناپلئون گفت:

«آن چه من از این

کتاب استفاده

کردم، این طور

احساس کردم که

اگر مسلمان‌ها از

دستور جامع آن

استفاده کنند،

ذلت نخواهند

دید. و تا زمانی که

این قرآن بین مسلمین

حکومت کند، در پرتو تعالیم

و برنامه‌ی جامع آن، مسلمان‌ها

تسلیم ما نخواهند شد، مگر ما بین آن‌ها و

این قرآن جدایی بیفکنیم.»

تفسیر اطیب البیان: ج ۱ ص ۳۸

ناپلئون، نابغه‌ی سیاسیون عالم، پرسید مرکز مسلمین کجاست، مصر را معرفی کردند.

با یک مترجم عرب به شهر مصر رفت. به کتابخانه‌ی آن شهر وارد شد.

به مترجمش گفت: «یکی از این کتاب‌ها را برایم بخوان. دست برد، کتابی را

برداشت، گشود و دید قرآن است.

اول صفحه، دیدگانش را این

آیه جذب نمود «إِنَّ

هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي

لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»:

یقیناً این قرآن

«بشر را» به

استوارترین

راه هدایت

می‌کند.

ناپلئون

شب را تا صبح

در فکر معنای آیه

بود. صبح بیدار شد و

دوباره به کتابخانه آمد.

از مترجم خواست از همان

کتاب دیروزی برایش بخواند. مترجم

قرآن را باز کرد و آیاتی چند از قرآن را تلاوت و

تا قرآن  
حکومت می‌کند،  
مسلمان‌ها تسلیم ما  
نخواهند شد



فرزانه جوادی پور  
دبیر دینی و قرآن منطقه ۵ تهران

## میزان تحقق اهداف درس دین و قرآن در رفتارهای دانش آموزان پایه سوم دبیرستان های منطقه ۵ تهران در سال ۸۸-۱۳۸۷

بخشی از هدف های تدریس دینی و قرآن در دبیرستان، ایجاد و تقویت رفتار دینی در دانش آموزان است. آیا با تدریس این درس در دبیرستان، دانش آموزان به اهداف مورد نظر رسیده اند یا خیر؟ در پژوهش حاضر که توسط سرکار خانم فرزانه جوادی پور در منطقه ۵ تهران انجام شده است به این سوال پاسخ داده می شود که کتاب های دینی و قرآن در رساندن ایشان به رفتار دینی موفق بوده است.

به نظر شما میان پاسخ های دانش آموزان و دبیران چه تفاوت هایی دیده می شود؟

### طرح مسئله

انسان به عنوان یکی از مخلوقات خداوند، برای وصول به غایت و مقصود خود، نیازمند راه و نقشه‌ی رسیدن به آن است. از آن جا که خالق موجودات، غایت هر یک از آن‌ها را در خلقتشان قرار داده، قانون‌مندی و مسیر وصول به غایات را نیز معین ساخته است. به همین دلیل، قرآن کریم هدایت را لازمه‌ی وجودی همه می‌داند و می‌فرماید: «سبح اسم ربک الاعلیٰ. الذی خلق فسوی. والذی قدر فهدی» [اعلیٰ/ ۳-۱]: نام پروردگارت را به پاکی بستای. آن که آفرید و سامان بخشید. آن که اندازه‌بندی کرد و سپس هدایت فرمود.

در حقیقت، قرآن دین مکتوب الهی است. صراط مستقیم و سبیل الی الله در این کتاب مکتوب است و انسان‌ها با تدبر و تفکر در این کتاب و پیروی از معلمان اصلی آن، می‌توانند مسیر زندگی خود را بیابند و با انتخاب آن، به هدف و مقصود نایل شوند. انسان مهتدی، برای این که به مراتبی از ایمان نایل شود، باید حق را بشناسد و پس از شناخت عقلی، بدان دل ببندد. این دل بستگی همراه با شناخت، «ایمان» نام دارد. محصول ایمان «عمل صالح» است. انسان با قوه‌ی عقل، جهان پیرامون خود را می‌شناسد و درست را از نادرست و حق را از باطل متمایز می‌کند.

این پرسش همیشگی پیش روی صاحب‌نظران حوزه‌ی تربیت و به ویژه تربیت دینی وجود داشته است که: «مهم‌ترین رویکرد در آموزش دین و تربیت دینی کدام است؟»

با توجه به این که در هر زمان و دوره‌ای، تعلیم و تربیت انسان دارای اقتضات و شرایط خاصی است، دین باید بتواند پاسخ‌گوی نیازها و اقتضات زمانی انسان باشد.

**نظیم برنامه‌ای در چارچوب  
برنامه‌های نظری و عملی زندگی،  
متناسب با حضور در دنیای امروز، یکی  
از ضرورت‌های تربیت دینیه، قرار دادن  
راه عملی و برنامه‌ی زندگی پیش روی  
نسل امروز است**

توسط اندام بدن (مانند رکوع، سجده، طواف و...) اشاره دارد. اما حقیقت عبادت، عبارت از آن است که انسان خود را در برابر ربّ خویش، در مقام مملوکیّت و مربوبیت قرار دهد. پس حقیقت عبادت، عبودیت است. عبادت (انجام اعمال بدنی مذکور) نوعی نمایش رمزی است که راز آن عبودیت است و عبودیت به این معنی است که انسان خدا را رب و مالک و مدبر خویش بگیرد و غیر از او هر کسی را که داعیه‌ی تصاحب انسان را در سر دارد، با طرح و تدبیری که برای شکل دادن به انسان پیش روی می‌نهد، کنار بزند [باقری، ۱۳۷۰: ۶۴].

محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین (ع) در مباحث درسی بسیار مهم است. تنظیم برنامه‌ای در چارچوب برنامه‌های نظری و عملی زندگی، متناسب با حضور در دنیای امروز، یکی از ضرورت‌های تربیت دینی، قرار دادن راه عملی و برنامه‌ی زندگی پیش روی نسل امروز است؛ نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز زندگی مذهبی داشته باشد؛ زندگی عزتمندی که نه تنها در آن احساس حقارت و کمبود شخصیت نکند، بلکه با سربلندی حضور مؤثری در جامعه داشته باشد و به رضایت درونی برسد. این آموزش باید با زندگی دانش‌آموز عجین شود، با آن درآمیزد و از طریق نمونه‌های عینی و مصداق‌های ملموس، جنبه‌ی عملی و کاربردی تعلیم دینی در او تقویت شود.

به منظور استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لوامه، با پیروی از قرآن کریم، و با توجه به پاک بودن فطرت نوجوان و جوان، بخشی از آموزه‌های دینی باید در قالب‌هایی عرضه شود که وجدان را برانگیزد و نفس لوامه را به آن آموزه‌ها جلب کند؛ ایجاد توازن در پرورش روحیه‌ی تعبد و تعقل، به ویژه تعبد و تعلق قلبی. قرآن کریم نسبت انسان با خدا و دستورات الهی را در سه مرتبه طرح می‌کند:

**اول:** انجام تکلیف و اطاعت از خداوند براساس قبول رابطه‌ی بندگی.

**دوم:** اعتماد مطلق به خداوند و تسلیم در برابر خواست‌های او.

**سوم:** توجه به اوامر و نواهی خداوند و قبول آن‌ها براساس اعتقاد به مالکیت مطلق [اعتصامی، ۱۳۸۵: ۱۶].

**«در عالم هیچ موجودی به پایه‌ی انسان نمی‌رسد. انسان و ادراکاتش و قابلیتش برای تربیت، باید گفت**

پس از حیات و آزادی، استعداد تعلیم و تربیت‌پذیری، بزرگ‌ترین نعمت اعطایی به بشر است. تعلیم و تربیت گران‌بهاترین سرمایه‌ی هر جامعه‌ی آزاد به شمار می‌آید؛ خصوصاً جامعه‌ای که برای استعداد و توانمندی‌های فردی، صرف‌نظر از نژاد یا اصل و نسب، ارزش و اصالت قائل است.

بنابراین گزاف نیست اگر بهبود کیفیت نظام‌های تعلیم و تربیت را معادل ارتقای کیفیت حیات و تمدن انسانی در همه‌ی ابعاد قلمداد کنیم و از سرمایه‌گذاری در جهت دستیابی به سیاست‌ها، اصول و روش‌های مناسب در این عرصه، به عنوان ضروری‌ترین و مدبرانه‌ترین سیاست هر جامعه‌ی بشری، یاد شود.

از میان دروس، بهترین درسی که می‌تواند این شناخت را به دانش‌آموزان بدهد، درس «**دین و زندگی**» است که در سه دوره‌ی تحصیلی وجود دارد. بنابراین، کتاب‌های دینی باید طوری نوشته شوند که وقتی دانش‌آموزی از دبیرستان دانش‌آموخته شد، شناختی از دین اسلام و دستوراتش داشته باشد تا بتواند از آن برای بهتر زندگی کردن استفاده کند.

از مهم‌ترین مسائل بشر در تمامی ادوار تاریخ، مقوله‌ی تعلیم و تربیت و پرورش نسل نوجوانان و جوان برای ورود به اجتماع و جامعه‌پذیری آن‌ها بوده است. به این اعتبار می‌توان گفت که قدمت تعلیم و تربیت به قدمت بشریت است. دین اسلام که کامل‌ترین دین است، در مورد زندگی انسان‌ها دستوراتی دارد که اگر به آن‌ها عمل شود، زندگی سعادت‌مندانانه‌ی انسان تضمین می‌شود. این دستورات در کتاب قرآن و احادیث نقل شده‌اند. بهترین درسی که می‌تواند این مطالب را به دانش‌آموزان آموزش دهد، درس دینی و قرآن است.

پس مهم است که مطالب کتاب به گونه‌ای نوشته شود که دانش‌آموز بتواند از آن در جای‌جای زندگی‌اش استفاده کند؛ یعنی مؤلفان به اهداف رفتاری درس دینی و قرآن برسند. در دوره‌ی دبیرستان، این وظیفه به عهده‌ی درس دینی و قرآن است.

قرآن بیان می‌کند که هدف غایی از خلقت انسان «**عبادت**» است. تربیت انسان باید نیل به این غایت را میسر سازد. پس عبادت هدف غایی تربیت نیز هست.

عبادت چیست؟ ظاهر عبادت، به انجام پاره‌ای از اعمال





بهترین زمان برای تربیت و خودسازی، دوره‌ی کودکی و نوجوانی است، زیرا صفحه‌ی دل با زشتی‌ها و صفات ناپسند شکل نگرفته و چراغ فطرت در دلش خاموش نشده است

مولوی مثلی می‌آورد درباره‌ی این که هرچه انسان بزرگ‌تر می‌شود، صفات او قوی‌تر و ریشه‌دارتر می‌شود. می‌گوید: «مردی خاری را در معبر کاشت و مردم از این بوته‌ی خار در رنج بودند. او قول داد سال دیگر آن را بکند و سال دیگر نیز کار را به سال بعد موکول کرد و سال‌های بعد نیز به همین ترتیب گذشت. از یک طرف خار سال به سال ریشه‌دارتر می‌شد و از طرف دیگر خود او سال به سال ضعیف‌تر. پس میان رشد درخت و قوت او، نسبت معکوس برقرار بود. یعنی اصلاح نفس در جوانی آسان‌تر از پیری است.

### مشخصات کلی تحقیق و نتایج آن

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل ۱۵۷۵۶ نفر از دانش‌آموزان پایه‌ی سوم و ۶۰ نفر از دبیران پایه‌ی سوم دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه‌ی منطقه‌ی ۵ آموزش و پرورش شهر تهران، در سال ۱۳۸۸ بوده است. از مجموع دانش‌آموزان ۴۰۳ نفر و از مجموع دبیران ۵۳ نفر به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند و به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته استفاده شد و با اجرای آزمون t، بهره‌گیری از روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی و به کمک نرم‌افزار SPSS، داده‌ها تحلیل شدند. در این تحقیق برای رسیدن به نتیجه از دو پرسش‌نامه دانش‌آموزان و دبیران استفاده شد. نتایج چند سؤال آن که مربوط به درس قرآن می‌شود، بدین شرح است:

### دیدگاه دانش‌آموزان

۱. محتوای کتاب دینی و قرآن تا چه اندازه شما را به ارزش این درس در زندگی آگاه ساخته است؟  
۱۰/۷ درصد هیچ، ۱۴/۱ درصد خیلی کم، ۲۷/۵ درصد کم، ۳۷/۲ درصد زیاد، ۱۰/۴ درصد خیلی زیاد، آن‌ها را به ارزش این درس در زندگی آگاه ساخته است.  
۲. تا چه اندازه با خواندن درس دینی و قرآن، عمل به احکام برایتان جذاب‌تر شده است؟  
۱۷/۱ درصد هیچ، ۱۵/۴ درصد خیلی کم، ۳۵/۷ درصد کم، ۲۴/۶ درصد زیاد، ۷/۲ درصد خیلی زیاد، عمل به احکام را

غیرمتناهی است» [امام خمینی (ره)، صحیفه‌ی نور، ۱۳۷۵، جلد ۸: ۲۳۷].

دقت در انگیزه‌ی بعثت انبیا، همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، نشان می‌دهد که هدف غایی از تعلیم و تربیت انسان، به «فلاح» رسیدن اوست. اولین ندایی که از سوی پیامبر بزرگ اسلام (ص) پس از بعثت طنین‌افکن شد، همانا سرود آزادگی و رهایی انسان از همه‌ی وابستگی‌ها بود: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» که برای تزکیه‌ی وجود از همه‌ی وابستگی‌ها و تقرب به حق، باید در شخصیت اخلاقی دانش‌آموزان پایه‌گذاری شود. برای شکل‌گیری شخصیت اخلاقی دانش‌آموزان، باید تکالیفشان تا حد امکان با تمثیل، تذکر و یادآوری، داستان‌سرایی، دادن الگو و نمونه و... همراه باشد تا دانش‌آموز از تکالیف معمولی خودش و دیگران آگاه شود.

بهترین زمان برای تربیت و خودسازی، دوره‌ی کودکی و نوجوانی است، زیرا صفحه‌ی دل با زشتی‌ها و صفات ناپسند شکل نگرفته و چراغ فطرت در دلش خاموش نشده است. در این باره در نامه‌ی ۳۱، نهج‌البلاغه، امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) چنین می‌فرماید: «قلب نوجوان مانند زمین خالی است که هرچه در آن بیفشانی، آن را می‌پذیرد. پس، پیش از آن که قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول شود، به تعلیم و تربیت تو مبادرت کردم و همت خود را به تربیت تو گماشتم.»

عادت‌های ناپسند، در دوران کودکی و نوجوانی هنوز ریشه‌دار نشده‌اند و از این‌رو، مبارزه با آن‌ها آسان است و آنان باید از این امتیاز بزرگ به شایستگی بهره ببرند. امام خمینی (ره) بر ضرورت اصلاح در ایام جوانی تأکید می‌کردند و می‌فرمودند: «جهاد اکبر، جهادی است که انسان با نفس طاغوتی خودش انجام می‌دهد. شما جوان‌ها از حالا باید شروع کنید به این جهاد، نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود. هرچه قوای جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می‌شود و جهاد مشکل‌تر. جوان زود می‌تواند در این راه پیروز شود، پیر به این زودی نمی‌تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان از جوانی به پیری بیفتد» [امام خمینی (ره)، صحیفه‌ی نور، ۱۳۷۵، جلد ۶: ۲۸۶].



برایشان جذاب‌تر کرده است.

۳. تا چه اندازه آشنایی با خصوصیات یک انسان

مؤمن در این درس، ایمان شما را تقویت کرده است؟

۱۳/۴ درصد هیچ، ۸/۱ درصد خیلی کم، ۳۱/۰ درصد کم، ۲۸/۵ درصد زیاد، ۸/۹ درصد خیلی زیاد، آشنایی با یک انسان مؤمن ایمان آن‌ها را تقویت کرده است.

۴. آیا با خواندن درس دینی و قرآن، اشتیاق شما

برای این که پیرو واقعی برای امام زمان (عج) باشید، بیشتر شده است؟

۹/۷ درصد هیچ، ۹/۲ درصد خیلی کم، ۱۸/۴ درصد کم، ۳۶/۵ درصد زیاد، ۲۶/۳ درصد خیلی زیاد، اشتیاق آن‌ها را برای این که پیرو واقعی امام زمان (عج...) باشند، بیشتر کرده است.

۵. با خواندن این درس، آیا انگیزه‌ی شما برای

ادامه‌ی مطالعات دینی و مذهبی در ساعات فراغت بیشتر شده است؟

۳۱/۸ درصد هیچ، ۲۱/۳ درصد خیلی کم، ۲۴/۸ درصد کم، ۱۵/۱ درصد زیاد، ۶/۹ درصد خیلی زیاد، انگیزه‌ی آن‌ها را برای مطالعات دینی و مذهبی در ساعات فراغت بیشتر کرده است.

## دیدگاه دبیران

۱. به نظر شما، محتوای این کتاب تا چه اندازه

دانش‌آموزان را به ارزش این درس در زندگی آگاه کرده است؟

۱۵/۱ درصد هیچ، ۱۱/۳ درصد خیلی کم، ۴۷/۲ درصد کم، ۲۲/۶ درصد زیاد، ۳/۸ درصد خیلی زیاد، دانش‌آموزان را به ارزش این درس در زندگی آگاه ساخته است.

۲. تا چه اندازه درس دینی و قرآن توانسته است،

عمل به احکام را برای دانش‌آموز جذاب‌تر کند؟

۱۳/۲ درصد هیچ، ۲۶/۴ درصد خیلی کم، ۴۷/۲ درصد کم، ۹/۴ درصد زیاد، ۳/۸ درصد خیلی زیاد، توانسته است عمل به احکام را برای دانش‌آموزان جذاب‌تر کند.

۳. تا چه اندازه آیه‌های درس دینی و قرآن

دانش‌آموزان را با قرآن آشنا کرده است؟

۳/۸ درصد هیچ، ۷/۵ درصد خیلی کم، ۳۴/۰ درصد کم، ۴۹/۱ درصد زیاد، ۵/۷ درصد خیلی زیاد، باعث شده است دانش‌آموزان با قرآن آشنا شوند.

۴. تا چه میزان آشنایی با خصوصیات یک انسان

مؤمن توانسته است، ایمان را در دانش‌آموزان تقویت کند؟

۳/۸ درصد هیچ، ۳۴/۰ درصد خیلی کم، ۳۴/۰ درصد کم، ۲۴/۵ درصد زیاد، ۳/۸ درصد خیلی زیاد، باعث شده است که خصوصیات یک انسان مؤمن، ایمان را در دانش‌آموزان تقویت کند.

۵. آیا با خواندن درس دینی و قرآن اشتیاق

دانش‌آموزان برای این که پیرو واقعی امام زمان (عج) باشند، بیشتر شده است؟

۱۳/۲ درصد هیچ، ۱۸/۹ درصد خیلی کم، ۴۳/۴ درصد کم، ۲۰/۸ درصد زیاد، ۳/۸ درصد خیلی زیاد، اشتیاق دانش‌آموزان را برای این که پیرو واقعی امام زمان (ع) باشند، بیشتر کرده است.

۶. آیا با خواندن درس دینی و قرآن، انگیزه‌ی

دانش‌آموز برای مطالعه‌ی مطالب دینی و مذهبی در ساعات فراغت بیشتر شده است؟

**هرچه آموزش دینی و قرآن بهتر**

**انجام شود، مشکلات فردی،**

**خانوادگی و اجتماعی در جامعه**

**کمتر خواهد شد**



۲۲/۶ درصد هیچ، ۲۴/۵ درصد خیلی کم، ۵۴/۳ درصد کم، ۵/۷ درصد زیاد، ۱/۹ درصد خیلی زیاد، انگیزه‌ی دانش‌آموزان برای مطالعه‌ی مطالب دینی و مذهبی در ساعات فراغت بیشتر شده است.

این تحقیق شش فرضیه داشت که دو فرضیه‌ی آن مربوط به درس دینی و قرآن می‌شود و نتایج آن از دیدگاه دانش‌آموزان و دبیران بدین شرح است:

**۱. فرضیه‌ی اول: آموزش درس دینی و قرآن باعث متعهد شدن فرد به احکام مذهبی می‌شود (از دیدگاه دانش‌آموزان).**

با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اظهار داشت که نظر دانش‌آموزان از حد متوسط بالاتر است. **در نتیجه فرضیه‌ی فوق تأیید می‌شود.**

**۲. فرضیه‌ی دوم: آموزش درس دینی و قرآن باعث اقناع مذهبی فرد می‌شود (از دیدگاه دانش‌آموزان).**

با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اظهار داشت که نظر دانش‌آموزان از حد متوسط پایین‌تر است. **در نتیجه فرضیه‌ی فوق تأیید نمی‌شود.**

**۱. فرضیه‌ی اول: آموزش درس دینی و قرآن باعث متعهد شدن فرد به احکام مذهبی می‌شود (از دیدگاه دبیران).**

با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اظهار داشت که نظر دبیران از حد متوسط پایین‌تر است. **در نتیجه فرضیه‌ی فوق تأیید نمی‌شود.**

**۲. فرضیه‌ی دوم: آموزش درس دینی و قرآن باعث اقناع مذهبی فرد می‌شود (از دیدگاه دبیران).**

با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اظهار داشت که نظر دبیران از حد متوسط پایین‌تر است و **در نتیجه فرضیه‌ی فوق تأیید نمی‌شود.**

بین میانگین نظرات دانش‌آموزان و دبیران در میزان پای‌بندی عملی به مذهب تفاوت معناداری مشاهده شد. به نحوی که دانش‌آموزان نسبت به دبیران نظرات مثبت‌تری پیرامون این موضوع داشتند. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان نسبت به دبیران تأثیر بیشتری برای کتاب دینی و قرآن در این حیطة قائل بودند.

بین میانگین نظرات دانش‌آموزان و دبیران در میزان اقناع مذهبی تفاوت معناداری مشاهده نشد. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان و دبیران نظرات یکسانی پیرامون این موضوع داشتند که کتاب دینی و قرآن تأثیری در این حیطة نداشته است.

نکته‌ی جالب این‌جاست که دانش‌آموزان معتقدند با خواندن کتاب دینی و قرآن به احکام دینی متعهد شده‌اند، ولی دبیران چنین نظری ندارند و این نشان‌دهنده‌ی تفاوت طرز تفکر نوجوانان با بزرگسالان است.

از آن‌جا که مسئله‌ی دین و دین‌داری در جامعه بسیار مهم است، نتیجه‌ی این تحقیق برای مؤلفان کتاب‌های دینی و قرآن دوره‌ی دبیرستان بسیار مفید خواهد بود. زیرا هرچه آموزش دینی و قرآن بهتر انجام شود، مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی در جامعه کمتر خواهد شد.

#### منابع

۱. الهی قمشای، مهدی، قرآن کریم، انتشارات انمه، قم، ۱۳۸۰.
۲. امام خمینی، روح‌الله، صحیفه‌ی نور (ج ۶ و ۸)، ۱۳۷۰.
۳. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ فراهانی، ابوالفضل؛ سرمدی، محمدرضا. چگونه تحقیق کنیم؟ انتشارات پیام‌نور، تهران، ۱۳۸۵.
۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۵. برزینکا، ولگانگ، نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، مهر آفاق مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳.
۶. بست، جان، روش‌های تحقیق در علوم تربیتی، ترجمه‌ی حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۶۹.
۷. حجتی، سعید محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۵۸.
۸. راهنمای آموزشی و پژوهشی دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی (۱۳۷۶)، دانشگاه اصفهان.
۹. رحال‌زاده، رضا، طراحی آموزشی، انتشارات آژنگ، تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. شبکه‌های مدارس ایران [www.roshd.ir](http://www.roshd.ir).
۱۱. شپاره، تب، «تعلیم و تربیت و دین»، ترجمه‌ی احمد آرام، ماهنامه‌ی آموزش‌وپرورش، شماره‌ی ۸، ۱۳۴۹.
۱۲. شریعتی، علی، انسان بی‌خود، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۱.
۱۳. ———، کوپر، چاپ‌خانه‌ی طوس، مشهد، ۱۳۴۹.
۱۴. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
۱۵. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۳.
۱۶. صبح خیر، نصاری و سلیمی، پرویز، راهنمای بین‌المللی نظام‌های آموزشی، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، تهران، ۱۳۶۱.
۱۷. صبوچی، فرحناز، «بررسی عوامل مؤثر در بی‌انضباطی دانش‌آموزان مدارس متوسطه دخترانه شهر تهران»، دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۱۸. علی‌ابن‌ابیطالب (۱۳۸۲)، نهج‌البلاغه، ترجمه‌ی علی اصغر فقیهی، انتشارات مشرقین، تهران.
۱۹. فریزه، پائولو، فرهنگ سکوت، ترجمه‌ی علی شریعتمداری، انتشارات آشنا، تهران.
۲۰. فرخجسته، هوشنگ، اخلاق نظری، اخلاق عملی و جامعه‌ی سالم، ۱۳۷۳.
۲۱. قریشی، سعیده‌السادات، بررسی تناسب محتوا با اهداف درس دین و زندگی ۱، قزوین، ۱۳۸۵.
۲۲. کلاتری، منیژه، بررسی علل غیبت دختران دانش‌آموز در دوره‌ی دوم دبیرستان، دانشکده‌ی علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۲۳. مهرمحمدی، محمود، بررسی ارتباط میان تربیت فرهنگی و یادگیری، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹.
۲۴. میرعارفین، فاطمه‌السادات، ارزش‌یابی کتب درسی دین و زندگی ۳، از دیدگاه صاحب‌نظران و دبیران درس دینی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۸۴.
۲۵. همدانی‌زاده، جواد، آموزش تدریس ریاضیات دبیرستانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸.



آیت الله جوادی آملی

## تا حوزه و دانشگاه قرآن نشوند و در خدمت قرآن قرار نگیرند جامعه قرآن نمی شود

مؤمن را نمی لرزاند به خاطر آن است که یک قول ثقیلی - قرآن - همراه مؤمن است و مؤمن به واسطه‌ی معیت با قرآن وزنه‌ی و زینی پیدا کرده و آدم وزین و محترمی شده است. کسی را محترم می گویند که دارای حرم باشد و کسی دارای حرم و حریم است که قول ثقیل - قرآن - را به همراه داشته باشد.

مفسر عالی قدر قرآن با اشاره به آیات لو انزلنا هذا القرآن علی جبل [حشر / ۲۱] و انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین این یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان [الاحزاب، ۷۲] بیان داشتند، طبق این آیات، مهم ترین و برجسته ترین امانت الهی، همین قرآن کریم است که خداوند می فرماید: ما این قرآن را به آسمان ها و زمین عرضه کردیم و آن ها از پذیرفتن آن عذرخواهی کردند و ترسیدند که زیر بار این امانت سنگین تاب نیاورند و له شوند. اما همین امانت وزین که آسمان ها و زمین نتوانستند تحمل کنند، به انسان عرضه شد. حضرت امیر مؤمنان علی (ع) که در جنگ جمل پرچم را به دست پسرش ابن حنفیه داد، فرمود: «تزول الجبال و لاتزل عض علی ناجذک

تا حوزه قرآنی نشود، دانشگاه قرآنی نخواهد شد و تا حوزه و دانشگاه قرآنی نشوند و در خدمت قرآن قرار نگیرند، جامعه قرآنی نمی شود.

علامه جوادی آملی با تأکید بر ضرورت عمل به آیات قرآنی در راستای عزت مند شدن در برابر بیگانگان متذکر شد: «قرآن کریم به ما آیین زندگی آموخت و فرمود در صحنه های جنگ با کفار و منافقان جهاد کنید و آن قدر محکم و ستبر باشید که هیچ کشوری در شما طمع نکند.» فرمود: «شما مسلمانان باید مصداق روشن «وليجدوا فيکم غلظه» [توبه / ۱۲۳] باشید و این آیه بیانگر آن است که شما باید خودتان مثل دماوند و سلسله جبال البرز محکم باشید که آن ها در شما بستری را احساس کنند و اصلاً به سراغ شما نیایند و در خاکتان، خونتان، شرفتان، اقتصادتان و حیثیتتان طمع نکنند. قرآن کتابی فطرت پذیر و دل پذیر است و چیزی که فطرت پذیر باشد، تحمیلی نیست: «انا سنلقى علیک قولاً ثقیلاً» [مزل / ۵]: ما باید قرآن را هم بفهمیم و هم بفهمانیم.

قول ثقیل و زین و بنیان مرصوص است، هیچ چیزی



## قرآن کریم به ما آیین زندگی آموخت و فرمود در صحنه‌های جنگ با کفار و منافقان جهاد کنید و آن قدر محکم و ستبر باشید که هیچ کشوری در شما طمع نکند

که پروردگارا، تو آن توفیق را دادی که ما کتابی را فرا بگیریم و تلاوت کنیم که مهیمن بر کتاب‌های دیگر است. اگر امتی به اندازه‌ی کتاب آسمانی خود ترقی می‌کند، امت اسلامی هم باید و لابد طوری ترقی کند که مهیمن بر امم دیگر باشد. زبان مشترک انسان‌های کره‌ی زمین محتوای قرآن است نه ادبیات قرآن و زبان مشترک ما مسلمانان عالم، هم محتوای قرآن و هم ادبیات قرآن کریم است. وقتی ما می‌توانیم داعیه‌ی وحدت اسلامی و وحدت جهان شمولی داشته باشیم که در خدمت قرآن کریم باشیم. اگر قرآن ما را به این اتحادها دعوت می‌کند، راه‌های برقراری آن را هم به ما نشان داده است. یعنی ما را به وحدت محلی دعوت می‌کند که در داخل حوزه‌ی خودمان با هم اختلاف نکنیم. ما را به وحدت منطقه‌ای فرامی‌خواند که با موحدان عالم، اهل کتاب، یهودی‌ها و مسیحی‌ها، وحدت منطقه‌ای داشته باشیم و ما را دعوت می‌کنند با انسان‌ها وحدت بین‌المللی داشته باشیم. این روابط را باید در سایه قرآن کریم تنظیم کنیم و غیرقرآن این سه وحدت را تأمین نخواهد کرد.

[نهج‌البلاغه / ۵۵، کلمات ۱۱]: کوه ممکن است متلاشی بشود، ولی تو آرام باش. این زلزله‌ها و حوادث روزگار ممکن است کوه‌ها را متلاشی کند، اما مؤمن را نمی‌تواند متلاشی کند، چون انسان مؤمن چیزی دارد که آسمان‌ها و زمین از حمل آن عاجزند.

استاد عالی‌قدر، فهم و عمل به آموزه‌های قرآن کریم را باعث هراس بیگانگان از امت اسلامی دانست و گفت: قرآن کریم، هم کتاب‌های انبیای گذشته را تصدیق می‌کند، یعنی «و مصدقا لما بین یدیہ» [بقره / ۹۷] است، هم بر ما هیمنه، سیطره، سلطنت و ولایت دارد و هم مهیمننا علیه [مائده / ۴۸] است. امت قرآنی، امتی است که بتواند مهیمن بر امم دیگر باشد. زیرا کتاب ما قرآن، مهیمن کتاب‌های دیگر انبیاست و هر امتی به اندازه‌ی کتاب آسمانی‌اش رشد می‌کند. ما هم باید برای هیمنه‌ی قرآنی، هیمنه داشته باشیم.

معظم له افزودند: «امام سجاد (ع) در یکی از دعا‌های نورانی ختم قرآن به خداوند متعال عرض می‌کند

# مهارت تدریس

کوروش حیدری



آشنایی با روش‌ها و مهارت‌های نوین تدریس، از اصلی‌ترین شرط‌های موفقیت هر دبیری است. زیرا تدریس موفق، بر پایه‌ی روش گذاشته شده و روش چیزی نیست جز کسب مهارت حرفه‌ای و استفاده از تجربه‌های پژوهش‌های علمی تأیید شده. این مقاله می‌کوشد شما را با مهارت تدریس جمعی آشنا سازد. امیدواریم بتواند به خوبی از این امر برآید.

**کلیدواژه‌ها:** مهارت تدریس، یادگیری، واحد درسی، فعالیت، یادگیری مشارکتی.



## یادگیری جمعی (گروهی)

اگر شاگردان فعالانه در درس مشارکت داشته باشند، بهترین یادگیری را خواهند داشت. بنا به گزارش محققان، فعالیت شاگردان در گروه‌های کوچک، صرف‌نظر از موضوع درسی، سبب می‌شود آن‌چه را که آموخته‌اند، بهتر یاد بگیرند و مدت طولانی‌تری به یاد داشته باشند.

شاگردانی که به‌صورت گروهی تشریح مساعی می‌کنند، از کلاس‌های خود رضایت بیشتری دارند. به روش تدریس گروهی اسامی متفاوتی داده شده است. برای مثال، یادگیری جمعی، یادگیری مشارکتی، انجمن‌های یادگیری، یادگیری متقابل، یادگیری تیمی، دایره‌های مطالعاتی، گروه‌های مطالعاتی و گروه‌های کاری. به‌طور کلی سه نوع گروه کاری وجود دارد: گروه‌های یادگیری غیر رسمی؛ گروه‌های یادگیری رسمی؛ تیم‌های مطالعاتی.

**۱. گروه‌های یادگیری غیر رسمی:** به گروهی ویژه و موقت از شاگردان در یک جلسه درسی گویند. برای مثال، این گروه را می‌توان به این شکل تشکیل داد. ابتدا از شاگردان بخواهید به سمت فرد کناری خود رو کنند و در مورد سؤالی که شما پرسیده‌اید، دو دقیقه بحث کنند. می‌توانید این گروه‌های کوچک را برای پی بردن به این‌که آیا آن‌ها متوجه درس شده‌اند یا نه، یا برای این‌که فرصتی بدهید تا آن‌چه را که آموخته‌اند به کار گیرند و یا برای این‌که کلاس از یکنواختی درآید، به هر تعدادی در هر زمان، از جلسه درس تشکیل دهید.

**۲. گروه‌های یادگیری رسمی:** به

## شاگردانی که به‌صورت گروهی تشریح مساعی می‌کنند، از کلاس‌های خود رضایت بیشتری دارند

در کلاس‌های خود گروه‌های کاری نداشته‌اید، می‌توانید ابتدا با تشکیل گروه‌های یادگیری غیر رسمی، کار را شروع کنید تا تجربه به‌دست آورید. مانند تشویق به مشارکت دانش‌آموزان، توصیف روش‌های متنوع و آسان برای تشکیل گروه‌های یادگیری غیر رسمی در واحدهای درسی.

## راهکارهای کله

● برای هر مرحله از کار گروهی برنامه‌ریزی کنید. هنگامی که مشغول تهیه‌ی برنامه‌ی درسی خود هستید، فکر کنید که چه موضوعات، مطالب کلیدی، یا پروژه‌هایی را می‌توانید در قالب کار گروهی رسمی جای دهید. فکر کنید، چگونه افراد کلاس را گروه‌بندی خواهید کرد. چگونه به آن‌ها کمک می‌کنید تا با هم تبادل فکر داشته باشند، چه‌طور به آن‌ها بازتاب درسی می‌دهید و بالاخره چه‌طور نتیجه‌ی کار گروهی را ارزیابی خواهید کرد.

به شاگردان کلاس به‌طور دقیق توضیح دهید که چه‌طور گروه‌ها عمل خواهند کرد و به چه نحو به دانش‌آموزان نمره خواهید داد. هنگام تعیین هر تکلیفی، اهداف و وظایف گروه را توضیح دهید و مفاهیم مربوطه را تعریف کنید. علاوه بر تعریف وظیفه‌ی کاری، لازم است هر گروه روشی را برای شروع برگزیند؛ روشی برای اطلاع از چگونگی انجام کار و راهنمایی برای مشارکت اعضا. هم‌چنین توضیح دهید که چگونه به کار آن‌ها نمره داده خواهد شد. به خاطر داشته باشید، کار گروهی هنگامی موفقیت‌آمیز خواهد بود که با استاندارد مشخصی به کار اعضا نمره داده شود.

گروه‌هایی اطلاق می‌شود که برای انجام نوعی فعالیت خاص تشکیل می‌شوند؛ مثلاً انجام آزمایش در آزمایشگاه، نوشتن گزارش و انجام یک پروژه. این گروه‌ها می‌توانند کار خود را در یک جلسه‌ی کلاسی و یا در طول چند هفته انجام دهند. به‌طور کلی، دانش‌آموزان با هم کار می‌کنند تا کار به پایان برسد و به نتیجه‌ی کار آن‌ها نمره داده می‌شود.

**۳. تیم‌های مطالعاتی:** گروه‌هایی هستند که برای بلند مدت تشکیل می‌شوند (معمولاً در کل واحد درسی و در طول ترم). اعضای آن‌ها ثابت‌اند و اولین مسئولیت آن‌ها پشتیبانی، تشویق و کمک به افراد داخل گروه برای اجرای تکالیف است.

چنان‌چه فردی در یکی از جلسات غیبت داشت، او را از درس و تکالیف مربوطه مطلع می‌سازند. هر قدر کلاس شلوغ‌تر و موضوع درسی پیچیده‌تر باشد، این گروه‌های مطالعاتی با ارزش‌تر خواهند بود.

راهکارهای زیر به شما کمک می‌کنند تا گروه‌های رسمی و تیم‌های مطالعاتی تشکیل دهید و اگر تا به حال

● به دانش‌آموزان مهارت‌های لازم را برای موفقیت در گروه‌ها بدهید. بسیاری از شاگردان هیچ‌گاه به‌صورت گروهی کار نکرده‌اند و ممکن است به روش‌هایی برای کسب مهارت‌هایی نظیر تفکر و شکیبایی در شنیدن، کمک به یکدیگر در فهم مطالب، انتقادات سازنده و کنترل مخالفت‌ها، نیاز داشته باشند. این مهارت‌ها را با شاگردان خود در میان بگذارید و در کلاس آن‌ها را تقویت کنید.

به قراردادهای کتبی توجه کنید. بعضی از معلمان یک سلسله قراردادهای کتبی به شاگردان می‌دهند که وظایف اعضا در گروه‌ها و مهلت زمانی انجام وظیفه در آن‌ها فهرست شده است.

### طراحی کار گروهی

● وظایف گروهی تعیین کنید که به وابستگی متقابل نیاز داشته باشد. تمام افراد یک گروه باید دریابند که آن‌ها با هم یا غرق می‌شوند یا نجات پیدا می‌کنند و هر فرد نسبت به دیگران، هم مسئولیت دارد و هم وابسته است و موفقیت یک نفر بدون موفقیت گروه میسر نخواهد بود. اطلاع از این که دیگران به شما متکی هستند، می‌تواند نوعی محرک قوی برای کار گروهی باشد.

راهکارهای ارتقای وابستگی متقابل شامل این موارد می‌شود، مشخص کردن تشویق‌های مشترک برای گروه، تشویق دانش‌آموزان برای تقسیم کار و تنظیم وظایفی که شاگردان را برای رسیدن به تفاهم و توافق عمومی وا می‌دارد.

● کارهای گروهی را با هم مرتبط کنید. لازم است وظایف و فعالیت‌های گروهی

### میان گروه‌ها رقابت

#### ایجاد کنید. با

#### تمهیداتی نظیر

#### تشویق، انتخاب

### بهتری و کارآمدترین

### پیشنهادات در مسائل

#### واگذار شده و... این

#### کار را انجام دهید

تعیین شده برای شاگردان، مکمل اهداف واحد درسی باشند، نه صرفاً نوعی سرگرمی کاری، بعضی از معلمان معتقدند، گروه‌ها هنگامی به بهترین موفقیت کاری دست پیدا می‌کنند که کار گروه‌ها در نتایج به‌دست آمده، بحث، قضاوت و بررسی شود.

تکالیفی را در نظر بگیرید که با توانایی‌ها و مهارت‌های شاگردان متناسب باشند. در اوایل سال، وظایف درسی نسبتاً آسان را در نظر بگیرید. همان‌طور که سطح دانش شاگردان بیشتر می‌شود، شما نیز فعالیت‌های درسی را به تدریج سخت‌تر کنید.

فعالیت‌هایی گروهی در نظر بگیرید که نوعی تقسیم کاری عادلانه به‌وجود آورد.

سعی کنید فعالیت‌های کاری را به نحوی سازمان‌دهی کنید که هر عضو گروه بتواند به‌طور مساوی در آن سهم داشته باشد.

● میان گروه‌ها رقابت ایجاد کنید. با تمهیداتی نظیر تشویق، انتخاب بهتری و کارآمدترین پیشنهادات در مسائل واگذار

شده و... این کار را انجام دهید.

● از گروه امتحان بگیرید. در تست گروهی (به‌صورت امتحان داخل کلاسی و با تکلیفی که با خود به منزل می‌برند)، هر دانش‌آموزی همان نمره‌ی گروه را دریافت می‌کند. یکی از دبیرانی که از این امتحانات استفاده کرده است، بیان می‌کند، نمرات گروه‌ها به مراتب بالاتر از نمرات انفرادی می‌شود و شاگردان از امتحانات جمعی لذت می‌برند معلمانی که از این شیوه بهره می‌برند، راه‌های زیر را برای امتحانات کلاسی توصیه کنند:

● با شروع ترم، کار گروهی بدهید تا شاگردان مهارت‌های خود را برای کار گروهی ارتقا بخشند.

از تست‌های چند گزینه‌ای شامل سؤالات سطح بالا استفاده کنید. برای امتحانات کلاسی، حدود ۲۵ سؤال به مدت پنجاه دقیقه در نظر بگیرید. زمانی را هم به بحث و گفت‌وگو اختصاص دهید.

دانش‌آموزان را به گروه‌های پنج نفری تقسیم کنید. از دانش‌آموزان بخواهید ابتدا به سؤالات شما مشخصاً پاسخ دهند و جواب‌های خود را تحویل دهند. بعد با گروه مشورت کنند. سپس از گروه‌ها بخواهید در مورد پاسخ هر سؤال به یک توافق عمومی برسند. به پاسخ‌های انفرادی و گروهی نمره دهید

و یک نمودار تهیه کنید که نشانگر متوسط نمره‌ی انفرادی اعضای هر گروه، بالاترین نمره‌ی انفرادی در هر گروه و نمره‌ای باشد که گروه به اتفاق هم به‌دست آورده‌اند. در ۹۵ درصد از مواقع، نمرات توافقی گروه، بالاتر از متوسط نمرات انفرادی است.





(حروف مقطعه چه معنایی دارند و چرا در ابتدای بعضی از سوره‌ها آمده‌اند؟)  
حروف مقطعه حروفی هستند که در زمان قرائت، جدا از هم خوانده می‌شوند. این حروف در آغاز ۲۹ سوره از قرآن قرار گرفته‌اند. جالب است که این حروف دقیقاً شامل نیمی از حروف الفبای زبان عربی (۱۴ حرف از ۲۸ حرف) هستند و از هر دسته از حروف دارای صفات مشترک، نیمی از آن‌ها در این حروف موجود است. درباره‌ی راز و رمز این حروف نظرات متفاوتی وجود دارد. به جز قرآن، هیچ کتاب آسمانی دارای حروف مقطعه نیست. حروف مقطعه همیشه جزو کلمات اسرارآمیز قرآن بوده‌اند و بحث درباره‌ی معنای آن‌ها، از مباحث پیچیده محسوب می‌شده است.  
**مرحوم طبرسی** در مجمع‌البیان، در ابتدای سوره‌ی بقره، به ۱۱ مورد از این نظرات اشاره کرده و **علامه طباطبائی**، صاحب‌المیزان، در ابتدای سوره‌ی شوری، ضمن نقل موارد مجمع‌البیان، توضیحات تکمیلی نیز ارائه کرده است. به برخی از نظرات مهم اشاره می‌شود:

## اسرار حروف مقطعه

۱. این حروف از اسرار الهی و از اسرار بین خدا و پیامبر اکرم هستند و کسی به معنای آن‌ها آگاه نیست.
۲. اشاره است به اسم و صفات پروردگار.
۳. اشاره به این است که این کتاب آسمانی، با آن عظمت و اهمیتی که تمام سخنوران عرب و غیرعرب را متحیر ساخته و دانشمندان را از معارضه با آن عاجز کرده است، از جنس همین حروفی بوده که در اختیار همه است، همان حروفی که در مکالمات روزمره‌ی خود به کار می‌برند.
۴. در ۲۴ مورد از سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع شده‌اند، بلافاصله پس از این حروف، از قرآن و عظمت و اعجاز آن سخن به میان آمده است. این امر می‌تواند اشاره ای باشد که این حروف با اعجاز قرآن مرتبط است.
۵. ممکن است یکی از کارکردهای این حروف، جلب توجه شنوندگان و دعوت آن‌ها به سکوت و استماع بوده باشد.
۶. بیشتر سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع می‌شوند، در مکه نازل شده‌اند؛ چون در آن‌جا مسلمانان در اقلیت بودند و مخالفان لجوج و سرسخت حاضر نبودند به سخنان پیامبر گوش دهند. تا ببینند چه می‌گویند و سعی می‌کردند در زمان سخن گفتن ایشان شلوغ کنند. چه بسا استفاده از این حروف به نوعی در صدد جلب توجه آنها بوده است.
۷. آیه‌ی ۲۶ فصلت، به برانگیخته شدن حس کنجکاو شنوندگان اشاره می‌کند.
۸. مرحوم علامه طباطبائی معتقد است: سوره‌هایی که حروف مقطعه‌ی سرآغاز آن‌ها یکسان است، از نظر مضمون به یکدیگر شباهت دارند و این مضمون‌ها در سایر سوره‌ها دیده نمی‌شوند.



## معارف قرآن

### اشاره

هدف از این مقاله، بحث و بررسی آیاتی است که در آن‌ها بر تزکیه و تعلیم اشاره شده تا معلوم شود، خداوند کجا تزکیه را بر تعلیم مقدم داشته و در کجا تعلیم را بر تزکیه تقدم بخشیده است. سپس نظرات مفسران درباره آیات می‌آید. نخست آیاتی که در قرآن کریم در مورد تزکیه و تعلیم آمده‌اند:

۱. «ربنا وابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب والحکمه و یتزکیهم انک انت العزیز الحکیم» [بقره/۱۲۹].

«پروردگارا، میان آن‌ها پیغمبری از خودشان مبعوث فرما تا آیات تو را برایشان بخواند و کتاب (آسمانی) و حکمت به آن‌ها بیاموزد و ایشان را پاکیزه کند که تو عزیز و حکیمی» [المیزان، ج ۱: ۳۸۸].

۲. «کما ارسلنا فیکم رسولا منکم

یتلوا علیکم آیاتنا و یتزکیکم و

یعلمکم الکتاب والحکمه و

یعلمکم مالم تکنوا تعلمون»

[بقره/۱۵۱].

«هم‌چنان که رسولی

از شما به میان شما

فرستادم تا آیات ما را

بر شما بخواند و شما را

### چکیده

آیاتی که در قرآن کریم در مورد تزکیه و تعلیم آمده‌اند، عبارت‌اند از:

الف) آیه ۱۲۹ سوره بقره؛ ب) آیه ۱۵۱ سوره بقره؛ ج) آیه ۱۶۴ سوره آل عمران؛ د) آیه ۲ سوره جمعه.

هدف کلی این آیات، تعیین برنامه‌ی اصلی پیامبران الهی و پیامبر اسلام است که سه مورد هستند: ۱. تلاوت آیات خدا بر مردم؛ ۲. تزکیه و تربیت؛ ۳. تعلیم کتاب و حکمت در سه مورد از این آیات، تزکیه بر تعلیم مقدم است و در یک مورد، تعلیم بر تزکیه مقدم شده است. با بررسی نظرات مفسران در مورد تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم چنین به دست می‌آید که طبعاً تعلیم بر تربیت مقدم است، ولی تقدم تزکیه بر تعلیم از دیدگاه مکتب اسلام، نوعی تقدم زمانی نیست، بلکه تقدم رتبی است و نیز بدان معنا نیست که ابتدا باید به تزکیه پرداخت و پس از فراغت از آن به تعلیم همت گماشت، بلکه تزکیه و تعلیم هم‌پای هم پیش می‌روند و تزکیه پایان‌پذیر نیست که پس از طی مراحل آن بتوان به تعلیم آغاز گردانید. هم‌چنین، تزکیه و شیوه‌ی آن را نیز باید تعلیم گرفت و آموخت و به کار بست.

### کلید واژه‌ها:

تزکیه، تعلیم، تربیت، تلاوت، تقدم، تأخر، تفسیر.

# تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم در قرآن

با استناد به منابع تفسیری

تحقیق و پژوهش: جلیل جلیل اوغلی  
گروه درسی دینی و قرآن شهرستان شبستر  
و دبیر دینی و قرآن مدارس بندر شرفخانه



الهی را بیاموزد، با آن که بیش از هم در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند» [ترجمه‌ی میزان، ج ۱۹: ۵۲۹].

هدف کلی این آیات الهی برنامه‌ی اصلی پیامبر اسلام را که برنامه‌ی همه‌ی پیامبران الهی است، بیان کند.

و می‌فرماید، از جمله نعمت‌هایی که به شما دادیم، یکی این است که پیامبری از جنس خودتان به سویتان فرستادیم تا شما را هدایت کند (این که پیامبر نیز مثل خود ما انسان است و نیازهای طبیعی او مانند نیازهای طبیعی ماست، نکته‌ی مهمی است). پیامبری که بشر است و از جنس خود ماست، وقتی دستورات و احکام الهی را اجرا می‌کند، در حقیقت به ما می‌فهماند که آن احکام برای بشر قابل اجراست. چنین پیامبری می‌تواند در اطاعت از خداوند، الگوی مردم شود.

این آیات، برنامه‌ی اصلی پیامبران الهی و پیامبر اسلام را در سه بخش مهم بیان می‌کند:

الف) تلاوت آیات خدا بر مردم (آشنا ساختن گوش‌ها و سامعه‌ها با حقایق جدید)

ب) تزکیه و تربیت (هدف اصلی)

ج) تعلیم (آماده شدن افراد برای پذیرش تعلیمات جدی)

### الف) تلاوت آیات

اولین وظیفه‌ی پیامبر، رساندن پیام الهی به مردم است که از طریق وحی الهی در اختیارش قرار می‌گیرد. تلاوت آیات

پاکیزه کند و کتاب و حکمت به شما بیاموزد و چیزهایی را که نمی‌دانستید، به شما یاد دهد» [المیزان، ج ۱: ۴۴۱].

۳. «لقد من الله علی المومنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» [آل عمران/۱۶۴].

«خدا بر مؤمنان منت گذارد، آن‌گاه رسولی از جنس خودشان برانگیخت تا آیات خدا را بر آنان فرو خواند و پاکیزه‌شان گرداند و کتاب و حکمت را تعلیمشان دهد. در حالی که قبل از آن در گمراهی آشکاری بودند.» [ترجمه‌ی میزان، ج ۴: ۹۷].

۴. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم

آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» [جمعه/۲].

«اوست خدایی که میان عرب امی

(یعنی قومی که خواندن و نوشتن

هم نمی‌دانستند) پیغمبری

بزرگوار از همان مردم

برانگیخت تا بر آنان آیات

وحی خدا تلاوت کند و

آن‌ها را از لوث جهل

و اخلاق زشت پاک

سازد و شریعت کتاب

سماوی و حکمت

واژه‌ی تزکیه از ماده‌ی «زکی» و به معنای افزایش و نمو است و در اصطلاح به معنای تهذیب استعمال می‌شود که ما در فارسی آن را پرورش یا تربیت می‌گوییم

اما واژه‌ی تزکیه در قرآن فقط در مورد نفس و روح و جنبه‌های معنوی انسان به کار رفته است و واژه‌ی تربیت در مورد جنبه‌های جسمانی انسان. طبق این آیات کریمه:

«قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» [شمس/۹ و ۸].

«آن که خویشتن را تزکیه کند، رستگار است و آن که خویشتن را در معاصی غوطه‌ور کند، نومید و مأیوس است.»  
«قد افلح من تزکی» [اعلی/۱۴]: به تحقیق رستگار شد کسی که تزکیه کرد.»

به طوری که ملاحظه می‌شود در آیات گفته شده، تزکیه متوجه ابعاد روحی و معنوی انسان و نیز هدف‌های عالی و اغراض ارزشمند اخلاقی و اجتماعی است. اما در آیه‌ی زیر، در داستان موسی(ع) و فرعون، بیان می‌کند که تربیت در مورد جنبه‌های جسمانی انسان است که فرعون به موسی می‌گوید:  
«الم نربک فینا ولیداً و لبثت فینا من عمرک سنین» [شعر/۱۸].

«آیا در دوران کودکی، تو را میان جمع خود تربیت نکردیم و سال‌هایی از عمر خود را میان ما نگذرانیدی»  
ملاحظه می‌شود که تربیت موسی به وسیله‌ی فرعون، هرگز پرورش عواطف و ایمان و جنبه‌های انسانی و معنوی موسی نبوده است، بلکه موسی را که کودک شیرخواری بوده است، با فراهم کردن امکانات مادی، از نظر جسمانی رشد و نمو داده است.

### ج) تعلیم کتاب و حکمت

«تعلیم یعنی بیاموختن، آموزانیدن،

آگاه کردن، آموختن، تربیت و

تأدیب» [لغت‌نامه‌ی دهخدا]

و مقصود از تعلیم، کتاب

«قرآن» است که وحی و

پیام الهی است و تعلیم

بخشی از تربیت

است و چیزی جز

تربیت بعد فکری

انسان نیست و هر

تربیتی مستلزم

تعلیم است تا

مربی در تربیت

مترتی او را به

حقایق واقف گرداند

در حقیقت هشدار و بیدارباشی است که از طرف پیامبر داده می‌شود تا انسان‌ها را از خواب غفلت بیدار کند و به آن‌ها هشدار دهد که ای انسان، تو بیهوده آفریده نشده‌ای. شتابان به سوی خداوند در حرکتی و روزی او را ملاقات خواهی کرد.

تلاوت، شیوه‌ی طرح مکتب توحید در جامعه است تا همگان را برانگیزد و در آن‌ها ایجاد حساسیت کند تا برای فهم پیام انبیا و جذب مفاهیم توحیدی آماده شوند و آنان که فطرتشان غبار شرک نگرفته و پوشیده نشده است، پذیرای پیام حق شوند و از حق برهند.

**امام خمینی** (قدس سره) در کتاب جهاد اکبر در این مورد می‌نویسد: «تا کی می‌خواهید در خواب غفلت به سر برید و در فساد و تباهی غوطه‌ور باشید. از خدا بترسید، از عواقب امور بپرهیزید. از خواب غفلت بیدار شوید. شما هنوز بیدار نشده‌اید. هنوز قدم اول را برنداشته‌اید. قدم اول در سلوک، «بقظه» است. ولی شما در خواب به سر می‌برید. چشم‌ها باز و دل‌ها در خواب فرو رفته است. اگر دل‌ها خواب‌آلود و قلب‌ها بر اثر گناه سیاه و زنگ‌زده نمی‌بود، این‌طور آسوده‌خاطر و بی‌تفاوت به اعمال و اقوال نادرست ادامه نمی‌دادید. اگر قدری به امور اخروی و عقبات هولناک آن فکر می‌کردید، به تکالیف و مسئولیت‌های سنگینی که بر دوش شماست، بیشتر اهمیت می‌دادید.» [جهاد اکبر].

ولی می‌بینیم که امام (ره) براساس شیوه‌ی دعوت انبیا، اولین مرحله را «بقظه» یعنی «بیداری» می‌داند.

اما خواندن آیات و آشنا ساختن مردم با پیام الهی و نشانه‌های او در آفاق و انفس (عالم برون و عالم درون)، مقدمه دو برنامه‌ی مهم بعدی یعنی تزکیه و تعلیم است.

### ب) تزکیه و تربیت

واژه‌ی تزکیه از ماده‌ی «زکی» و به معنی افزایش و نمو است و در اصطلاح به معنی تهذیب استعمال می‌شود که ما در فارسی آن را پرورش یا تربیت می‌گوییم. همان‌طور که باغبان آگاه و دلسوز، با رسیدگی به گل‌ها و درختان آن‌ها را رشد می‌دهد و به بار می‌آورد و شاخ و برگ‌ها و علف‌های هرز را می‌چیند تا شاخه‌های اصلی رشد را پیدا کند، پیامبر هم ما را به رفتارهای صحیح راهنمایی می‌کند، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان می‌کند و از زشتکاری باز می‌دارد تا پرورش و رشد و تربیت پیدا کنیم و در انسانیت خود به کمال برسیم، یعنی تزکیه شویم.

پس باید قلب را آماده‌ی پذیرش دعوت حق کرد تا بتواند پرتو حق را در خود گیرد و از همه‌ی هواهای نفسانی بگریزد.

**تفسیر کاشف در مورد حکمت چنین می‌نویسد:**  
«مراد از حکمت عبارت است از رسیدن به حق به وسیله‌ی علم و عقل»



و وی با آگاهی بر آن‌ها و عمل بر طبق موازین آموخته شده، به رشد و پرورش ابعاد روحی و معنوی خود بپردازد. بنابراین، شرط لازم تربیت تعلیم است.

و مقصود از حکمت عبارت است از معرفت حقایق موجودات چنان که هستند. «حکمت از صفات خداوند است و منظور از حکیم بودن او این است که نظام آفرینش نظام احسن و اصلح یعنی نیکوترین نظام ممکن است و لازمه‌ی حکمت و عنایت حق این است که جهان هستی غایت و معنی داشته باشد». و تفسیر کاشف در مورد حکمت چنین می‌نویسد:

«مراد از حکمت عبارت است از رسیدن به حق به وسیله‌ی علم و عقل. بنابراین، حکمت در مورد خدای تعالی معرفت و شناخت اشیا و ایجاد آن در نهایت استحکام، و در مورد انسان، معرفت و شناخت موجودات و انجام کارهای نیک است» [عدل‌الهی: ۷۱ و ۷۰]. و در اخلاق، «حکمت» عبارت است از نتیجه‌ی اعتدال قوه‌ی عقلیه در انسان.

حکمت بر دو نوع است: الف) حکمت نظری؛ ب) حکمت عملی. اگر وجود موجودات در قدرت و اختیار ما نباشد، علم مربوط و متعلق به آن‌ها، حکمت نظری نامیده می‌شود. ولی اگر وجود موجودات در اختیار و قدرت ما باشد، علم مربوط به آن‌ها حکمت عملی خوانده می‌شود.

در مورد اهمیت حکمت در کلام معصومین علیهم‌السلام سخن بسیار است و مولا علی (ع) می‌فرماید:

«والحکمه روضه‌العقلا و نزهة النبلاء» [تفسیر کاشف، ج ۱: ۲۸۱]. حکمت باغ و بوستان خردمندان و مزارع مردم نجیب است.»

«الحکمه شجره تنبیت فی القلب و

ثمر علی‌اللسان» [اخلاق و تربیت

اسلامی: ۲۰۸] «حکمت درختی

است که در دل می‌روید و

در زبان میوه می‌دهد»؛

باعث می‌شود که انسان

هرچه می‌گوید، راست

و درست و منطقی

باشد که مردم به

سخن او هدایت

یابند و از جهل و

نادانی رها شوند.

نتیجه این که

با تعلیم حکمت

می‌توان قدرت

تشخیص و توانایی قضاوت صحیح را در انسان‌ها ایجاد و تقویت کرد تا تربیت شوندگان چنان رشد یابند که به قدرت تشخیص و تمیز حق از باطل مجهز و مسلح شوند و با کنار زدن پرده‌های اوهام و جهالت، چهره‌ی زیبا و نورانی حق را متجلی سازند.

## تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم

در کل آیات قرآن کریم، تزکیه و تعلیم در چهار مورد ذکر شده؛ در سه مورد تزکیه بر تعلیم مقدم است و در یک مورد تعلیم بر تزکیه مقدم شده است. نظرات مفسران مشهور در مورد تقدم و تأخر این دو چنین است.

در تفسیر المیزان در این مورد آمده است: «در این آیه‌ی شریفه (سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲)، موضوع تزکیه را جلوتر از تعلیم کتاب و حکمت ذکر کرده و در دعای ابراهیم (بقره، آیه‌ی ۱۲۹) تعلیم کتاب و حکمت را جلوتر از تزکیه ذکر کرده است. این بدان جهت بوده که آیه‌ی مورد بحث، در مقام توصیف تربیت رسول خدا (ص) بر مؤمنان امت است و در مقام تربیت، تزکیه بر تعلیم علوم حقه و معارف حقیقیه مقدم است، و اما در دعای ابراهیم، مقام تربیت نبود، تنها دعا و درخواست بود. از خدا می‌خواست که این زکات و علم به کتاب و حکمت را به ذریه‌اش بدهد. و معلوم است که در عالم تحقق و خارج، اول علم پیدا می‌شود، بعد تزکیه. چون تزکیه از ناحیه‌ی عمل و اخلاق تحقق می‌یابد. پس اول باید با اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آن‌ها عمل کرد تا به تدریج زکات (پاکی دل) هم به دست آید» [المیزان، ج ۱۹: ۵۳۵].

و در آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی بقره می‌بینیم که این دعا به استجاب می‌رسد و پیغمبری از نسل ابراهیم (ع) (پیامبر اسلام) به پیغمبری مبعوث می‌شود و لذا از پیغمبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که می‌فرمود: «انا دعوه ابرهیم» [المیزان، ج ۱: ۳۹۶]: من دعای ابراهیم هستم.

در تفسیر نمونه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی در این مورد آمده است: «نکته‌ی جالب توجه، در بعضی آیات، در سه مورد تربیت بر تعلیم مقدم افتاده و تنها در یک مورد تعلیم بر تربیت مقدم شده و این اشاره به تربیت طبیعی آن‌دو است. زیرا طبعاً باید تعلیم بر تربیت مقدم باشد و در سه مورد که تربیت بر تعلیم مقدم شده، به‌خاطر اهمیت آن است. یعنی هدف و نتیجه و مرحله‌ی نهایی همان تربیت است و باقی همه مقدمه می‌باشد» [تفسیر نمونه، ج ۱].

و در جلد ۲۴ در این مورد آمده است: «این دو امر در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، اخلاق زاینده‌ی علم است، همان گونه که

**تقدم تزکیه بر تعلیم  
از دیدگاه مکتب ما از  
نوع تقدم زمانه نیست،  
بلکه نوعی تقدم رتبی  
است، هشداری بر این  
امر است که علم باید با  
آراستگی اخلاقی همراه  
باشد و تربیت اخلاقی  
مهم‌تر از دانایی است**

علم زاینده‌ی اخلاق است. اصالت تربیت را مشخص می‌سازد و البته منظور علوم حقیقی است، نه اصطلاحی در لباس علم» [تفسیر نمونه، ج ۳].

و در جلد سوم در این مورد آمده است: «این احتمال در تفسیر آیه وجود دارد که منظور از تزکیه، پاک ساختن آن‌ها از پلیدهای شرک و عقاید باطل و خرافی و خواهی زشت حیوانی بوده باشد، زیرا مادام که نهاد آدمی از این گونه آلودگی‌ها پاک نشود، ممکن نیست آماده‌ی تعلیم کتاب الهی و حکمت و دانش شود. همان‌طور که اگر لوحی را از نقوش زشت پاک نکنی، هرگز آماده‌ی پذیرش نقوش زیبا نخواهد شد. به همین دلیل، در سه آیه‌ی یاد شده، تزکیه بر تعلیم و حکمت، یعنی معارف بلند و عالی اسلام، مقدم شده است» [تفسیر نمونه، ج ۲۴].

در تفسیر احسن‌الحديث آیت‌الله قریشی، در این باره آمده است: «مقدم شدن بیزکیه برای آن است که اول باید انسان از شرک و کفر و مانند آن پاک شود و سپس تعلیم حقایق در وجود او جای گیرد. در حقیقت، هر دو با هم هستند، ولی تزکیه تقدم رتبه دارد» [احسن‌الحديث، ج ۱].

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «کوشش کنید که تربیت بشوید، قبل از این که تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که همه‌ی درس با درس خواندن و تعلیم و تربیت باشد که آن (تزکیه) مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب» [اخلاق اسلامی ۱: ۲۶].

با یک نگاه ژرف‌اندیش از تفسیر آیات در مورد تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم چنین بدست می‌آید که طبعاً تعلیم بر تربیت مقدم باشد، ولی تقدم تزکیه بر تعلیم از دیدگاه مکتب ما نوعی تقدم زمانی نیست، بلکه نوعی تقدم رتبی است، هشداری بر این امر است که علم باید با اخلاق و پاک‌سازی انسان از رذایل و آراستگی انسان به فضایل اخلاقی همراه باشد و تربیت اخلاقی و پاکی روح، مهم‌تر از دانایی است. چون اگر پاکی نباشد، آن دانایی مانند شمشیری می‌شود که در دست یک وحشی مست قرار گرفته باشد و علم بدون جهت برای خودسازی، در حکم چراغی در دست دزد خواهد بود که سنایی گفته است:

گر علم آموختی از حرص آن‌گه ترسی کاندر شب  
چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا

امام خمینی (ره) در تفسیر سوره‌ی حمد می‌فرماید: «وقتی علم در یک قلب غیرمهدب وارد شود، انسان را به عقب می‌برد. هر چه انباشت زیادتر باشد، معایبش زیادتر است. وقتی زمین شوره‌زار و سنگلاخی باشد، هر چه در آن تخم بکارند،

نتیجه نمی‌دهد [پیشین].

و در جایی دیگر در این مورد می‌فرمایند: «اگر نفوس تزکیه و تطهیر نشود از اوصاف فاسد، علم اثر سوء در آن‌ها می‌کند. تمام ادیان باطله را علما و دانشمندان اختراع کردند. وقتی در جایی تزکیه نشده علم در آمد، این عالم که حاصل این علم است و مزگی هم نیست، خطرناک می‌شود» [پیشین].

به همین علت است که علم باید جهت و هدف (تزکیه) داشته باشد و اگر نداشته نباشد و از حیطة قداست خارج شود و فقط به وسیله‌ی قدرت در دست عالم تبدیل شود، انسان را به اسارت خود در خواهد برد و به جای این که نوری فرا راه زندگی انسان‌ها باشد، وسیله‌ای برای اشباع و ارضای امیال درونی و غرایز سیری ناپذیر انسان و راهی برای سلطه و اقتدار بر دیگران برای استثمار و سودجویی خواهد شد.

متأسفانه در اکثر مدارس و مراکز علمی، بشر به تعلیم قناعت شده است و به مسئله‌ی تزکیه توجه کافی مبذول نشده و نمی‌شود و بسیاری از استادان و معلمان سعی و کوشش خود را صرفاً به پر کردن اذهان دانشجویان و دانش‌آموزان با معارف و محفوظات و سرانجام پیروزی و قبولی او در امتحان محدود می‌سازند [سخن‌رانی امام خمینی در تاریخ دهم تیرماه: ۱۳۵].

در خاتمه‌ی بحث، ذکر این نکته لازم است که تقدم تزکیه بر تعلیم بدان معنا نیست که ابتدا باید به تزکیه پرداخت و پس از فراغت از آن به تعلیم همت گماشت، بلکه تزکیه و تعلیم هم‌پای هم پیش می‌روند و تزکیه پایان‌پذیر نیست که پس از طی مراحل آن بتوان به تعلیم آغاز گردانید و از نظر زمانی، تقدم و تأخری ندارند و این تقدم نوعی تقدم رتبی است، چرا که تزکیه و شیوه‌ی آن را نیز باید تعلیم گرفت و آموخت و به کار بست.

#### منابع

۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین. تفسیر المیزان. ترجمه‌ی محمدباقر موسوی. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی. تهران. پاییز ۱۳۶۳.
۲. عبدالباقی، محمدنژاد. المعجم المفهرس. اسماعیلیان. تهران.
۳. کلینی، یعقوب. اصول کافی. ترجمه‌ی هاشم رسولی. علمیه اسلامیة. تهران.
۴. قریشی، علی‌اکبر. احسن‌الحديث. بنیاد بعثت. تهران. ۱۳۶۶.
۵. مشکینی، علی. اخلاق اسلامی. والعصر. تهران.
۶. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. قم. تیرماه ۱۳۶۳.
۷. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت اسلامی. صدرا. تهران. دی‌ماه ۱۳۷۱.
۸. مطهری، مرتضی. مسئله‌ی شناخت. صدرا. تهران. آبان‌ماه ۱۳۶۷.
۹. نراقی، ملامحمد. معراج‌السعادت. رشیدی. تهران. بهمن‌ماه ۱۳۶۱.
۱۰. اخلاق و تربیت اسلامی پیام نور ساعی

# قرآن کریم را به چند روش می‌توان تلاوت کرد؟

الف) **ترتیل:** آیه‌ی چهارم سوره‌ی مزمل شیوه‌ی صحیح قرائت قرآن را بیان می‌کند: «و رتل القرآن ترتیلاً». امام علی(ع) می‌فرماید: «ترتیل ادا کردن حروف و آشنایی با وقوف قرآن است.» در تفسیر مجمع‌البیان، در تبیین واژه‌ی ترتیل نوشته شده است: «قرائت قرآن با صوت و لحن حزین را ترتیل می‌گویند. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «شیوه‌ی صحیح قرائت قرآن این است که قاری همراه تدبیر آیات را بخواند، یعنی اگر به آیاتی رسید که بهشت را توصیف می‌کند، از خداوند بهشت را طلب کند و اگر به آیات جهنمی رسید، به خداوند پناه ببرد.»

ب) **تحقیق:** یعنی خواندن قرآن با سرعت کم و دقت زیاد که با فراز و فرودهای صوتی همراه است؛ مثل تلاوت‌های مجلس قاریان بزرگ جهان.

که در آن، آیات بیشتری نسبت به تحقیق قرآن حدود ۵۰ دقیقه طول می‌کشد. روش، کمی از روش‌های دیگر بالاتر حدود ۳۵ دقیقه تلاوت می‌شود.

ج) **تدویر:** خواندن قرآن با سرعت متوسط خوانده می‌شود. (در این روش، معمولاً هر جزء د) **تحدیر:** سرعت قرائت قرآن در این است و تقریباً هر جزء قرآن در زمانی



## چکیده

**کلیدواژه‌ها:** آموزش قرآن، روخوانی قرآن، دوره‌ی ابتدایی، کلاس خشک، روش تدریس.

## مقدمه

«یک مکتب که دارای هدف‌های مشخصی است و مقررات همه‌جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیاسی دارد، نمی‌تواند سیستم خاص آموزشی نداشته باشد... [و در این راستا] معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد که تفکر بدون تعلیم و تعلم امکان‌پذیر نیست.»<sup>۱</sup>

تعلیم و تربیت در اسلام- استاد شهید مطهری

از آن‌جا که سعادت یافتن بین معلمین قرآن جایی داشته باشم، سعی کرده‌ام در این مقوله بخشی از چگونگی ایجاد روح تفکر، تعامل، تحرک و شادی‌آفرینی در کلاس را شرح دهم؛

درس «قرآن» در مدارس، درسی است که در عین سادگی ظاهری، بسیار مسئولیت‌ساز است؛ هم برای معلم و هم متعلم؛ چه در آموختن و چه در رعایت ادب حضور. زیرا این دو قرار است به فرموده‌ی رسول خدا(ص) بهترین خلق باشند! «خیرکم من تعلم القرآن و علمه.»

سرزندگی (رفع خشکی) کلاس قرآن! مسئله من بوده است و پژوهش حاضر، شاید تا حدودی به حل این مسئله کمک کند. امید است این ره‌توشه‌ی تجربه‌شده در کلاس‌هایم، جرقه‌ای باشد برای ادامه‌ی راهمان در تدریس قرآن و تفکر در کلام آن؛ به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی تا ان‌شاءالله تحقق‌بخش پیام مقام معظم رهبری باشیم که فرمودند: «من از معلمین ابتدایی خواهش می‌کنم به درس قرآن در این دوره اهمیت بیشتری بدهند.»

فهیمة رضایی

آموزگار و معلم قرآن مدارس ناحیه ۴ مشهد

من توانستم  
شما نیز می‌توانید  
راهکارهای ایجاد طراوت در کلاس قرآن



فعالیتی که برای شکوفایی استعدادها و تربیت توأم با عمل باشد؛ کلاسی که طراوت و شادابی را با کمک دانش‌آموزانم به صاحب‌کتابش هدیه نمودیم. مقبول درگاه الهی باد.

## تعریف و طرح مسئله

از خودم سؤال کردم که من و امثال من چه قدر به خودمان اجازه می‌دهیم که شنونده‌ی موظف-نه از روی تفنن- یک پیام به زبان بیگانه باشیم؟ حداقل ۹۰ دقیقه پیوسته، آن‌هم هفته‌ای یک‌بار، محال است. کم‌بودن هیجان و طراوت در کلاس‌های قرآن مرا بر آن داشت تا با مطالعه‌ی کتبی در زمینه‌های متفاوت روان‌شناسی سنین ۱۰ تا ۱۳ سال و نیازهای آنان، کلاس قرآنم را از سکون خارج کنم. هدف نهایی بهره‌گیری از معرفت بی‌کرانه‌ی قرآن با شاد کردن و طراوت بخشیدن به کلاسم بود. دلیل انتخاب این فاصله‌ی سنی برای پایه‌های چهارم و پنجم، این بود که ضعیف‌تر و تیزهوش‌ترهای کلاس را نیز شامل شود.

## توصیف وضعیت موجود

رشته‌ام امور تربیتی و سابقه‌ی کاری‌ام ۱۵ سال بود. در مدرسه‌ی ابتدایی پسرانه‌ای در منطقه‌ی نسبتاً برخوردار (مرفه)

تهران، مأمور به تدریس قرآن شده بودم و هیچ‌گونه سابقه‌ای به لحاظ دوره‌ی تحصیلی، جنسیت و موقعیت فرهنگی مدرسه‌ام نداشتم. ناچار بودم به لحاظ اهمیت این درس، شرایط متفاوت را بررسی کنم و میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان را به زنگ قرآن محک بزنم.

با توجه به موقعیت فرهنگی جامعه‌ی اطراف مدرسه‌ام، توجه برخی خانواده‌ها به فرزندانشان برای آموزش قرآن، حفظ آیات و عمل به آن‌ها، درخور تقدیر و ستایش بود که از راهنمایی‌های ایشان در بهبود کلاس‌هایم سود جستیم. اما موانع و معایبی یافتیم؛ از جمله:

- پسرانی که به ورزش علاقه‌ی کمتری دارند، روز قرآن و ورزش غیبت بیشتری دارند.
- نزدیک به یک درصد پسرانی که خیلی به ورزش علاقه دارند، می‌کوشند فقط زنگ ورزش به مدرسه بیایند یا حداقل دوست دارند که فقط برای ورزش بیایند.
- دانش‌آموزان می‌گویند ما تا حالا نمرات دروس شفاهی مخصوصاً قرآن را ۲۰ گرفته‌ایم.
- معلمین معتقدند: برای این که دانش‌آموزان از قرآن زده نشوند ۲۰ داده‌ایم.
- از بین بیش از هزار دانش‌آموز، کمتر از ۵۰ نفر در کلاس

درس «قرآن» در مدارس، درسه است که در عین سادگی ظاهری، بسیار مسئولیت‌ساز است؛ هم برای معلم و هم متعلم

هر برنده لبخند می‌زند، برای خوش‌شناسی او کف می‌زند، می‌خندند و مبارکش باشد می‌گویند و به‌عکس نیز... اندیشیدم چرا کلاس این علاقه را در آنان به‌وجود نمی‌آورد؟ چرا از این لطافت روح آنان در کلاس خود سود نبرم؛ چرا بخشی از این علاقه و خوش‌حالی را برای هم‌کلاسی‌هایشان به‌وجود نیآوردم؟ چرا کلاس من مثل مسابقه‌ی مورد علاقه‌شان، جذاب و باطراوت نباشد؟

## روش‌های گردآوری اطلاعات

از هر موقعیتی برای گردآوری اطلاعات سود جستیم؛ از طرز لباس پوشیدن دانش‌آموزان و طرز نگاه‌داری کتاب قرآن تا برخورد خانواده‌ها، مخصوصاً هنگام اخذ کارنامه. اما اصلی‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بودند از:

**الف) ملاحظات عملی:** یکی از یافته‌هایم در همین ملاحظات عملی این بود که: در کلاس بیشتر زمان تدریس، به‌خصوص اگر مطلب جدید باشد، دانش‌آموز سراپا گوش است و چشم، فرقی هم در نوع مطلب نیست؛ چه اطلاعات عمومی باشد یا داستان یا قواعد درس. اگر در کنار این مطالب جدید کار عملی باشد، مثل نوشتنی و حل تمارین کتاب، جو حاکم بر کلاس رضایت‌بخش‌تر است.

**ب) نقاشی:** معمولاً اولین جلسه‌ی قرآن را بدون برنامه‌ی قبلی وارد کلاس نمی‌شوم و روز قبل اعلام می‌کنم که برای اولین زنگ قرآن (در سال تحصیلی جدید)، مداد رنگی، دفتر و ورق همراهتان باشد.

در نقاشی‌خوانی و روان‌شناسی نقاشی تخصص ندارم، اما مطالعات جانبی فراوانم و نیز تجربه‌ی چندین ساله‌ام، به یاری من در تشخیص می‌آیند. معمولاً در اولین زنگ قرآن نقاشی‌هایی به دانش‌آموزان سفارش می‌دهم و پس از اتمام نقاشی، کمی توضیح می‌خواهم. برخی از یافته‌هایم با این روش به شرح زیر بوده‌اند:

● از یک کلاس چهارم ۳۴ نفره پرسیدم: «دوست دارید جلد کتاب قرآن شما چه شکلی داشته باشد؟» جز یک نفر، لبخند روی جلد را حذف کرده بودند و بقیه هم نقاشی بدون حضور کودک ارائه دادند. وقتی دلیل را سؤال کردم، یا سر خاراندند و یا خنده تحویل دادند (ضمیمه‌های ۱ تا ۳).

● موضوع دیگر نقاشی من در دو کلاس چهارم دیگر که قریب به ۷۰ نفر بودند، «من و قرآن» بود. در نقاشی‌هایشان آدم‌ها اکثراً شاد و خوب بودند، اما لابه‌لای آن‌ها مواردی هم بود؛ از جمله:

● از نقاشی ارائه شده در ضمیمه‌ی ۴، برداشت من و نظر

فوق‌العاده‌ی قرآن که بی‌ارتباط با درسشان نیست، شرکت کردند. این درحالی است که در همین دوره‌ی تحصیلی (ابتدایی) و در همین مدرسه، حداقل یک‌چهارم دانش‌آموزان در کلاس‌های زبان، ورزش و موسیقی ثبت‌نام کرده‌اند و شرکت می‌کنند. این موضوع می‌تواند بیانگر میزان اهمیتی باشد که برخی خانواده‌ها برای این درس‌ها قائل هستند.

● وقتی مسابقات قرآن را اعلام می‌کنم، این سخنان را می‌شنوم: «اجباری است؟ پول می‌خواهد؟ وقت نداریم! اگر نیایم چه می‌شود؟ در نمره‌ها تأثیر دارد؟»

● در زنگ قرآن دانش‌آموزانم یا تشنه‌اند، یا می‌خواهند تماشاچی فوتبال کلاسی دیگر باشند، یا با مدیر و ناظم و... کار دارند، یا این که زنگ تفریح یادشان رفته دست‌شویی بروند و حالا اجازه می‌خواهند. اگر از طرف خانواده‌ها هم پشتیبانی شوند، یا نوبت دکتر دارند، یا باید به مهمانی بروند. اگر هم روز قبل از تعطیلات باشد، مسافرت درپیش دارند.

خلاصه‌ی کلام، راه‌های فرار متعدّدند. اکنون این دانش‌آموز باید علاقه‌مند به کلاس باشد و تکرار آیات قرآن، و اگر معنی جدیدی برایش نداشته باشد، اصلاً درس جدیدی نخواهد بود. فقط گاهی قواعد پایان دروس جدید هستند که شکر خدا، سهل‌الهمضم هستند و شاگرد ما سرشار از هوش و استعداد است. استفاده از نوار هم بعضی اوقات خسته‌کننده و حتی نامفهوم است؛ زیرا با تلفظ حروف آشنا نیستند. داستان‌های کتاب را هم یا قبلاً به‌طور کامل مطالعه کرده‌اند یا در کتاب‌های دیگر خوانده‌اند، از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها شنیده‌اند، در تلویزیون دیده‌اند و یا سی‌دی و نوار ویدیویی آن را دارند؛ که اگر بخواهم به مدرسه می‌آورند تا من هم استفاده کنم.

راستی چه ضرورتی دارد؟ برای او، خواندن قرآن جز ده قاعده‌ی جدید، تکرار مکررات است. چرا باید به او بگویم قرآن بخوان، مؤدب بنشین، صحبت نکن... تا بهشت را به تو بدهند؟! بهشتی که او را به لحاظ سنی هنوز از آن خارج نکرده‌اند و ان‌شاءالله که هیچ‌گاه خارج نخواهد شد. بهشت او در حال حاضر حیاط و فوتبال یا نقاشی، کتاب‌خانه، بازی و... است که نقد هستند؛ آخر وعده‌های نسیه و دور چرا؟

فرزندان خودم و دیگر دانش‌آموزان را می‌بینم که کتاب درسی با مطالب جدید و لازم‌المطالعه به دست، مسابقه‌ی تلویزیونی تماشا می‌کنند؛ مسابقه‌ای که نه شرکت‌کننده‌اش را می‌شناسند و نه برد و باخت آنان ذره‌ای بر زندگی‌شان (منظور تماشاچی است) تأثیر می‌گذارد. اغلب سؤال‌ها هم در سطح معلومات نوجوان ما نیست. آن‌ها روح خیلی لطیفی دارند. برای

دانش آموز مشترکاً این بود که جای قرآن بیشتر در مسجد است.

● قرآن با پدر، مادر، مادربزرگ و... (ضمیمه ۵). امیدوارم خودش با قرآن فاصله نداشته باشد.

● استفاده از رنگ‌های تیره و سرد، با توجه به این که جعبه‌ی مداد رنگی ۱۲ تایی کنار دست اوست و قضاوت با خواننده (ضمیمه ۶).

**ج) مصاحبه با دانش آموزان:** این مصاحبه در زمینه‌ی میزان آشنایی آنان با مطالب قرآنی بود و سؤال این که در قرآن چه مطالبی هست. آن چه تحویل گرفتم بدون استثنا عبارت بود از: نماز و روزه، بهشت و جهنم، و دروغ و اخلاق.

**د) مصاحبه‌ی مجدد با دانش آموزان:** این بخش برای آشنایی بیشتر با خواسته‌های ایشان بود و از بین پاسخ‌ها، آن چه در حوصله‌ی این بحث است، از این قرار بود:

● خانم مطلب جدید همراه داشته باشید.

● زنگ قرآن برای ما خسته‌کننده است، اگر خوب گوش کنیم جایزه‌مان فوتبال باشد.

● آیا می‌شود هم قرآن را گوش کنیم هم تکرار کنیم، ولی بی‌صدا نقطه بازی کنیم؟

● اجازه بدهید وقتی قرآن را تکرار می‌کنیم، زیر میز پای ما روی توپ باشد.

● قرآن را گوش می‌کنیم، چون ثواب دارد.

● حالا نمی‌شود یک نمره‌ی ۲۰ بگیریم و برویم؟! **ه) مصاحبه با همکارانم:** به منظور آشنایی با

دانش آموزان و برای برگزاری کلاس مطلوب. پیشنهادهای راه‌گشای آنان از این قرار بود: کلاس‌های قرآن خشک‌اند، آن‌ها را شیرین کنید. فقط تکرار نباشد، مطلب جدید همراه داشته باشید. داستان بگویید.

**و) مصاحبه با اولیا:** برای آشنایی با انتظارات ایشان و روحیات دانش آموزان و پاسخ‌ها این گونه بودند:

● به بچه‌ها نماز را بیاموزید.

● خیلی سوره‌ها را بلد است.

● مجبورش کنید تکرار کند، استعدادش زیاد است.

● وادارش کنید قرآن حفظ کند.

● آرزو دارم قرآن بلد باشد و در مسابقات شرکت کند.

● ما (پدر، برادر، خواهر و...) به او یاد داده‌ایم، ولی...

**ز) مطالعه‌ی مقدمه‌ی کتاب درسی:** به‌منظور آشنایی بیشتر با انتظارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

### تجزیه و تحلیل مسائل

۱. تکراری و یک‌نواخت بودن	عدم جذابیت کلاس
۲. کمبود جذابیت‌های کودکانه	
۱. نقش خانواده‌ها	بها ندادن به کلاس قرآن
۲. عدم توجه در سال‌های قبل	
۳. اعتماد به نمرات سال‌های قبل	
۱. قرار گرفتن قرآن و ورزش در یک روز	وجود جذابیت‌های بیرون از کلاس
۲. شرایط حاکم بر کلاس، مناسب برای ورزش (مخصوصاً لباس)	
۱. عدم حضور معلم مربوطه در مدرسه	اطاعت‌پذیری کمتر دانش‌آموزان در روز قرآن
۲. نداشتن فرهنگ هماهنگ	
۳. رنگارنگ بودن لباس‌های ورزشی	
بستری مناسب برای نگاه بسته کردن به قرآن	عدم بهره‌برداری از کلاس قرآن

علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان به کلاس قرآن

### پی‌نوشت

۱. تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری.



## تفاوت قرآن با حدیث قدس

۱. حدیث قدسی حدیثی است که پیامبر(ص) یا سایر انبیا یا امامان معصوم (ع) از خداوند نقل می‌کنند.
۲. مضمون این احادیث به وسیله‌ی وحی یا الهام در خواب، بر بزرگان دین نازل شده است.
۳. در حدیث قدسی، ادعای اعجاز وجود ندارد؛ به خلاف قرآن که نشان اعجاز و بی‌مانندی دارد.
۴. قرآن سند رسالت و کتاب رسمی دین اسلام است، ولی احادیث قدسی چنین جایگاهی ندارند.
۵. قرآن قطعی‌الصدور است، ولی احادیث قدسی ظنی‌الصدورند؛ یعنی نمی‌توان گفت صددرصد از جانب خداوند هستند.
۶. احادیث قدسی بیشتر مسائل اخلاقی و عرفانی را طرح می‌کنند، در صورتی که قرآن مجید جامع است؛ علاوه بر نکته‌های اخلاقی و عرفانی، به مسائل فقهی، تاریخی و... نیز پرداخته است.

دکتر مجید طالب‌تاش، دارای  
 دکترای علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر  
 و استاد دانشگاه آزاد اسلامی و در  
 حال حاضر معاون پژوهش‌گدهی قرآن  
 و عترت این دانشگاه است. از ایشان  
 تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی  
 به چاپ رسیده است تألیفات ایشان در  
 حوزه‌ی علوم قرآنی هم بسیار است. او علاوه  
 بر استاد راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد  
 و استاد مشاور بودن، تدریس دروس گوناگون  
 علوم قرآنی را در دانشگاه، بر  
 عهده دارد. مقاله‌ی  
 ایشان با عنوان «تدبر  
 در قرآن»، در چند  
 شماره‌ی متوالی  
 به چاپ خواهد  
 رسید، امید است برای  
 تدریس درس قرآن در دوره‌ی  
 متوسطه مفید فایده  
 واقع شود.

دکتر مجید طالب‌تاش  
 استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی

# درآمد بر تدبر در قرآن

جریان تدبر  
 درآمد

تدبر یعنی گذر از ظاهر و اندیشیدن در ورای آن تا چهره‌ی باطن امور جلوه‌گر شود و عاقبتش برملا گردد. «کاویدن باطن» و «عاقبت‌اندیشی» دو خصوصیت اساسی تدبر به‌شمار می‌آیند. تلاش برای کشف عاقبت امور، به‌ناچار انسان را از سطح به عمق می‌کشاند و در نتیجه، از حصار و حدود مادیت بیرون می‌آورد. به‌علاوه، انسان را با عوالم برتر و ملکوت اشیا آشنا می‌سازد. آن‌چه آفت این آشنایی است، همان روزمرگی و حال‌نگری بدون توجه به سیر امور از گذشته تا حال و آینده است. «یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الآخره هم غافلون» [روم / ۷]: مردم، ظاهری از زندگی پست‌تر را می‌شناسند و یکسره از زندگی نهایی و متعالی به‌شدت بی‌خبرند.

## ﴿جریان تدبیر﴾

تدبیر یعنی گذر از ظاهر و اندیشیدن در ورای آن تا چهره‌ی باطن امور جلوه‌گر شود و عاقبتش بر ملا گردد. «کاویدن باطن» و «عاقبت‌اندیشی» دو خصوصیت اساسی تدبیر به‌شمار می‌آیند. تلاش برای کشف عاقبت امور، به‌ناچار انسان را از سطح به عمق می‌کشاند و در نتیجه، از حصار و حدود مادیت بیرون می‌آورد. به‌علاوه، انسان را با عوالم برتر و ملکوت اشیا آشنا می‌سازد. آن چه آفت این آشنایی است، همان روزمرگی و حال‌نگری بدون توجه به سیر امور از گذشته تا حال و آینده است. «یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الآخره هم غافلون» [روم / ۷]: مردم، ظاهری از زندگی پست‌تر را می‌شناسند و یکسره از زندگی نهایی و متعالی به‌شدت بی‌خبرند.

دقت در جریان امور و عاقبت سیر آن‌ها، بذر معرفت و ایمان و یقین استوار را در سرزمین انسانی می‌پاشد و آن را بارور می‌کند. «النظر فی العواقب تلقیح القلوب» [بحارالانوار، ج ۷۸: ۹۸]: تأمل و دقت در عاقبت امور، دل‌ها را بارور می‌گرداند.

این جریان تدبیر، همان سیری است که **ابراهیم(ع)** در رسیدن به کمال معرفت و وصل به حق و دستیابی به یقین طی کرد که با پاک‌طلبی فطری، نکته‌سنجی و نقادی عمیق، جرئت و شجاعت در پذیرش نتیجه‌ی تحقیق و بررسی، و ایستادگی بر سر دفاع از حق و حقیقت همراه بود. «و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض و لیکون من الموقنین» [انعام / ۷۵]: و بدان‌گونه (حرکت برای نقادی افکار و عقاید خانواده و محیط)، ما به ابراهیم ملکوت حوزه‌های باطن آسمان‌ها و زمین را می‌نماییم، برای این‌که از یقین‌کنندگان باشد.

آن‌چه ما را در حصار روزمرگی قرار می‌دهد، از هوس‌ها و امیال خویش پیروی کردن است. آن‌که قدر و ارزشی بیش از حیوان برای خود نمی‌شناسد و فروغ فطرت را زیر خروارها هوس‌ورزی مدفون ساخته است، نمی‌تواند از ظاهرینی حیوانی و حال‌نگری خود را بیرون بکشد، مسائل را در سطح گسترده نظاره کند و متوجه اعماق امور شود. از این‌رو، قرآن برای دریدن حجاب‌های غفلت و شکستن این دیوار حال‌نگری هشدار می‌دهد که چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند. «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها» [محمد / ۲۴]: آیا آن‌ها در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ یا بر دل‌هاشان قفل نهاده شده

است؟! (ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی)

و در این نهیب و هشدار، ریشه‌های عدم تدبیر را می‌نمایند: «أرأیت من اتخذ الهه هواه أفأنت تكون علیه وکیلاً ام تحسب ان اکثر هم یسمعون او یعقلون ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلاً» [فرقان / ۴۴-۴۳]: آیا دیدی آن کس که معبودش را هوای خویش قرار داد؟ آیا تو بر او گماشته هستی (تا هدایتش کنی) یا به محاسبه گمان می‌کنی که اکثر آنان حق را می‌شنوند یا آن را تعقل می‌کنند؟ آنان جز چارپایان نیستند، بلکه گمراه‌ترند.

## ﴿مرور مکرر آیات﴾

در جریان تدبیر، مرور مکرر آیات به همراه تأنی و دقت‌نظر، در کشف نکات نهفته و روابط پنهان در آیات بسیار مؤثر است. استمرار این جریان، با قرائت آهنگین و حزن‌آمیز بسیار قوت می‌گیرد. تأثر از موسیقی آیات در کنار درک مقدماتی از آن، قوای ادراکی و مشاعر را بسیار حساس می‌سازد و ظواهر زیبای آیات را بسیار پر رمز و راز و عمیق جلوه‌گر می‌کند. در این حال، آیات هم‌چون گوهرهایی تابناک اندیشه‌های غواص را به‌سوی خود می‌کشند. در احادیث متعددی این مرور مکرر آهنگین آیات از پیامبر و معصومین گزارش شده است: **ابوذر** نقل می‌کند که شبی تا صبح پیامبر خدا در میان ما به قیام، آیه‌ی ۱۱۸ مائده را مکرر تلاوت می‌کرد [درالمنثور، ذیل آیه‌ی شریفه].

**زهری** می‌گوید **امام سجاد(ع)** هر وقت در نماز به آیه‌ی «مالک یوم الدین» می‌رسید، آن قدر آن را تکرار می‌کرد که نزدیک بود جان دهد [نورالثقلین، ج ۱: ۱۹].

**داودبن فرقد** نقل کرده است که **امام صادق(ع)** را شنیدم که بیش از حد شمارش آیه‌ی «مالک یوم الدین» را قرائت می‌کرد [پیشین].

تکرار آیات در شرایط روحی مناسب، در تعمیق و تدبیر بسیار مؤثر است و می‌تواند پیوسته اسرار و رموزی را که در آیات نهفته‌اند، بیشتر و بیشتر بر تدبیرکننده آشکار سازد.

## ﴿شناخت مراتب تدبیر﴾

براساس بیان **امام حسین(ع)** قرآن، چهار مرتبه‌ی فهم و تدبیر را داراست:

۱. مرتبه‌ی «عبارت قرآن» که برای توده‌های مردمی

است، از هر قشر و طبقه‌ای که باشند.

۲. مرتبه‌ی «اشارات قرآن» که برای خواص مردم از مجتهدان و مفسران است.

۳. مرتبه‌ی «لطایف قرآن» و نکته‌سنجی‌های دقیق و عمیق آن که مختص شاگردان معصومین، علمای ربانی و اولیای الهی هم‌چون ابوذر و سلمان در صدر اسلام و علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) در عصر حاضر است.

۴. مرتبه‌ی «حقایق و جان‌بی‌پرده‌ی قرآن» که مختص معصومین، اعم از پیامبر(ص) و اهل بیت مطهر ایشان است. «کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء: علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق، فالعبارة للعوام، و الاشارة للخواص، و اللطائف للاولیاء، و الحقائق للانبیاء» [همان، ص ۲۰].

مرتبه‌ی عبارات، سطح ترجمه‌ی قرآن را در نظر دارد، نه صرف قرائت الفاظ را که جنبه‌ی مقدماتی دارد. از این‌رو برای دیگر زبان‌ها، استفاده از ترجمه‌ی دقیق و بلیغ آیات، مبنای تدبر و تعمقشان قرار خواهد گرفت. در این سطح، معانی حاصل از ترجمه با توجه به کیفیت بیان و سیر مفاهیم، با استفاده از جایگاه تعبیرات گوناگون در عرف بشری و با تکیه بر عقل انسانی مورد تدبر قرار می‌گیرد و از این راه معانی جدید و عمیقی در حد قابلیت فکری و روحی متدبر نصیب او می‌شود.

موضوع بهره‌مندی مستقیم توده‌ها از قرآن امر غریبی نیست، چرا که قرآن کتاب تفصیلی فطرت انسان است. از این‌رو، توده‌های مردمی پاک‌طلب می‌توانند از این خوان گسترده‌ی الهی بهره‌های فراوان جویند. در صدر اسلام، بسیار شنیده شد که عده‌ای با گوش سپردن به آیاتی چند یا یک سوره از قرآن که بر زبان پیامبر اسلام جاری گشت، متحول شدند، به حقیقت پیام قرآن پی‌بردند، با دل و جان اسلام را پذیرفتند و احکامش را گردن گرفتند. در صحنه‌ای شخصی پس از شنیدن «سوره‌ی زلزال» ابراز می‌کند که دیگر بس است و به راه می‌افتد. رسول اکرم(ص) در این صحنه می‌فرماید: «فقه الرجل»: این شخص فقیه شد و جان پیام را دریافت کرد. در سوره‌ی جن آمده است که در جریان استماع تلاوت پیامبر توسط طایفه‌ی جن، آن‌ها با شنیدن آیاتی چند به اهداف رسالت قرآن و عمق پیام آن پی‌بردند و به راه افتادند تا قومشان را با آگاهی‌بخشی و بیم و هشدار به دین الهی دعوت کنند.

**تکرار آیات در شرایط روحی مناسب، در تعمیق و تدبر بسیار مؤثر است و می‌تواند پیوسته اسرار و رموزی را که در آیات نهفته‌اند، بیشتر و بیشتر تدبرکننده آشکار سازد**

## ﴿مراتب تدبر و تذکر در قرآن﴾

در قرآن کریم، دو مرتبه‌ی کلی از تدبر در آیات را می‌توان مشاهده کرد: تدبر عمومی و تدبر اختصاصی. «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب» [ص / ۲۹]: کتابی که آن را به سوی تو فرستادیم، بسیار با برکت است؛ برای این‌که در آیات آن بیندیشند و صاحبان خرد متذکر شوند.

تعبیر «لیدبروا آیاته» نظر به تدبر عمومی دارد که همه‌ی مردم را دربرمی‌گیرد. اما تعبیر «لیتذکر» به‌طور اختصاصی مرتبه‌ی اولوالالباب را مورد عنایت قرار می‌دهد که عنوان مشترک مرتبه‌ی «اشاره، لطیفه و حقیقت» است. گویا آنان از مرتبه‌ی تدبر عمومی گذشته و به مرتبه‌ی تذکر به اشارات و لطایف و حقایق رسیده‌اند. آیه‌ی ۵۲ «سوره‌ی ابراهیم» نیز بیانگر همین رویکرد خردمندان به آیات قرآن است: «هذا بلاغ للناس ولینذروا به ولیعلموا انما هو اله واحد و لیتذکر اولوالالباب»: این بیانات، پیام‌رسانی برای عموم مردم است، و برای آن است که به‌واسطه‌ی آن، انذار داده شوند و برای این‌که بدانند که او خدای یکتاست و برای این‌که صاحبان خرد متذکر حقایق شوند.

## ﴿خود را مخاطب قرآن دیدن﴾

از پیامبر(ص) نقل است که فرمود: «انت تقرأ القرآن مانهاک فاذا لم ینهک فلسن تقرؤه»: مادامی قرآن می‌خوانی



## جریان تلاوت راستین با جریان تدبیر وحدت دارد و آن جریان است که از قرائت آیات شروع می‌شود، با فهم حقیق آن ادامه می‌یابد و با تحقق عملی آن پایان می‌یابد

انفسهم...» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳]: با آن (تلاوت قرآن)  
جان خویش را محزون می‌دارند.

از این رو اگر شأن درمانگری قرآن را شناسیم و یا این که  
خود را بیمار محتاج و نیازمند به درمان ندانیم، به چنین حزن  
و اندوهی نخواهیم رسید. ضمن این که چنانچه حزن و اندوه  
باشد، اما شیوه‌ی تدبیر در آیات را ندانیم و با جریان تدبیر آشنا  
نباشیم، صرفاً از آهنگ آیات متأثر خواهیم شد، اما این تأثیر  
عمیق نخواهد بود و به درمان نهایی دردهای درون خویش  
دست نخواهیم یافت.

عمق گریه برای درمان درد، علاوه بر شأن طبابت  
انحصاری قرآن و شأن خویش، با درک پیام آیات نیز مرتبط  
است. با این حال تأثیر ابتدایی از درک اجمالی بیماری خویش،  
خود حزن آور و منقلب‌کننده است؛ خصوصاً وقتی که قرائت  
قرآن با آهنگی مناسب صورت گیرد. به همین دلیل در روایات  
آمده است که در حال خواندن قرآن، یا گریه کنید و یا خود را  
به گریه بزنید: «قرؤوا القرآن و ابکوا فان لم تبکوا فتبکوا، لیس  
منامن لم یتغن بالقرآن». قرآن را بخوانید و گریان شوید و اگر  
گریه نکردید خود را به گریه بزنید؛ چرا که از ما نیست کسی  
که قرآن را با موسیقی خاص خودش بخواند.

### کاوش در آیات برای درمان خویش

«... و یستشترون به داوه دائهم...» [نهج البلاغه، خطبه‌ی  
۱۹۳]: و به واسطه‌ی تلاوت قرآن، داروی درد خویش را در  
قرآن جست‌وجو می‌کند.

پس از توجه به جریان آیات، طرح سؤال، درنگ، فهم و  
تدبیر در پیام آیه، و مخاطب دین خود و تحزین نفس، نوبت  
کاوش برای استخراج داروی درد خویش از میان آیات مورد  
تدبیر فرامی‌رسد؛ چرا که قرآن در کنار بیان دردها، بلافاصله از  
درمان آن‌ها سخن می‌گوید.

طبابت افکار فاسد و ارواح آلوده‌ی بشری، شأن اساسی  
قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) است؛ طبابتی که درمان  
بزرگ‌ترین دردهای بشری را برعهده دارد. «ان فیه شفاء من  
اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و الغی و الضلال» [نهج البلاغه،  
خطبه‌ی ۱۷۶]: به‌راستی که در آن درمان بزرگ‌ترین  
بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است.

دردها و بیماری‌هایی که حیرت حیوانی و قساوت صخره‌ای  
را به ارمغان آورده‌اند: «فهم فی ذلک کالانعام السائمة و الصخور  
القاسیه» [نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۰۸].

که تو را نهی می‌کند. بنابراین اگر تو را نهی نکرد، درواقع قرآن  
نمی‌خوانی.

در جریان تدبیر، از پس کندوکاو و پی بردن به پیام قرآن،  
باید خود را مخاطب پیام‌ها و انذار و بشارت‌های آن ببینیم.  
قرآن، کتابی صرفاً برای خواندن یا فیلمی تنها برای تماشا  
نیست، بلکه هم‌چون کارگردانی است که متناسب با واقعیت  
نفسانی و شرایط فکری و روحی مخاطب، نقشی از او را در  
صحنه‌های خویش به نمایش می‌گذارد. از این رو، ما به‌عنوان  
مخاطب قرآن، باید خود را صاحب نقشی در صحنه‌های  
مطرح‌شده در آیات ببینیم. در این صحنه باید دید با توجه  
به شرایط فکری، روحی و اخلاقی که هم‌اکنون در آن به‌سر  
می‌بریم، چه نقشی را ایفا و چه موضعی را اتخاذ می‌کردیم و در  
چه راهی گام می‌نهادیم. با این توجه، صحنه‌های آیات برایمان  
ملموس و عینی می‌شوند و هشدارها و بشارت‌های آن تا عمق  
جان ما تأثیر می‌گذارند.

در این جاست که ما با آینه‌ی قرآن، شخصیت خویش و  
نهایت کارهایمان را به عینه مشاهده می‌کنیم و از چهره‌ی  
خویش به هراس می‌افتیم. در نتیجه، ناله‌مان به آسمان  
برمی‌خیزد و وحشت‌زده به متکلم قرآن پناه می‌جوییم تا با  
کلامش دردمان را درمان کند.

### محزون کردن خویش

حزن، گریه و تقلب روحی در برابر خداوند بزرگ، نتیجه‌ی  
طبیعی جریان انس با قرآن و تدبیر در آن است. «... یحزنون به



آن کس که از درد غفلت و سرگشتگی به خود می‌آید و خود را از روشنائی حکمت و تابش علم سودمند محروم می‌بیند، چه عاشقانه و دردمند روی به معشوق می‌آورد و درمان می‌طلبد. این درمان طلبی، عاشق را به خلوت شب می‌کشاند و به مناجات با معشوق و انس با قرآن می‌نشانند. چرا که معشوق از خلال قرآن سخن می‌گوید و در آن به نهایت تجلی کرده و به درمان نشست است:

«ألا من اشتاق الی الله فلیستمع کلام الله»: کسی که شوق به سوی خدا دارد، باید به سخن خداوند گوش بسپارد.

«جلاء هذه القلوب ذکر الله و تلاوه القرآن»: ذکر خداوند و تلاوت قرآن مایه‌ی جلا و صیقل دل‌هاست.

در این‌جا باید توجه داشت، جریان تلاوت راستین با جریان تدبیر وحدت دارد و آن جریان‌ی است که از قرائت آیات شروع می‌شود، با فهم حقایق آن ادامه می‌یابد و با تحقق عملی آن پایان می‌یابد. از این‌رو جریان کاوش در قرآن برای اخذ داروی درد خویش، باید به کار بستن نسخه‌ی قرآن را در پی داشته باشد.

از امام صادق (ع) نقل است که درباره‌ی «یتلونه حق تلاوته...» فرمود: «به شیوه‌ی ترتیل آیاتش را می‌خوانند و معانی‌اش را فهم می‌کنند و به احکام آن عمل می‌نمایند و امید به وعده‌ی الهی دارند و از عذابش در خوف و هراس به‌سر می‌برند و قصص آن را مجسم می‌بینند و از مثل‌هایش عبرت می‌گیرند. اوامرش را اجرا می‌کنند و از محرماتش دوری می‌گزینند. و آن-به خدا سوگند- صرفاً با حفظ آیات و چینش حروف و تلاوت سوره‌ها و تحقیق یک‌دهم و یک‌پنجم حاصل نمی‌شود. آنان حروفش را حفظ و حدودش را تباہ کردند. و جز این نیست که آن (حق تلاوت) همان تدبیر در آیاتش می‌باشد، چرا که خداوند می‌فرماید: آن کتابی بسیار با عظمت است که بر تو فرورستادیم، بسیار پرخیر و برکت است تا در آیاتش تدبیر نمایند و تا صاحبان خرد متذکر گردند [ص / ۲۹].»

## رسالت قرائت‌کننده قرآن

**امام باقر (ع)** در توصیف دسته‌ی برتر از قاریان قرآن می‌فرماید: «این قاری قرآن، کسی است که قرآن را قرائت نموده و داروی قرآن را بر بیماری قلب خویش نهاده، شب را با بیداری به صبح رسانده و روزش را به تشنگی سپری کرده است. با قرآن در مصالحتش به‌پا خاسته و به واسطه‌ی آن از رخت‌خواب پهلو تهی کرده است. و به واسطه‌ی آنان، خداوند بلا را برطرف می‌کند و از دشمنان انتقام می‌کشد، و به خاطر

آن‌ها باران نجات‌بخش را از آسمان فرو می‌فرستد. پس به خدا سوگند، اینان در میان قاریان قرآن از گوگرد کمیاب‌ترند.» این بیان امام روشن می‌کند که قاری، پیش از آن که به قرائت قرآن بپردازد، می‌باید کام تشنه‌ی خویش را از مشرب الهی قرآن سیراب ساخته، دردهای درونی خود را بر قرآن عرضه کرده و درمان آن را در قرآن یافته باشد. هم‌چنین انس با قرآن، تمام فکر و اندیشه‌ی او را به خود مشغول داشته باشد، به گونه‌ای که تعلیمات قرآن بر تمام وجود او اثر گذاشته و قلبش را روشن و منور گردانیده باشد.

امیرالمؤمنین (ع) در توصیف پارسیان، آنانی را قاریان قرآن معرفی می‌کند که ترتیل قرآن جانشان را به حزن کشانده باشد: «اما در شب، قدم‌ها را به صف کشیده‌اند، درحالی که اجزای قرآن را تلاوت می‌کنند و آن‌ها را به نحو خاصی با ترتیل می‌خوانند. به واسطه‌ی این ترتیل قرآن، جانشان را به حزن می‌کشند و به واسطه‌ی آن، داروی دردشان را برمی‌انگیزانند. هرگاه به آیه‌ای گذر می‌کنند که در آن تشویق است، بدان چشم امید می‌بندند و جانشان از شوق به سوی آن پر می‌کشد و به یقین باور دارند که آیه در برابر گذشتگان نصب شده است. و چون به آیه‌ای گذر کنند که هشدار و اندازی دربردارد، با گوش جانشان برای استماع بدان میل می‌کنند و به یقین باور دارند که گویی نعره‌ی جهنم و طنین صدایش در عمق گوششان قرار دارد.» [نهج‌البلاغه/ خطبه‌ی ۹۳].

از این سخنان می‌توان دریافت که مهم‌ترین وظیفه‌ی قاری، روشن کردن درون خویش به نور قرآن و کشف داروهای قرآنی برای دردهای درون است تا بدین‌وسیله، «الگو» و «اسوه‌ی» دیگران در بهره‌گیری از قرآن قرار گیرد. در واقع قاری، خود ابتدا مرحله‌ی قرائت تا تدبیر در قرآن را عملاً طی کرده است و سپس تلاوت خویش را به دیگران نیز عرضه می‌دارد و آن‌ها با مشاهده‌ی او و گوش سپردن به قرائت او، خود به قرائت و تدبیر در قرآن روی می‌آورند. هم‌چنان که قرائت قرآن به خواندن آیات با آهنگ موزون و محزون ختم نمی‌شود، بلکه خواندن، نخستین گام به شمار می‌آید که نهایتاً به تدبیر و عمل در زندگی می‌انجامد، الگوگیری دیگران از قاری نیز تمام مراحل فوق را دربرمی‌گیرد. به این معنا که قاری در خواندن، فهم، تدبیر و عمل به آیات، الگوی نهایی عمومی مردم جامعه‌ی اسلامی است. این امر مسئولیت خطیر قاریان قرآن را آشکار می‌سازد.

«یا ایها الناس قد جاءکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنین» [یونس / ۵۷].



## جلد هفتم از دایره‌المعارف قرآن کریم



هفتمین جلد از مجموعه دایره‌المعارف قرآن کریم به کوشش مرکز فرهنگ و معارف قرآن به زودی از سوی مؤسسه بوستان کتاب تجدید چاپ می‌شود. نادر یزدانی، مسئول فروش مؤسسه بوستان کتاب با اعلام این خبر افزود: «مرکز فرهنگ و معاصر قرآن که نزدیک به دو دهه فعالیت قرآنی دارد، با بهره‌گیری از تجربیات و پژوهش‌های انجام شده و استفاده از دانشوران قرآنی، برای نخستین بار در جهان اسلام به تألیف دایره‌المعارف قرآن کریم اقدام کرده است.» چاپ دوم هفتمین جلد از مجموعه «دایره‌المعارف قرآن کریم» در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، ۵۸۰ صفحه، قطع وزیری و جلد سلفون به زودی از سوی مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار کتاب خواهد شد.

# معرفی کتاب

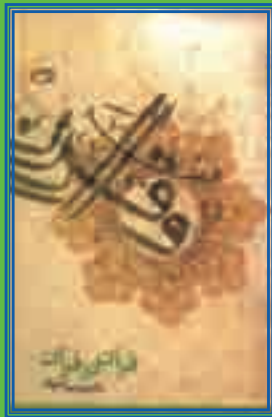
## نوجوانان و دانش‌نامه قرآن



نخستین جلد از دایره‌المعارف قرآن کریم به همت گروه دایره‌المعارف قرآن کریم مرکز فرهنگ و معارف قرآن به زودی برای نوجوانان منتشر خواهد شد. حجت‌الاسلام و المسلمین علی خراسانی، مدیر گروه دایره‌المعارف‌های مرکز فرهنگ و معارف قرآن، با اعلام این خبر افزود: «براساس طرحی جامع، قرار است مجموعه مباحث قرآنی برای نوجوانان در قالب ۱۲ جلد ارائه شود که جلد نخست آن امسال عرضه خواهد شد.» وی تصریح کرد: «با توجه به هدف کلی توسعه و بسط مطالعات قرآنی در میان اقشار مختلف جامعه، این پروژه برای گروه سنی نوجوانان طراحی شده است تا آن‌ها نیز به فراخور توان خویش از معارف ناب قرآنی بهره بگیرند. هم‌چنین، شیوه نگارش مقالات، متناسب با گروه سنی نوجوانان و حجم مقالات در مقایسه با مقالات دایره‌المعارف بزرگسالان کمز است.»



## «قرآن در قرآن» منتشر می‌شود



کتاب «قرآن در قرآن» درباره ابعاد مختلف کتاب آسمانی دین اسلام به قلم محمد اخوان از سوی انتشارات مرسل به زودی منتشر می‌شود.

حسینعلی پورمدنی، مدیر مسئول انتشارات مرسل، ضمن بیان این خبر، عنوان کرد: «این اثر در ۱۰ فصل تألیف شده که فصل اول آن با عنوان «عجاز قرآن» آیات مختلف درباره معجزه و معجزه بودن قرآن را بررسی می‌کند.»

وی درباره دیگر فصول کتاب توضیح داد: «فصل دوم به نحو بدیعی به اثبات قرآن به عنوان یک پایه‌گذار علوم قرآنی پرداخته و فصل سوم با عنوان «حقانیت قرآن» اساسی‌ترین تمایز میان حق و باطل را بیان کرده است.» پورمدنی با اشاره به دیگر مباحث این اثر یادآور شد: «قرآن کتاب هدایت»، «وصاف قرآن»، «جهان‌بینی قرآنی»، «ایدئولوژی قرآنی» و «مخالفان قرآن» در این نوشتار بررسی شده است. چاپ اول کتاب «قرآن در قرآن» در ۷۸۰ صفحه، قطع رقعی و بهای ۸۵۰۰ تومان به‌زودی از سوی انتشارات مرسل منتشر می‌شود.



## آثاریک شاعر ویک پژوهش‌گر عرب

ترجمه حبیب‌الله عباسی از دو کتاب «متن قرآنی و آفاق نگارش» اثر احمد سعید معروف به آدونیس، شاعر اهل سوریه به بازار کتاب ایران می‌آید. آدونیس در «متن قرآنی و آفاق نگارش» درباره این بحث می‌کند که متن قرآن یک متن نگارشی با ویژگی‌های زبانی و ادبی خاص است و نیز راز جاودانگی قرآن را با تعبیر خاصی بیان می‌کند. هم‌چنین کتاب «هیروگلیف در قرآن کریم» نوشته سعد عبدالمطلب عدل، تفسیر یا قرائت علمی جدیدی از حروف مقطعه قرآن کریم عرضه کرده است. این اثر با همکاری عباسی و حامد صدقی ترجمه و روانه کتاب‌فروشی‌های ایران شده است.



## چاپ قرآن حکیم با فونت نیریزی



قرآن حکیم با فونت خط احمد نیریزی و ترجمه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی از سوی مرکز طبع و نشر قرآن کریم منتشر می‌شود. مرکز طبع و نشر قرآن کریم، چاپ قرآن حکیم با فونت نیریزی را در دست انتشار دارد. پیش از این، قرآن حکیم با فونت عثمان طه از سوی این مرکز به چاپ رسید که با استقبال از سوی مخاطب مواجه شد. در چاپ جدید این قرآن علاوه بر تغییر فونت، تغییراتی نیز در صفحه‌بندی، چینش کلمات و... انجام شده است که در مقایسه با چاپ قبلی بسیار بهتر و با قرائت سهل‌تر همراه است.



## ۳۱۳ رمزاز احکام قرآن

احکام و معارف ناب محمدی (ص) در جلد دوم کتابی با عنوان «آشنایی با احکام و معارف به شیوه ۳۱۳ رمز» به قلم سید مهدی قاسمی منتشر شد. این کتاب که در ادامه جلد اول تدوین شده، شماره رموز آن از ۳۱۴ آغاز می‌شود و احادیثی را درباره فواید گریه، وصف خدا، رستگاری، یادگیری مسائل خمس، اطلاعاتی درباره پیامبر (ص) و امامان (ع) بیان می‌کند. از جمله رمزهایی که در این کتاب مطرح شده‌اند. می‌توان به «چرا به دنیا آمده‌ام؟»، «اتحاد؛ انسان از چه درست شده است»، «ارتش؛ یادگیری احکام دین»، «بر عصمت فاطمه؛ نام‌های حضرت فاطمه زهرا (س)»، «چند تحریف از امام حسین (ع)» و «سمد؛ چند چیز را پنهان کن» اشاره کرد. جلد دوم کتاب «آشنایی با احکام و معارف به شیوه ۳۱۳ رمز» از سوی انتشارات قاف مشهد الرضا (ع) در شمارگاہ سه هزار نسخه، ۳۳۶ صفحه و بهای ۲۸۰۰ تومان روانه بازار کتاب شده است.

# ذاکرین قانتین فائزین خاشعین مجتهدین

حضرت باقر (ع) فرمود که رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند، از «غافلین» نوشته نشود و هر کس پنجاه آیه بخواند، در زمره «ذاکرین» نوشته شود و هر کس صد آیه بخواند، در زمره «قانتین» نوشته شود و هر که دویست آیه بخواند، از «خاشعین» نوشته شود، و هر کس سیصد آیه بخواند، از «فائزین» نوشته شود، و هر که پانصد آیه بخواند، از جمله «مجتهدین» نوشته شود، و هر که هزار آیه بخواند، برای او «ثواب انفاق» قنطاری از طلا نوشته شود. و قنطار ۱۵ مثقال است که هر مثقال ۲۴ قیراط است، که کوچک‌ترین آن‌ها به اندازه‌ی کوه احد است و بزرگ‌ترین آن‌ها به اندازه‌ی آن‌چه میان زمین و آسمان است.»

فروغی از جهان روشنایی ص ۷۵

# کشورهای خارجی در نمایشگاه قرآن

در نمایشگاه قرآن سال ۱۳۸۹، غرفه‌ی چین شلوغ‌تر از بقیه‌ی غرفه‌های خارجی بود. هنرمندان و خوش‌نویسان قرآنی چین، از طریق خوش‌نویسی مستقیم آیاتی از قرآن و اهدای رایگان آن به بازدیدکنندگان، توتند پربیننده‌ترین بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن هفدهم را به خود اختصاص دهند. خوش‌نویسان و هنرمندان چینی، در نخستین روزهای آغاز به کار این بخش، با خطاطی آیاتی از قرآن کریم و توزیع رایگان آن در میان بازدیدکنندگان، باعث رونق بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن و ازدحام بازدیدکنندگان در غرفه‌ی چین شدند. هم‌چنین، خوش‌نویسان قرآنی عراق هم با خوش‌نویسی نام ائمه‌ی اطهار(ع) با عنوان یا حسین (ع)، یا علی (ع) و یا فاطمه‌الزهرا (س)، و اهدای رایگان آن به بازدیدکنندگان، توانستند توجه بازدیدکنندگان را به غرفه‌ی عراق جلب کنند. غرفه‌ی «جمعیت القرآن الکریم لبنان» هم پوسترهایی را از قاریان برگزیده‌ی جهان اسلام و تصاویری از **سید حسن نصرالله**، دبیر کل حزب‌الله لبنان در میان بازدیدکنندگان توزیع کردند. در نمایشگاه امسال، اگرچه کشورهای خارجی حضور کم‌رنگی داشتند، اما ابتکار خوش‌نویسان چینی و عراقی، باعث رونق این بخش و استقبال بازدیدکنندگان شد.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

**رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

**رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

**رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.  
♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

# اسامی و مشخصات مؤسسات عضو اتحادیه‌ی تشکل‌های قرآنی کشور

۲

## مؤسسه‌ی بیت‌الاحزان حضرت زهرا (س) - فارس

مدیر عامل: حجت‌الاسلام و المسلمین آقای علیرضا شاهسونی

تلفن همراه: ۰۹۱۷-۷۳۲۰۵۱۳

آدرس: فارس، استهبان، منطقه‌ی خیر، روستای ماهفرخان

تلفن: ۰۷۳۲-۴۶۴۲۰۷۶ دورنگار: ۰۷۳۲-۴۶۴۲۶۰۰

کدپستی: ۷۴۴۷۱

## پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (مرجع) - قم

مدیر عامل: آقای محمد سمیعی تلفن همراه:

آدرس: قم، خ شهید صدوقی، کوچه‌ی ۱۱، پلاک ۷۲

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۱۰۷۰۵ دورنگار: ۰۲۵۱-۲۹۳۱۳۵۶

کدپستی: ۳۷۱۶۶ - ۵۵۸۸۵

## مؤسسه‌ی پردیس قرآن - کاشمر

مدیر عامل: آقای غلامرضا نیازی تلفن همراه: ۰۹۱۵-۵۳۱۲۷۱۶

آدرس: خراسان رضوی، کاشمر، خ امام، پردیس شهید عسگری، کنار کتاب‌خانه‌ی شهید مدرس

تلفن: ۰۵۳۲-۸۲۲۸۷۱۲ دورنگار: ۰۵۳۲-۸۲۴۵۳۴۰

## مؤسسه‌ی پژوهش‌های قرآنی نور - قم

مدیر عامل: آقای احمد نقی‌پور تلفن همراه: ۰۹۱۲-۵۵۲۹۶۲۱

آدرس: قم، صفائیه، کوچه‌ی ۱۹، چهارراه اول سمت چپ، بن‌بست سمت چپ

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۱۶۹۸ دورنگار: ۰۲۵۱-۷۷۳۷۱۶۷





## همّت مضاعف، کار مضاعف

### برگ اشتراک مجله‌های رشد

#### شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

#### نام مجله‌های درخواستی:

.....

.....

.....

#### نام و نام خانوادگی:

.....

#### تاریخ تولد:

.....

#### میزان تحصیلات:

.....

#### تلفن:

.....

#### نشانی کامل پستی:

.....

#### استان: شهرستان:

.....

#### خیابان:

.....

#### پلاک:

.....

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک: .....

امضا:

- صندوق پستی مرکز بررسی آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)
- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

#### یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- منبای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

## مؤسسه‌ی ترویج فرهنگ قرآن - تهران

مدیر عامل: حجت‌الاسلام و المسلمین آقای محمد موحدی‌نژاد

تلفن همراه: ۰۹۱۲-۶۲۰۲۳۲۰

آدرس: تهران، خ فلسطین، نرسیده به انقلاب، کوچه‌ی شهید نایبی، پلاک ۹

تلفن: ۶۶۴۶۴۸۸۱ و ۶۶۹۵۵۵۱۵ و ۶۶۹۵۵۵۱۵ کدپستی: ۱۴۱۶۸۴۴۴۳۱

## مؤسسه‌ی ثقلین - یزد

مدیر عامل: آقای سید محمد صدرالساداتی تلفن همراه: ۰۹۱۳-۱۵۱۵۲۶۹

آدرس: یزد، خ امام خمینی، کوچه‌ی ۳۳ پاک‌نژاد

تلفن: ۰۳۵۱-۶۲۲۷۵۷۷ و ۰۳۵۱-۶۲۲۷۵۷۶ دورنگار: ۰۳۵۱-۶۲۲۷۵۷۶

## جامعه القرآن - تبریز

مدیر اجرایی: محمد غفران‌نیا تلفن همراه:

آدرس: تبریز، خ شهید مطهری، (راسته‌ی کوچه)، نرسیده به چایکنار

تلفن: ۰۴۱۱-۵۲۶۱۳۹۱ و ۰۴۱۱-۵۲۶۱۳۹۵ دورنگار: ۰۴۱۱-۵۲۶۱۳۹۵

## جامعه‌ی قاریان قرآن - مشهد

مدیر اجرایی: آقای احمد نعمتی تلفن همراه: ۰۹۱۵-۵۰۶۵۹۱۶

آدرس: مشهد، خ سناباد، خ شهید ابراهیم محبوب، نبش گل یک، شماره‌ی ۴۴

تلفن: ۰۵۱۱-۸۴۵۲۰۰۲ و ۰۵۱۱-۸۴۲۲۴۵۴ دورنگار: ۰۵۱۱-۸۴۲۲۴۵۴

